

مک‌گوش، در کجای تجربه‌اش

ابوالفضل کاشانی

اتلاف با کارناوال بزرگ؟!

سرویس‌های امنیتی غرب (آمریکا و انگلیس) آمار داده‌اند که حداقل نیروهای داعش ۲۵ هزار و حداکثر ۳۲ هزار نفرند که از سوریه به عراق حضور دارند. نیروی هوایی ندارند. فاقد نیروی دریایی‌اند و سلاح‌های آنها به جز تعداد معدودی تانک و توپ و نفربرهای زرهی، سبک و نیمه‌سنگین است. بخش قابل ملاحظه‌ای از این نیروی ۳۲هزار نفری نادر کاتی هستند. رسانه‌های غربی هنگامی این گزارش سرویس‌های امنیتی از توان داعش را پخش کردند که اوپاما فرمانده ارتش آمریکا که آن را فوق‌ترین در جهان می‌دانند، فرمت تشکیل یک ائتلاف بزرگ بین‌المللی برای مقابله با داعش را صادر کرد. ابتدا وزیر خارجه آمریکا از چند کشور عربی دیدن کرد و در ریاض جلسه‌ای با ۱۰ کشور عربی تشکیل داد و در پایان اعلام کرد این ۱۰ کشور همراه آمریکا کلیهٔ تشکیل ائتلاف بزرگ را زده‌اند. آن بی‌انی، در یک نشست بزرگ در پاریس که به قول رسانه‌های غربی «نمایندانه از کشورهای مختلف از جمله ۵ عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل در آن حضور داشتند» ائتلاف بزرگ بین‌المللی علیه داعش را رسمیت بخشیدند. همهٔ رسانه‌های غربی بیان چاه‌ها به راه‌انداختند که گویی فرمان جنگ بین‌المللی در عراق و سوریه داده شده است تا ۲۲ هزار نیرو از گروه تروریستی به نام داعش را سرکوب و نابود سازند! جالب توجه این که آمریکا‌ها با گفته‌اند این جنگ طولانی است و حداقل ۳۰ سال زمان می‌برد! سازمان امریکایی فعلا در این جنگ به‌طور مستمر حضور نخواهد داشت و فقط با بمباران هوایی، مسیر نابودی داعش دنبال می‌شود. عملیات هوایی امریکایی‌ها هنگامی انجام می‌گیرد که ارتش عراق در صحنه حضور دارد و تا اینجا کار همه اذعان دارند که پیشروی‌های داعش را سد کرده است و هرگونه تحرک میدانی آنها را نابود می‌سازد!

بررسی که برای نگارنده با چنین اطلاعات داده شده از رسانه‌های غربی پیش آمده است و با ششما خواننده عزیز در میان می‌گذارد، این که انداختن «کارناوال» را پاریس تا پاریس، تشکیل یک ائتلاف است یا به راه درنوشته‌های گذشتهٔ محک از چند هفته گذشته مشکوک بودن اهداف امریکایی‌ها از نمایش چنین کارناوالی اختصاراً شرح داده‌شد. امریکایی‌ها که می‌گویند، برتر گزین بین دو دقیق‌ترین سرسرویس امنیتی نظامی را در اختیار دارند تاکنون در پیش‌ترسش مردم در سراسر جهان، که چگونه این همه دلار« (اسلحه» در اختیار یک گروه تروریستی به نام داعش قرار گرفته است، کمترین اطلاع یا پاسخی نداده‌اند! علاوه بر آن همه می‌پرستند در حالی که عراق در تحت حفاظت امنیتی- نظامی امریکا بوده است، «داعش» با ۲۰ هزار نیرو چگونه توانست نزدیک به ۳۵ درصدا از خاک عراق را اشغال کند؟ چرا آمریکا‌ها هفته‌ها درباره چنین تهاجمی (سکوت» اختیار کردند و برخی از دول‌های غربی همسوا با امریکا در منطقه زیان به تأیید آنها گوش‌دند و منهم ردیف اول در قدرت‌نمایی گروه تروریستی داعش شدند؟ وقتی داعش به سرعت و بی در پی عملیات نظامی و چهرگی انجام می‌داد. هم‌شهر ها و روستاهای عراق را یکی پس از دیگری به تصرف در می‌آورد، درودت، حشد صدام «و عزت‌الدوری» معاون اول صدام با اعلام همبستگی با داعش که تا نزدیک «بنگاه» رسیدند و در خیرها از نام (داعش یعنی) خبرسازی و تبلیغ وسیعی می کردند، چرا از خاک سفید و وزارت خارجه امریکا نبود؟ و در آن روزها که دستور صدور اخطار قطر پیام داد «به زودی در بغداد داد کنار هوطن عراقی خود خواهم بود». سودی‌ها، اماراتی‌ها و قطری‌ها چه جشن گرفتند که داعش به کناره مرزهای ایران آمدند و بغداد سقوط خواهد کرد؟ دوری‌الزمانی (نخست‌وزیر سابق) که در انتخابات آزاد پارلمانی عراق، پیروز بزرگی به دست آورده بود، موضوع روز و یکباره همه مثلک‌ها متوجه او شد و عراق را فاقد دولت مردم‌کزی معرفی کردند و حل مشکل را کنارگیری امامی را قدرت دانستند. این ستاریو با هجوم داعش تا امروز چگونه اجرا شده است که اکنون همه احساس خطر می‌کنند و مشکل را فقط اعلام ائتلاف بزرگ – بخوانید کارناوال بین‌المللی به رهبری آمریکا دانسته‌اند؟!

نگارنده بر این باور است که به‌شماره‌ها باید در استازئی دولت امریکا دید و واقعاً تلخ ۱۱ سپتامبر برسی کرد. چند روز بعد از آن حادثه، جرج بوش رئیس‌جمهوری وقت امریکا در سخنرانی خود خطاب به مردم جهان گفت: «امریکا ناامن مسواری با مسئولیت نامان است». کمتر از یک‌دهه این سیاست‌مبدل به «آمریکا امن مسوولای با داورمیان نامان» شد. امواج تروریستی از داخل کشورهای اروپایی و آمریکایی به درون خاورمیانه ایجاد پلدار کرد. سراسر خاورمیانه که روزگاری غربی‌های امن گفتند کرکیت تولید تروریست است، مبدل به هم‌کر انواع و اقسام گروه‌های تروریستی و عملیات آنها شد که اوج آن را در سوریه شاهد بوده و هستیم. امریکایی‌ها هنوز از «سیاست تغییر رژیم» در خاورمیانه دست برداشته‌اند و از همه گروه‌های تروریستی از جمله داعش و النصرة و دیگر گروه‌های تکتیری در سراسر منطقه در راستای استازئی «امریکا امن مسوای با خاورمیانه ناامن» است بهره می‌گیرند. رژیم صهیونیستی همسوا با این استازئی غرب، روش‌های سیاسی، امنیتی و نظامی خود را اعمال می‌کند. همین نگاه است که انتباهو، نخست‌وزیر اسرائیل در هفته‌های اول از ظهور خوتنه‌های تروریستی داعش، خطاب به اوپاما گفت: دولت اوپاما نباید دخالتی در جریان داشته باشد و برای سرکوب گروه‌های تروریستی در کشورهای مسلمان خاورمیانه اقدامی کند. دو دشمن ما (دولت‌ها و گروه‌های تروریستی) یکدیگر را نمی‌کشند! از این بهتر نمی‌شود!

حالا امریکایی‌ها می‌گویند طرح جدید برای سرکوب «داعش» که به قول خوش‌شان اول و اخیراً حداکثر ۳۲ هزار نفرند، حداقل سه سال طول خواهد کشید و صحنه عملیات و بمباران‌ها در منطقه‌ای که عراق تا اردن و سوریه را در بر خواهد گرفت. فرض را بر این بگذارید که عراق از عراق به سوریه عقب‌نشینی کند و بخشی از شهرهای شرق سوریه لو‌ویده حضور آنها شود، به گزینش راه‌های مرزهای عربستان و اردن و پاره پارهش این امر که محصور این بمباران‌ها چه خواهد شد؟ اوپاما در سخنرانی خود گفت که دولت سوریه (بشاراسد) با قانونی نمی‌داند، دستور جمهوری امریکا را بار دیگر تأکید کرد «بشاراسد به عنوان رئیس‌جمهوری سوریه با آمریکا و جاهت قانونی ندارد». بسیاری از محافل سیاسی غرب بعد از این سخنرانی اوپاما گفته‌اند، از مسیر سرکوب داعش، هدف نهایی نظام‌ها فقط دولت بشاراسد است! طرح «ازداسازی» بخشی از کارهای اوپاما و دولت مستقل که بلافاصله غرب (آمریکا و هم‌راهان او در اروپا) آن را به سر می‌خوانند شناخت هنوز دنیال می‌شود. از نشانه‌های آن، اختصاص ۵۰۰ میلیون دلار به مخافتان بشاراسد است که بلافاصله بعد از سخنرانی اوپاما از سوی آمریکا اعلام شد. گروه تروریستی «ال‌نصره» در سوریه هم با امریکایی‌ها و هم با اسرائیلی‌ها کار می‌کند.

سیماهای خاورمیانه در چنینر سیاست استرژاتیکی «آمریکا امن مسوای با خاورمیانه ناامن» گرفتار شده است. متأسفانه دولت فرصت‌طلب پوتین (روسیه) نیز به جای سیاست خاورمیانه‌ام و باثبات، به گروم‌های دیگر از خاورمیانه ناامن «مشکل روس‌ها در سوریه» را در خاورمیانه ایست که در این منطقه جای پای مستحکم ندارند و از آشفتگی که سیاست‌های غلط امریکا ایجاد می‌کند، فرصت به دست می‌آورند. کارناوال بزرگ به انتلاف بین‌المللی به جای تثبیت امنیت و ثبات در منطقه، جریانهایی جدیدی را می‌آفریند که بیشترین منافع آن‌را برای صهیونیست‌هاست. صهیونسست‌ها امنیت و بقای خود را در منطقهٔ کشورهای یروانی خود و در سراسر خاورمیانه مسلمانان در تأملاتی خودخواهانه جستجو می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران اگر چه شرکت در این کارناوال (ائتلاف) را رد می‌است، اما از سیاست‌های آمریکا غافل نیست و مرحله به مرحله آن را رصد می‌کند.

چینز دیفنس

ایران در ساخت شبکه بر د بلند راداری

هشدار دهنده به موقعیت‌های مهمی رسیده است

سرویس سیاسی – اجتماعی: یک نشریه معتبر انگلیسی در امور نظامی – دفاعی از پیشرفت‌های قابل توجه ایران در ساخت شبکه‌های راداری هشدار دهنده خبر داد.

راداری هشدار دهنده به موقعیت‌های مهمی ناآل شده است. بر د شبکه راداری ایران در شمال غربی کشور که «سپهر» نام دارد، ۳۰۰۰ کیلومتر است و تصاویر ماهواره‌ای جدید نشان می‌دهد که ایران دو سامانه دیگر راداری بر د بلند را به مجموعه شبکه راداری خود اضافه کرده است. این نشریه انگلیسی بر اساس مستندات تصویری کسب‌شده از ماهواره مدعی شد که یک شبکه راداری پیشرفته ایران در حوالی گرمسار قرار دارد و شبیه راداری «روزن‌شک» است.

چینز دیفنس نوشت: ایران در بخش‌های مرکزی کشور هم از رادارهای عصر نهمه بهره می‌برد که به‌طور ۳۱۰ درجه و با پوشش کامل فعالیت می‌کنند و هیچ‌گاه لغال هستند.

این نشریه مدعی شد که سامانه راداری سپهر مستقر در کردستان قادر است تا علاوه بر پوشش کامل ایران، عربستان، مصر، اسرائیل، ترکیه و پاکستان را هم پوشش دهد و هم‌زمان اروپای شرقی، جنوب شرقی روسیه از جمله مسکو، هند را رصد کند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی در گذشت عالم وارسته حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد تقی نصیری را تسلیت گفتند.

متن پیام رهبر انقلاب به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

درگذشت عالم وارسته جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد تقی نصیری رحمه‌الله‌ علیه‌ که عمر شریف خود را در تبلیغ معارف اسلامی و قرآنی و هدایت مردم سپری کرد و دلسوزانه و تربیت‌طلب و فضلالی علوم دینی همت گماشت، به حوزه‌ی علمیه سمنان و روحانیت مکرّم آن سامان و به‌همهٔ ارادتمندان

پیام تبریک خالد مشعل به رهبر معظم انقلاب

خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی حماس با ارسال نامه‌ای به مقام معظم رهبری، در موقعیت عمل جراحی ایشان را تبریک گفت و به گزارش خبرگزاری تسنیم به نقل از مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین، برگردان فارسی متن نامه رئیس دفتر سیاسی حماس به شرح زیر است: حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای (حفظه الله) رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران سلام علیکم ورحمت الله وبرکاته از طرف خود و به نمایندگی از برادرانم در جنبش مقاومت اسلامی حماس و دفتر سیاسی این جنبش، خالصانه تقیت آمیز بودن عمل جراحی

رئیس جمهوری: ایران برای گسترش روابط با شرق آسیا اهمیت خاصی قائل است

برخی کشورها به دنبال جنگ و آتش‌افروزی در منطقه و جهان هستند، اما صلح و امنیت در سایه درایت و هیران و مسئولان، پایدار خواهد ماند.

«ری سو یانگ» وزیر خارجه جمهوری خلق کره هم در این دیدار با ابراهیم سلام‌های گرم «کیم جونگ اون» رهبر عالی جمهوری دمکراتی خلق کره به دکتر روحانی اظهار داشت: رابطه دیرینه و عمیقی بین دو کشور برقرار است و مصمم هستیم با راه‌یافتن به بخش‌های مختلف به ویژه در عرصه اقتصادی و بازرگانی گسترش دهیم.

وی همچنین به تقدیر از ایستادگی و مقاومت ملت ایران در حفظ حق مسلم خود برای فعالیت صلح‌محور هسته‌ای و تلاش برای برقراری صلح و امنیت در منطقه گفت: دولت و ملت کره ایستادگی و مقاومت ملت و دولت ایران حمایت می‌کند.

سردار کارگر: پرداختن به ارزش‌های دفاع مقدس راهکار مبارزه با آسیب‌های اجتماعی است

سرویس سیاسی – اجتماعی: رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس با انتقاد از وضع سیاسی شهر تهران، تأکید کرد: سیماهای پایتخت باید ارزش‌های دفاع مقدس را نشان دهد.

سردار بهمن کارگر دبیرزاد حضور در نود و پنجمین جلسه شورای شهر تهران، بارانه گزارش از فعالیت‌های این بنیاد در هفته دفاع مقدس، از ششورا خواست درجده و شناسایی و ایجاد یادمان در مناطق بمباران شده و موشک خورده تهران کند.

وی گفت: فعالیت بنیاد، حفظ آثار دفاع مقدس و ترویج فرهنگ مقاومت، ایثار، جهاد و شهادت است و رهبر معظم انقلاب هدف از تشکیل بنیاد را حفظ آثار و جذب جهاد دلف را اند و از بر جلوگیری از فراموش شدن خون پاک شهیدان کرده‌اند.

وی افزود: هدفمند در این باره فرمودند در جنگ تحمیلی از کسانی که می‌خواستند از نامیابت ارضی و مرزهای کشور دفاع کنند کسی نرسید شما از کدام طایفه، مذهب، زبان و لهجه هستید بلکه همه به هیچ‌ها رفتند و خود‌ها در آمیخته‌شد و انقلاب به معنای واقعی است و جهاد و اشتد و راین فرق و طوایف گوناگون ایجاد کرد.

رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس تأکید کرد: تفکر جمهوری می‌تواند کلید وحدت در کشور باشد و از زمان شروع فعالیت من به بنیاد با هر شخصی با هر تفکر و سلیقه سیاسی درباره دفاع مقدس همکاری داشته‌ایم.

وی همچنین با اشاره به آمار اردوهای راهیان نور گفت: در اوایل دهه ۸۰ حدود ۵۰۰

سردار جعفری: حمایت از دولت سیاست سپاه است

سرویس سیاسی – اجتماعی: فرمانده کل سپاه پاسداران از آموزش مردم مستضعف منطقه توسط نیروی قدس سپاه و کسب موقعیت‌هایی در این باره خبر داد.

سردار محمدعلی جعفری گفت: حوزه ماموریت نیروی قدس سپاه، خارجی و کمک به نهضت‌های اسلامی، توسعه انقلاب اسلامی و کمک به مقاومت مظلومان در سراسر دنیا است و در کشورهای مثل لبنان، سوریه و عراق که مردم به کمک نیاز داشته‌باشند، سپاه با نیروی قدس کمک می‌کند. وی افزود: سپاه حمایت و دفاع ازملت‌هایی که تحت ستم آمریکا و اسرائیل باشند، وظیفه خود می‌داند و هرگونه انتقال قانونی را که از انتقال سلاح هم بهتر است، انجام می‌دهد. کما این که از قبل هم اعلام کرده‌ایم و اینجاست هم شده است و به این مطالبات در هر جا که باشد، پاسخ می‌دهیم.

به گفته جعفری، آمریکا از حمله به سوریه پشیمان خواهد شد. وی همچنین با اشاره به ائتلاف آمریکا و متحدانش در برابر داعش تأکید کرد: آمریکا از ینفای

دومین کاروان زائران جانباز ایران عازم سرزمین وحی شد

مدیرکل روابط عمومی سازمان حج و زیارت اعلام کرد که تا بعدازظهر دیروز ۳۰هزار نفر از زائران ایرانی وارد عربستان شدند.

خبرنگار ما دیروز در تماسی باحجت‌الاسلام والمسلمین مهدی شهبازدر دین‌مسنه خودرواجع به تعداد و شرایط زائرانی که وارد عربستان شده‌اند سؤال کرد که وی گفت: تا عصر دیروز بیش از ۳۰ هزار زائر ایرانی وارد عربستان شده‌اند و عزیمت سایر زائران به سرزمین وحی طبق برنامه در حال انجام است و تعدادی از زائران ایرانی تا ششم مهر به عربستان وارد شوند و ی

راتسلیت گفتند

و علاقمندان به ایشان و بیت آن مرحوم تسلیت می‌گویم و رحمت و غفران الهی برای آن فقید سعید و حشر با اولیای الهی خاصه فرزند شهیدش را از پروردگار مسألت می‌نمایم.

سید علی خامنه‌ای ۲۴ شهریور ۱۳۹۲

حضور رئیس جمهوری در مراسم یادبود آیت الله نصیری

حجت‌الاسلام و المسلمین حسن روحانی، رئیس‌جمهوری در مراسم یادبود مرحوم آیت الله محمد تقی نصیری حضور یافت و به مقام شامخ وی ادای احترام کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، رئیس

اخبار داخلی

رهبر معظم انقلاب، در گذشت حجت‌الاسلام والمسلمین نصیری

راتسلیت گفتند

و علاقمندان به ایشان و بیت آن مرحوم تسلیت می‌گویم و رحمت و غفران الهی برای آن فقید سعید و حشر با اولیای الهی خاصه فرزند شهیدش را از پروردگار مسألت می‌نمایم.

سید علی خامنه‌ای ۲۴ شهریور ۱۳۹۲

حضور رئیس جمهوری در مراسم یادبود آیت الله نصیری

حجت‌الاسلام و المسلمین حسن روحانی، رئیس‌جمهوری در مراسم یادبود مرحوم آیت الله محمد تقی نصیری حضور یافت و به مقام شامخ وی ادای احترام کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، رئیس

پیام تبریک خالد مشعل به رهبر معظم انقلاب

و شغای سریع حضرت تعالی را تبریک و تهنیت می‌گویم و از درگاه خداوند بلندمرتبه و منزه، سلامتی کامل و توفیق جالبهالی را که اخیر و صلاح جمهوری اسلامی ایران عزیز و ملت بزرگ آن و صالح امت اسلامی و آرام‌های آن و در اس‌همه آن‌ها آرام‌ان فلسطین و قدس و مبارزه با صهیونیسم در آن نهفته است، مسألت دارم.

برگشت یک‌کات خالصانه اینجانب را بپذیرا باشید.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

برادر شما خالد مشعل- رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی «حماس»

آیت‌الله‌العظمی‌سید‌عبدالکریم

موسوی‌اردبیلی‌از‌مراجع‌تقلید‌گفتند:

عملکرد دولت تاکنون مطلوب و مورد رضایت بوده است. به گزارش ایرنا به نقل از دفتر

مشاور وزیر کشور در امور روحانیت و ائمه جمعه و جوامعات، ایشان دیروز در دیدار حجت‌الاسلام داود

نمازی، مشاور وزیر کشور در امور روحانیت و روابط عمومی، به تریب طلب و فضلالی علوم دینی همت گماشت.

مرحوم آیت الله نصیری ۲۱ شهریور در ۸۳سالگی در آن کوهل‌سن و عارضه مغزی در بیمارستان خاتم‌الانبیاء تهران دار فانی را وداع

است.

آیت‌الله‌العظمی‌ناصر‌مکارم‌شیرازی‌توهمین به‌مقدسات‌دیگران‌واضح‌نگذارد.امیر‌را

به‌گزارش‌پایگاه‌اطلاع‌رسانی‌آیت‌الله‌العظمی‌مکارم‌شیرازی،‌ایشان‌در‌دیدارجمعی

از‌ره‌یافتگان‌مکتب‌اهل‌بیت(ع)‌از‌استان‌های‌سیستان‌و‌بلوچستان،‌هر‌م‌گان،‌کردستان‌و

گلستان،‌افزودند:‌ما‌به‌مقدسات‌دیگران‌اهانت‌نمی‌کنیم‌و‌اجازه‌نمی‌دهیم‌احدی‌هم‌اهانت‌کند.

این‌مطلب‌را‌هم‌به‌صورت‌فناوتواشته‌ایم‌و‌منتشر

آیت الله العظمی مکارم شیرازی: توهین به مقدسات دیگران صحیح نیست

آیت‌الله‌العظمی‌ناصر‌مکارم‌شیرازی‌توهمین به‌مقدسات‌دیگران‌واضح‌نگذارد.امیر‌را به‌گزارش‌پایگاه‌اطلاع‌رسانی‌آیت‌الله‌العظمی‌مکارم‌شیرازی،‌ایشان‌در‌دیدارجمعی از‌ره‌یافتگان‌مکتب‌اهل‌بیت(ع)‌از‌استان‌های‌سیستان‌و‌بلوچستان،‌هر‌م‌گان،‌کردستان‌و گلستان،‌افزودند:‌ما‌به‌مقدسات‌دیگران‌اهانت‌نمی‌کنیم‌و‌اجازه‌نمی‌دهیم‌احدی‌هم‌اهانت‌کند.

این‌مطلب‌را‌هم‌به‌صورت‌فناوتواشته‌ایم‌و‌منتشر

عراقچی‌تأکید‌کرد:‌حفظ‌حقوق‌ایران‌و‌دستاوردهای‌هسته‌ای‌م‌ردم‌ایران‌و‌دانشمندان،‌خطوط‌قرمز‌ماست‌و‌به‌هیچ‌وجه‌بر‌گشت‌پذیر‌نخواهد‌بود.‌به‌گفته‌این‌عضو‌نماینده‌مذکره‌حسته‌ای،‌رسیدن‌به‌توافق‌در‌مذاکرات‌نیویورک‌بعد‌است.

«مجدد‌تخت‌روانچی»‌معاون‌اروپا‌و‌آمریکایی‌وزیر‌امور‌خارجیه‌هم‌در‌دیدار

با‌آستان‌مقام‌وزیر‌امور‌خارجیه‌سوسیس‌در‌آستان‌مقام‌جدید‌مذاکرات‌ایران‌و‌۵۰۱

نیویورک‌گفت:‌ما‌با‌جدیت‌به‌مذاکرات‌ادامه‌می‌دهیم‌و‌امیدواریم‌طرف‌مقابل‌نیز‌جدیت

و‌تعامل‌افزاید‌تا‌داشته‌باشد‌تا‌توانیم‌قبل‌از‌آفرآزمه‌به‌توافق‌جامع‌برسیم.

درهمین‌معادن‌وزیر‌خارجیه‌روسیه‌می‌گوید‌که‌دیدار‌وزرای‌خارجیه‌ایران‌و‌۵۰۱

در‌نیویورک‌در‌صورتی‌بر‌گزار‌می‌شود‌که‌مذاکرات‌سطوح‌پایین‌تر‌موفق‌باشند.

به‌گزارش‌فارس،‌«کسیرگی‌ریاکوف»‌ایستادگی‌و‌مقاومت‌ملت‌و‌دولت‌ایران‌حمایت‌می‌کند.

ششگویی‌وزارت‌خارجیه‌روسیه‌در

فرزندشهیدتندگو‌ایفان‌دوقتی‌زندگینامه‌یک‌شهید‌در‌کتاب‌های‌می‌شود‌چون‌آن

جوانان‌نوجوانان‌تأکید‌کردند.

اقبال‌شاکری‌رئیس‌کمیته‌عمران‌شورا‌در‌سخنانی‌از‌شناسایی‌یکی‌از‌شهیدان‌گنمان‌مدفون‌در‌دانشگاه‌امیر‌کبیر‌خبر‌داد‌گفت:

این‌شهید‌بزرگوار‌دارای‌سه‌فرزند‌و‌اهل‌استان‌صفهان‌بود.

احمد‌حمیدیمی‌پور‌رئیس‌کمیته‌میراث‌فرهنگی‌هم‌گفت:‌برای‌جمع‌آوری

خطرات‌جانباران‌از‌زمندگان،‌آذگان‌و‌فناوری‌زمندگان‌شهید‌آثار‌معمق‌هر‌جری‌است

لازم‌است‌اطلاعات‌مربوط‌به‌این‌عزیزان‌تا‌تمامی‌اطلاعات‌مربوط‌به‌این‌عزیزان‌جمع‌آوری‌شود.

همچنین‌اسماعیل‌دوستی‌نایب‌رئیس‌کمیسیون‌عمران‌شورا‌بیان‌این‌که‌فناکاری

مردم‌ذاکر‌س‌نشین‌در‌فداع‌مقدس‌نایب‌فراشوش‌نشود،‌افزود:‌این‌که‌امروز‌ایران

به‌امن‌ترین‌کشور‌دنیا‌تبدیل‌شده،‌مهرمن‌فناکاری‌زمندگان‌فداع‌معمق‌هر‌جری‌است

پس‌باید‌هر‌چه‌بیشتر‌بر‌حفظ‌ارزش‌های‌آن‌ان‌کوشیم.

محسن‌مهدی‌تندگویان‌نایب‌رئیس‌کمیسیون‌حج‌وسایز‌و‌معماری‌هم‌با‌اراز

الویه‌از‌رویه‌آموزش‌و‌پرورش‌گفت:‌کار‌خوبی‌که‌توسط‌آموزش‌و‌پرورش‌شروع‌گرفت‌این‌بود‌که‌زندگینامه‌برخی‌از‌شهیدان

کتاب‌درسی‌مدارس‌جا‌گرفت‌ما‌قصور‌در‌این‌زمینه‌انجام‌گرفت‌که‌باید‌گفت‌فما‌هی‌رخ‌داده‌این‌است‌که‌زندگینامه‌برخی‌شهیدان

علاقم‌گذاری‌نشود.

بنابه‌این‌گزارش‌در‌ادامه‌جلسه،‌اعضای

دستگاه‌های اجرایی مکلف

به‌ارائه‌سند‌بر‌نامه‌نیروی‌انسانی‌شدند

جلسه‌شورای‌عالی‌اداری‌عصر‌دوشنبه‌به‌ریاست‌معاون‌اول‌رئیس‌جمهوری‌بر‌گزار‌شد‌و‌دستورالعمل‌ساماندهی‌نیروی‌انسانی‌دستگاه‌های

اجرایی‌مورد‌بررسی‌قرار‌گرفت.

فرمانده‌کل‌سپاه‌در‌ادامه‌با‌اشاره‌به‌آزادسازی

شهر‌آملی‌در‌عراق‌گفت:‌با‌وجود‌مردم‌و‌نیروهای‌پوششی،‌سایز‌به‌حضور‌نظامی‌ایران‌در‌عملیات

آزادسازی‌آملی‌نبود‌و‌نقش‌ایران‌فقط‌مشاورای‌و‌فکری‌بوده‌است.

جعفری‌در‌پاسخ‌به‌سئوالی‌مبنی‌بر‌این‌که‌تعامل

سپاه‌با‌دولت‌چگونه‌است،‌افزود:‌ما‌براهین‌که‌بیشتر

اعلام‌کردیم،‌حمایت‌از‌دولت‌ها‌جزو‌سیاست‌های‌سپاه‌به‌ویژه‌در‌سازندگی‌و‌فعالیت‌های‌مربوط‌به

معیشت‌و‌رفاه‌و‌محرومیت‌زدایی‌مردم‌است.

وی‌تأکید‌کرد:‌در‌زمان‌آغاز‌به‌کار‌دولت‌یازدهم،‌اعلام‌آمدادگسی‌کردیم‌آریه،‌هر‌چند‌در‌اوایل‌ایهاماتی

وجود‌داشت‌اما‌مسئولان‌دولت‌به‌این‌نتیجه‌رسیدند

که‌توان‌سپاه‌در‌حوزه‌سازندگی‌را‌نامی‌توان‌نادیده

گرفت‌و‌اکنون‌همکاری‌در‌تعامل‌مطلوبی‌بین‌سپاه‌و‌دولت‌شکل‌گرفته‌است.

و‌المسلمین‌قاضی‌عسکر‌نماینده‌ولی‌فقیه‌و‌سرپرست‌حکام‌ایرانی‌به

اتفاق‌آقای‌سعید‌احمدی‌رئیس‌سازمان‌حج‌و‌زیارت‌و‌سایر‌مسئولان

به‌طور‌روزانه‌از‌محل‌استقبال‌و‌محل‌پخت‌غذا‌و‌مراکز‌درمانی‌زائران

دومین‌کاروان‌جانبازان‌هم‌در‌تهران‌لازم‌را‌برای‌ارتقاء‌سایز‌و‌پس‌از‌۸۸

اقامت‌در‌مدینه‌منوره‌و‌زیارت‌مرقد‌عزت‌عبدالله‌شوال‌کرد‌که‌وی

گفت:‌تا‌عصر‌دیروز‌بیش‌از‌۳۰هزار‌زائر‌ایرانی‌وارد‌عربستان‌شده‌اند

و‌عزیمت‌سایر‌زائران‌به‌سرزمین‌وحی‌طبق‌برنامه‌در‌حال‌انجام‌است

و‌حی‌طبق‌برنامه‌در‌حال‌انجام‌است‌و‌تعدادی‌از‌زائران‌ایرانی‌و‌زائران‌عراقی‌و‌اسرائیلی

تا‌ششم‌مهر‌به‌عربستان‌وارد‌شوند‌و‌ی

چهارشنبه۲۶شهریور۱۳۹۲- ۲۱ آبان الفقهه ۱۴۳۵-۱۷سپتامبر ۲۰۱۴-سال هشتاد و نهم- شماره ۲۵۹۷۳

آیت الله العظمی موسوی اردبیلی: عملکرد دولت مطلوب بوده است



حجت‌الاسلام داود نمازی

مشاور وزیر کشور در امور روحانیت و ائمه جمعه و جوامعات، دراین دیدار

سلامه دکتر رحمانی فضلی وزیر

معاون وزیر خارجه: خطوط قرمز ایران در مذاکرات برگشت ناپذیر است

این مرجع تقلید در بخش دیگری از سخنان خود بی‌این بیان که می‌توانیم حتی بدون مراجعه به منابع اهل بیت(ع) حقانیت شیعه را اثبات کنیم، گفتند: پیروان مکتب اهل بیت(ع) می‌توانند از کتاب‌های درجه اول اهل سنت حقیقت خود را اثبات کنند. یکی از علمای اهل سنت پاکستان گفت: بود که شیعیان می‌توانند فروع و اصول دین خود را از کتاب‌های ما اثبات کنند و کاش این روایت در کتاب‌های ما نبود.

نشست گفته است: «مذاکرات جدی بوده و ما پاسخ‌های باقوه برای سوالات کلیدی را شناسایی کرده‌ایم، اما هنوز بر سر موضوعات محوری اختلاف زیادی داریم.

وضع کنونی، غیرقابل قبول است. مقامات ایران بارها هر گونه سبیل برای ساختن یک سلاح هسته‌ای را رد کرده‌

کردها پرچمداران ادب فارسی در ایران ومیانرودان



دکتر محمدعلی سلطانی بخش چهارم

ملک‌الکلام در منظومه‌ای که استمداد از حضرت سیدالشهدا امام حسین(ع) است، می‌گوید:
ای توییای دیدهٔ جان، خاک پای تو
برتر ز عرش، بارگه کبریاى تو
در رستخیز خون جگر بر زمین چکد
زان شاخ گل که برده‌ما ز نینوای تو
کردی به راه دوست تن و جان خود فدا
بیاد هزار جان گرامی فدای تو
در بحر رحمت است ششاور هر آن کسی
یک قطرهٔ اشک ریزد اندر عزای تو
ذات تو هست معنی قربان و ز اهل کین
چون پاره‌پاره صفحهٔ قرآن، قبای تو
می‌خواستم در زمین بکند محشر آشکار
روز نبرد بسازوی معجزنمای تو
عهد السبت آمد و تسلیم عرضه کرد
تاجان نثار دوست نماید وفای تو
تو تشنه جان سپیدی و آب حیات هم
بود از تو تشنه‌تر به لب جانفزای تو
بودند بی‌خبر که بقادر ولایت توست
قومی که خواستند به گیتی فسای تو
رنجی که قاتلان تو را هست روز حشر
امروز مر مرامست ز هجر لقای تو
رحمی کن و ز لطف مراسوی خویش خوان
زان پیشتر که چنان دهم انسدر ولایت تو
ریاضی
فرمانبر حق همیشه حق‌بین باشد
نظم در جهان ز دین و آیین باشد
دیندار اگرچه هست گرساله‌پرست
صد بار به از کسی که بی‌دین باشد

ای بس که به خون تپیدم از دیدهٔ خویش
نادیده کس آنچه دیدم از دیدهٔ خویش
چون شمع شرب فراقت از سر تا پای
بگذاختم و چکیدم از دیدهٔ خویش

ای رفته به سیر برگ‌ریزان روان
غیر از توبهاری به تماشاى خزان؟
هرگز نشنیدیم و نندیدیم، زود
جان از لب تو به حسرت انگشت گران

حاج ملک‌الکلام مجدی بااین جایگاه علمی و عرفانی و ادبی به سال ۱۳۰۶ق در آثانی سفر حج، به خدمت فیضی زهاوی رسید و در سفرنامه خود شرح ملاقات خود را با او چنین می‌نویسد: «... زمان توقف در بغداد خدمت بعضی از علما و مشایخ طرق رسیده و شرف صحبت جناب قدوه العلماء الراشخین، مولانا اعظم‌المجاهد مفتی زهابی را که افضل علمای عصر است، دریافتیم. کلمات صوری و معنوی و فصاحت‌لسان و عذوبت بیان ایشان را ندیده و نشنیده‌ام، اکثر شبها در انجمن خاص ایشان حاضر بودم و کلمات قدسیهٔ ایشان را به گوش هوش استماع می‌نمودم... بسیاری از علماء معاصرین در خدمت ایشان تحصیل علوم نموده و به درجه تکمیل رسیده‌اند. از سنین عمر ایشان پرسیدم، در جواب فرمودند: «اَوْفَا!» این اشعار از جمله قصیدهٔ راقم [حاج ملک‌الکلام] است در مدح ایشان:
مفتی شروق و غرب، محمد که از شرف
قدش فرزان گنبد گردون زده لسا
ببر دست او قضا و قدر گشت آفرین
طایع او زمین و زمان گشته مرجبا
درداىلى که گنبد گردان حباب‌وار
قصه صد هزار سال فزون بربرد هما

در زیر سایبان جلالش بود هنوز
خفّاش اگر ز خاک رهش تو تیا کند
گرده به روز روشن بر ی عیان سُها ...
ملک‌الکلام از واژهٔ «اَوْف» که در سفرنامه‌اش توضیحی برای آن ننوشته، دریافته است که فیضی زهاوی سال دارد: زیرا «اَوْف» به حروف ایجاد معادل ۸۷ است: الف = ۱)، و = ۲)، ف = ۸۰) و دیگر «اَوْف» از لحاظ دستور زبان فارسی از الفاظ صوت است و در گروه صوت افسوس قرار می‌گیرد یعنی در مقام درغ و افسوس گفته می‌شود «و چون این صوت به هنگام احساس سوختن از آتش بر زبان جاری می‌شود، زهاوی با یک کلمه چندین منظور را رسانیده است و ذهن ملک‌الکلام و هر شنوندهٔ ادیب و زیرک را متوجه ابعدادی مختلف می‌نماید و امروز آن که این پاسخ می‌خواند و این آیات زیر را شنیده، ذهنش به سوی تفسیر این دو بیت معطوف می‌شود که:
ایجد عشقش چو سبب پیش نیست:
دیده و دل از همگان دوختم
حاصل عمرم سه سخن پیش نیست:
خام‌بدم، پخته‌ شدم، سوختم

و بیان این تفسیر گسترده در قالب یک واژه از اصوات فارسی، یعنی تسلط بر زبان و ادبیات فارسی در جغرافیایی غریب در قریب یکصد و پنجاه سال پیش برخلاف امروز که زبان فارسی به چه روزگاری گرفتار آمده است.
بن‌گذیم:
به هر حال فیضی زهاوی کرد در بغداد که با آن پایگاه علمی و فقهی و فرهنگی که مشاوار شخصیتی چون **الوسی** در تصنیف تفسیر نامدار روح‌المعانی بود»...چراغ ادب فارسی در میان‌رودان را پس از خود به فرزندش بزموندش **جمشید صدیقی زهابی** میرسد و در سنهٔ ۱۳۰۸ق پس از قریب سی سال، روحش به جوار رحمت حق پرواز کرد.

حاج سید احمد دیوان بیگی، مؤلف حقیقه الشعرا – که جمیل صدقی را در قریب بیست سالگی ملاقات کرده است، می‌نویسد: «اسما و دجها جمیل و فرزند مولوی محمد فیض است... این جوان در حجر تربیت پدر پرورش می‌یابد. حال که ۱۲۹۷ق است و سنین عمرش ش و حد عشرین نرسیده، می‌گویند از تمام معلومات پدرش بهرهٔ کامل حاصل کرده. در شعر هم با اینکه دلآش در بغداد و معاشرتش با اکردا و اعراب – اگرچه از اصل فارسی‌زبان است – اما همان فارسی اصلش هم که زبان مردم زهاب است، باز کردی است...»
تشبیب و فراز زندگانی علمی و فرهنگی و سیاسی جمیل صدقی را که شادروان دکتر **محمد محمد ملایری** استاد برجستهٔ ادبیات عرب دانشگاه‌های ایران و لبنان و از معاریف مجهول‌القدر کوه‌پایه‌های زاگرس در «الدرس اللغه و الادب» (جلد دوم) به تفصیل مرقوم داشته و سالها پیش برگردان بخشهایی از آن به عنایت و همراهی حضرت استاد ی شادروان **سیدمحمدطاهر سیدزاده هاشمی** برای درج در مجلدات حدیقهٔ سلطانی (جلد دوم) از تألیفات صاحب این قلم به فارسی انجام و سپس به طور کامل توسط ایشان ترجمه و در تعلیقات ترجمهٔ نامهٔ ملک‌الکلام مجدی درج گردید، بنابراین به منظور آشنایی خوانندگان و خواستاران در اینجا با حذف مکررات و درج ضروریات به نقل آن می‌پردازیم.
ادامه دارد

پی‌نوشتها:
۲۵.گزیدهٔ دیوان مجدی، به خط العلیحید امیرالکتاب بن ملک‌الکلام، تهران، ۱۳۳۳ق. این دیوان در آن سالها منتشر شده است و شادروان امیرالکتاب با این بیت در مقدمه کتاب وعدهٔ اتمام و کلیات را داده است:
دیوان او این نمونه کم است. یکی از نامی از بی‌ی است
امیرالکتاب بعد از آنکه علاوه بر فضل و ادب، در هنر خوشنویسی ایران، از ارکان و مبدع خط نادر ایرانی است. دکتر دکتر مهدی یبانی، احوال و آثار خوشنویسان، ج ۲، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۳۳، ص ۳۷۱.
۲۶.سفرنامه ملک‌الکلام مجدی، به کوش محمدطاهر سیدزاده هاشمی، انتشارات توکل، تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۲۷/ ۱۲۸.
۲۷. دستورنامه «در صرف و نحو زبان فارسی»، دکتر معجودام مشکور، مؤسسه مطبوعاتی شرق، چاپ نهم، تهران، ۱۳۵۵، ص ۱۲۷.
۲۸.سیدمحمدالوسی در آثانی تألیف تفسیر روح‌المعانی درجابهٔ مشکلی برخوردار بود، اما چون به غایت و همدلی حضرت استاد ی است، او هم تقریر مفتی [زهاوی] را طی عبارت تفسیر به نام خودش نقل نموده است (تعلیقات سفرنامه)، ص ۱۸۲.
۲۹. شیخ محمد خاثر، مفتی زهاوی، بغداد، ۱۳۳۳ق.
۳۰. مشایخ کرد، دوم، انتشارات سروش، ۱۳۶۶، ص ۳۰.
۳۱.سیداحمد دیوان بیگی شیرازی، همان، ص ۱۰۰۶.
۳۲.محمدعلی سلطانی، همان، ص ۲۷ و ۱۵۱ به بعد.

مؤلف عالم آرا از چنین دیار و روزگاری بود. مردی ساده‌ضمیر از مردم عادی کوچک و بازار، یک کارمند متوسط دفتر و مالی. این است که تعجب نباید کرد که گاهی افسانه‌هایی را به صورت واقعیت تاریخی نقل می‌کند. طبعاً او فردی مذهبی و معتقد و با ایمان است و این کتاب او برمی‌آید: در جنگهایی که نادر در برابر دشمن احساس ناتوانی می‌کند، روزی نیاز به درگاه کارساز می‌آورد و به خاک می‌افتد و مناجات و استغاثه می‌کند و پیروزی را از خدا می‌خواهد. بعد حمله می‌کند و پیروز می‌شود (از تکرار این موضوع گویا مؤلف تحت تأثیر فردوسی است در آنچه دربارهٔ رستم گفته است)، اما یک بار هم حسین شاه افغان را به یاد استهزا می‌گیرد که مردم قندهار را در مسجد جمع کرد که دست به دعا برندارد بلکه چهاریار باصفا کمک و اعانت نمایند.

مؤلف در تجزیه و تحلیل حادثه‌ها، پیروزی و شکست را از قضا و قدر می‌داند، و در مقدمه هر فصل، با در شعرهایی که به دنبال هر حادثه یا مرگ شخصیت‌های مهم ساخته و آورده، این جهان‌بینی هویدانت، همیشه کفرفتاری اسیران را با این تعبیر تکراری بیان می‌کند که: «اسیر سرینچهٔ تقدیر شدند» یا در ذکر فرار عده‌ای که از معر که بیکار جان سالم به در می‌برند، این تعبیر را فراموش نمی‌کند که: «در اجشاش تأخیر بود».

تغییر احوال‌نادر را چنین توجیه کرده‌است که ساحران هندو با افسون نادر را بر مردم ایران خشکین کردند! شنبه شدن صدای کشتگان در کافر قلعه و دانستهایی دربارهٔ غار بیرجند، پل خداآفرین و چاه سمرقند نمونه‌ای از پندارهای ناپدیدرفتنی آن روزگار است که اگر مستقیماً از ارتباطی با تاریخ ندارد، اما به هر صورت نشان می‌دهد که حوادث کتاب در چه روزگاری گذشته است؛ روزگاری که برای مردم اندیشیدن و شنیده‌ها را به تراوی خرد ستجیدن معاینی نداشتند، و همین‌ها سبب اصلی واپس ماندگی و خواری ملت ما شده است.

محمد کاظم یک ایرانی ساده – نه عالم – است که چشم بر گذشتهٔ ایران داشتند، و همه جا همیشه به ایران می‌اندیشیده است. او شاهنامه می‌خوانده است و آیاتی که خود در وصف میدانهای جنگ خاص، و نیز نتیجه‌گیری و عبرت‌آموزی او بعد از بیان حادثه‌های مرگ و کشتار و ویرانی و بدبختی یک تن یا گروهی، حکمت‌سرای‌های فردوسی را در پایان داستانها به یاد می‌آورد. البته فاصله سخن تا سخن از زمین تا آسمان است؛ اما همین قدر که حماسهٔ فردوسی را می‌خوانده، شرف بزرگی برای اوست.

نادرشاه و محمدکاظم هر دو ساخته و پرداختهٔ محیط مرزی خراسان هستند، و هر دو از مشاهدهٔ خواری و زبونی مرزنشینان در برابر تاخت و تاز و کینه‌جویی قبیله‌های مهاجم رنج برده‌اند، و درمان درد را در وجود یک دولت نیرومند، مرکزی جستند.، جز اینکه آن تلخکامی‌ها در دل مروی جوان تعصب و کینه‌مذهبی را شدیدتر کرده، اما در وجود نادر، اندیشهٔ او را به رفیع موجبات کینه‌ها و برقراری تسامح و سازش مذهبی کشانیده است.

دربارهٔ میزان ستایش و احترام مؤلف نسبت به نادر، که در هر صفحه کتاب نمودار است، در اینجا حاجتی به بیان نیست.

...[این همه] گاهی هم انتقادگونه‌ای از برخی

کارهای نادر دارد.

در حوادث بعد از مرگ نادر، با ملاحظهٔ هرج و مرجها و جنگهای داخلی و بدبختی‌های مردم جای نادر را خالی می‌یابد؛ مثلاً در آن فصل توحيات افسانه‌وار سردار ایرانی در دشت قیچاق، در پایان داستان می‌نویسد:

♦♦♦
«اگرچه ایران از پیروزیهای نادر بهره‌ای نبرد و باقی فقر و ویرانی، خاطر‌های از آن افتخارات باقی‌نماند، اما همسایگان آزند تجاوزگر و در یافتند که بناید ایران و ایرانی را آخرد ببینند و باید در رفتار خود با ایران، آن از اراده و قیام این ملت ببینیدند
♦♦♦

«سردار احوال اردو را برهم خورده، و بخت خود را در مرگ دید. دانست که آنچه توحيات ای حال سر زده، همگی به اقبال نادر دوران بوده، و مثل اینکه حق با مؤلف است، و امروز هم حق‌شناسی است اگر تأثیر شخصیت نادر را در بقای ایران نادیده بگیریم، اگرچه ایران از پیروزیها و کشورگشاییهایی با بهره‌ای نبرد، و جز فقر و ویرانی، خاطره‌ای از آن افتخارات باقی نماند، اما بالاخره همسایگان آزند تجاوزگر دریافتند که بناید ایران و ایرانی را آخرد ببینند و باید در رفتار خود با ایران از اراده و قیام این ملت ببینیدند.

در آرشوی عثمانی اسناد زیادی مؤید این واقعیت هست، مثلاً وقتی بعد از مرگ نادر، مصطفی خان یکجکلی شاملو – سفیر نادر – به سلطان عثمانی پیشنهاد کرد که به کمک ده‌هزار سرباز عثمانی ایران را به نام سلطان عثمانی بکشاند، و مثل «کریمهٔ تحت‌الحمايهٔ عثمانی» نام، شوری باب عالی مرکب از فرماندهان، صدراعظم و شیخ‌الاسلام بعد از یک هفته بررسی نامه و پیشنهاد نظر داد که: «مداخه!» و در کار ایران به مصلحت دولت عثمانی نیست. و فردا از میان این اشتگنکی‌ها و جنگهای داخلی، باز هم مردی مثل نادر سر بلند خواهد کرد و آن روز برای عثمانی گران تمام خواهد شد!»

یکی بار هم در نیم قرن بعد که آغامحمدخان قاجار به عثمانیا پیشنهاد کرد بود در برابر روسها متحد شوند و در کنار هم با آن دشمن مشترک کار زنفس بیرومند بچکنند، شوری باب عالی عا یاز هم از تجربهٔ قدرت و عظمت ایران ترسید و چنین نظر داد که: «ایران دشمنی است قوی‌تر از روسیه. بهتر این است که بگذاریم در دو دشمن ما یکدیگر را بدارند!»

عالم آرا آئینهٔ اجتماع عصر نادر

عالم آرا یک تاریخ‌خشک رسمی نیست. مجموعه‌ای

از تصویرهای زندهٔ رویدادها، و زندگی مردم و میدانهای رزم و برزهای دوست و پنجاه سال پیش است. تدبیرهای کشورداری و لشکر آرای نادر را چنان که بود، یا آنچه‌ان که مردم ایران تصور می‌کردند، تصویر کرده است. در اینجا می‌بینیم مردی که از میان مردم برخاسته بود و نابسامانی اوضاع اداری و مالی اواخر صفویه را خوب می‌دانست، و به محض تاجگذاری، دگرگونی اساسی در سازمانها و روشها می‌هد:

سمنهای عالی عصر صفوی (اعتمادالدوله و اشیک آقاسی و قوللر آقاسی و قورچی‌باشی) را به‌کلی منسوخ می‌کند، یعنی رشتهٔ کارها را مستقیماً به دست خود می‌گیرد. چند تن به عنوان «ندمای خاص» در کنارش هستند که در واقع مشاوران اویند. چند مستوفی برای استانها برمی‌گزینند که حساب امور مالی را مستقیماً به خود او بدهند. دستور می‌دهد که بیکار بیگی‌ها و حاکمان در امور مالی مداخله نکنند و برای هر یک مراجعی تعیین می‌کند که نقذا دریافت نمایند.

عالم آرای نادری

دکتر محمدامین ریاحی خوبی

بخش دوم



برای رفغ دو خطری که از غرب و شمال شرق متوجه ایران بود، دو مرکز تویخانه یکی در کرمانشاه و یکی در مرو تأسیس کرد. با همه قدرتی که داشت، پیش از هر جنگ مهمی، سرداران و سرکردگان را در جریان تصمیم خود می‌گذاشت و با آنها مشورت می‌کرد.

برای جلوگیری از امکان توطئه‌های زیر دستان، سعی می‌کرد علاوه بر هستهٔ مرکزی سپاه خود که از افشار و اکرد خراسان و قاجار مروی بودند، عده‌ای از افراد قیابیل شکست‌خورده را از افغان ابدالی و غلجایی و ترکمن ازبک و لگزی و حتی اسیران عثمانی جزو «ملازمان رکاکی» خود درآورد. این سیاست تا او زنده‌بود، نمربخش بود، حتی در حادثهٔ کشته شدنش به دست افراد افشار، افغانهای ابدالی به فرماندهی احمدخان دزانی با قاتلاش درآویختند.

سعی می‌کرد مسئولیت هر کاری را نه به دست یک نفر نتهانبلکه به دست دو یا چند نفر بسپارد، تا به ملاحظهٔ یکدیگر دست از پا خطا نکنند. در هر شهری حاکمی جداگانه و سرداری جداگانه می‌گذاشت، و در هر لشکری هم یک نفر بود.

وضعیت روحی نادر

وضع روحی نادر در پایان جنگ‌ها به اشخاص، در میان مردم هم پیچیده بود. محمدکاظم این شایعات را نقل می‌کند که در دشت مغان، قبل از انتخاب به پادشاهی، و در قندهار پیش از حمله به هند، سرکردگان را رامت می‌کرد تا حرف دل آنها را بفهمد.

در دستگاه نادر، جایی که سر مردم عاقلهٔ پادشاه کور می‌شود، طبعاً انقباض شدیدی حکمروا و مثلاً در جنگ مورچه‌خورت که سپاهیان به جای تعقیب افغانها به جمع‌آوری غنایم پرداخته بودند، دستور داد آن همه را گرفتند و تلی کردند و آتش زدن و سر برآوردن را گوش و بینی بریدند. سردارانش هم این انقباض را تقلید می‌کردند.

امروزه کولوسیوم محبوبترین بنای ایالتا و نماد شهر روم و تمدن رومی است و همه رومیان، ایتالیاییها، و حتی اروپاییان به این تمدن افتخار می‌کنند. در سال ۲۰۰۷ بر اساس یک گزارش سنجی با گرسنت پیش از حد میلیون نفر، کولوسیوم جزو هفت سربتر و محبوب جهان برگزیده شد و در سال ۲۰۱۱ میل ۲۵ میلیون یورو تنها برای تمیز کردن دیوارهای کولوسیوم و چند مرمت جزئی در آن هزینه شد. یک ضرب‌المثل آن هزینه‌شد که کولوسیوم

فرق تخت جمشید با کولوسیوم

سعید بشیر تاش

به مرگ را جلوی حیوانات درنده می‌نذاشتند تا زنده‌زنده خورده شوند، باز در حالی که امپراتور و مردم تماشاگر مرگ دردناک این آدمیان تیر به‌تخت بودند! کف تاب کولوسیوم همیشه پوشیده از ماسه بود تا خون برکتش به راحتی جذب شود. در آن کف، پیش از یک میلیون نفر، از جمله بانصد تا قنصد جاز بود کالادیاتور، در محسن کولوسیوم به طرز وحشیانه کشته شدند؛ و شاید پنج هزار هزار متر مربعی از بزرگترین قتلگاه در روزهای دیگر نیز، محکومان در تاریخ بشر خواند.

ایران شناسی

ایران شناسی

از نزدیکترین کسان خود اگر مرتکب خطایی می‌شدند، نمی‌گذشت. تازیانه‌زدن بر برادرش ابراهیم‌خان و تیریزین زدن بر سر تهاسب‌خان جلایر از نمونه‌هایی است که در این کتاب آمده.

ابزارهای جنگی

گونه‌های سلاحهای جنگی از توپ، خمپاره (که عبارت از سبویی بود که پر از باروت و مواد منفجره و قطعات فلزی می‌کردند و به سوی دشمن می‌انداختند)، بادلیج، زنبورک، جزایر، ضربه‌زن، صف‌پوزن که به تدریج از اواخر قرن نهم وارد ایران شده، در این کتاب دیده می‌شود. و در کنار آن سلاحهای گرم، سلاحهای سرد: نیزه و شمشیر و تیر و کمان و خار و خشک هم هنوز جای خود دارد. توپ و تفنگ را که «دورانداز» نامیده می‌شد، طبعاً از دور به کار می‌بردند. سواران تفنگدار هم هنگام نزدیک شدن به دشمن، پیاده می‌شدند و شمشیر می‌کشیدند. یکی عده «پیاده تفنگچی» هم (که بیشتر سستانی و از دو ایل نخچی و لالوی بودند) در تیر اندازی با

فرق تخت جمشید با کولوسیوم

سعید بشیر تاش

بخش دوم

دکتر محمدامین ریاحی خوبی



تفنگ مهارت داشتند. سربازان سالیانه ۱۲ تومان، و سرکردگان و مین‌باشیان از ۱۵۰ تا ۱۰۰۰ تومان موجب می‌گرفتند. عقیق‌الدواب و جیرهٔ غازیان هم ماه به ماه تحویل می‌شد. بازار ستاری در کنار هر اردو در حرکت بود؛ مثلاً هنگام تهیهٔ مدمات سفر قندهار، در اصفهان نادر دستور داد دو هزار نفر از پیشه‌وران «که هر یک هزار تومان سرمایه داشته باشند» به عنوان «اردو بازاری رکا ب اقدس» حاضر گردیدند.

بارونهٔ اردوها را ستوران دولتی و گاهی هم ستوران رعایا می‌کشیدند، و برای این کار بیشتر از گاو استفاده می‌کردند. برای کسب خیر از وضع دشمن، از وجود تاجار استفاده می‌کردند و گاهی هم کسانی را در لباس تاجر یا استودیس به منطقهٔ دشمن می‌فرستادند.

صحنه‌های نبرد

مؤلف در وصف صحنه‌های جنگ به اطانب گراییده است؛ اما از مجموع آنها می‌توان به فنون و شیوه‌های نظامی و به اصطلاح مؤلف به «سپاهبگری» نادر و سپاه او پی برد:

به محض استقرار در یک محل، فوراً قلعه و استحکاماتی به دور اردو می‌کشیدند که «سنگر» نامیده می‌شد.

پیش از شروع جنگ، یک دسته چاپک‌سوار به نام شیرانشان (در چیخچی) برای ضربه زدن به دشمن و تحقیق وضع او پیش می‌بردند.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

– پیش از شروع جنگ، یک دسته چاپک‌سوار به نام شیرانشان (در چیخچی) برای ضربه زدن به دشمن و تحقیق وضع او پیش می‌بردند.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن برجهای چوبی به نام حواله (که از بالای آن با توپ و تفنگ به شهر شلیک می‌کردند)، و آب بستن به دور قلعهٔ شهر، و نیز تقب‌کنند زیر برج و بارو و منفرج کردن آن اطلاعات مفصلی شده.

از نزدیکترین کسان خود اگر مرتکب خطایی می‌شدند، نمی‌گذشت. تازیانه‌زدن بر برادرش ابراهیم‌خان و تیریزین زدن بر سر تهاسب‌خان جلایر از نمونه‌هایی است که در این کتاب آمده.

ابزارهای جنگی

گونه‌های سلاحهای جنگی از توپ، خمپاره (که عبارت از سبویی بود که پر از باروت و مواد منفجره و قطعات فلزی می‌کردند و به سوی دشمن می‌انداختند)، بادلیج، زنبورک، جزایر، ضربه‌زن، صف‌پوزن که به تدریج از اواخر قرن نهم وارد ایران شده، در این کتاب دیده می‌شود. و در کنار آن سلاحهای گرم، سلاحهای سرد: نیزه و شمشیر و تیر و کمان و خار و خشک هم هنوز جای خود دارد. توپ و تفنگ را که «دورانداز» نامیده می‌شد، طبعاً از دور به کار می‌بردند. سواران تفنگدار هم هنگام نزدیک شدن به دشمن، پیاده می‌شدند و شمشیر می‌کشیدند. یکی عده «پیاده تفنگچی» هم (که بیشتر سستانی و از دو ایل نخچی و لالوی بودند) در تیر اندازی با

فرق تخت جمشید با کولوسیوم

سعید بشیر تاش

بخش دوم

دکتر محمدامین ریاحی خوبی



تفنگ مهارت داشتند. سربازان سالیانه ۱۲ تومان، و سرکردگان و مین‌باشیان از ۱۵۰ تا ۱۰۰۰ تومان موجب می‌گرفتند. عقیق‌الدواب و جیرهٔ غازیان هم ماه به ماه تحویل می‌شد. بازار ستاری در کنار هر اردو در حرکت بود؛ مثلاً هنگام تهیهٔ مدمات سفر قندهار، در اصفهان نادر دستور داد دو هزار نفر از پیشه‌وران «که هر یک هزار تومان سرمایه داشته باشند» به عنوان «اردو بازاری رکا ب اقدس» حاضر گردیدند.

بارونهٔ اردوها را ستوران دولتی و گاهی هم ستوران رعایا می‌کشیدند، و برای این کار بیشتر از گاو استفاده می‌کردند. برای کسب خیر از وضع دشمن، از وجود تاجار استفاده می‌کردند و گاهی هم کسانی را در لباس تاجر یا استودیس به منطقهٔ دشمن می‌فرستادند.

صحنه‌های نبرد

مؤلف در وصف صحنه‌های جنگ به اطانب گراییده است؛ اما از مجموع آنها می‌توان به فنون و شیوه‌های نظامی و به اصطلاح مؤلف به «سپاهبگری» نادر و سپاه او پی برد:

به محض استقرار در یک محل، فوراً قلعه و استحکاماتی به دور اردو می‌کشیدند که «سنگر» نامیده می‌شد.

پیش از شروع جنگ، یک دسته چاپک‌سوار به نام شیرانشان (در چیخچی) برای ضربه زدن به دشمن و تحقیق وضع او پیش می‌بردند.

– در عالم آرا، دربارهٔ محاصرهٔ شهرها و ساختن بر

آگهی مزایده

شرکت صنایع جوشکاری و تولید الکترو د شیراز در نظر دارد یک قطعه زمین را با مشخصات ذیل از طریق مزایده عمومی به فروش برساند:
مترائٔ زمین ۵۷۰۰ مترمربع
واقع در منطقه ویژه اقتصادی (پل فسا شیراز) دارای سوله‌ای به مساحت ۱۵۰۰ مترمربع با سقف و ارتفاع تاج تا ۶ متر – برق ۶۰۰ کیلووات و مخزن آب ۱۰ مترمکعب.
متقاضیان جهت دریافت فرم مزایده و اطلاعات تکمیلی با شماره ۰۹۱۲۷۹۷۳۱۴۴ تماس حاصل فرمایند.



« آگهی مناقصه عمومی شماره ۵-۹۳»

آمادگاه ۵۴۴ تهران در نظر دارد نمک خوراکی و ماکارونی مورد نیاز خود را برابر شرایط و مشخصات موجود از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای خریداری نماید.

متقاضیان ضمن در دست داشتن اصل فیش واریزی به مبلغ ۳۰۰۰۰۰ ریال به حساب ۵۱۵۷۸۱۵۷۰۱۱ بانک سپه به نام وجوه مشخص پشتیبانی منطقه ۳ بابت هزینه اوراق هر یک از مناقصه‌های موصوف و با ارائه معرفی نامه کتبی از تاریخ درج آگهی به مدت ده روز می توانند با مراجعه به آمادگاه ۵۴۲ تهران واقع در جاده قدیم کرج، سه راهی شهریار، بعداز ریل راه آهن، پشتیبانی منطقه ۳ ذوالفقار نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.
متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانند با شماره تلفن ۴۴۶۸۰۷۲۴۸ و ۴۴۹۰۰ نامبر ۶۶۲۸۴۷۰۸ تماس حاصل نمایند.

آمادگاه ۵۴۲ تهران

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت توسعه و عمران شهرستان میانه (سهامی عام) ثبت شده به شماره ۸۹۷ و شناسه ملی ۱۰۲۰۰۰۵۷۷۵۰

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت توسعه و عمران شهرستان میانه (سهامی عام) و یا نمایندگان قانونی آنان دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت برای سال مالی منتهی به ۳۱ خرداد ۱۳۹۳ که در ساعت ۱۵/۳۰ روز جمعه ۱۳۹۳/۷/۲۵ واقع در ابتدای جاده ترک، شهرک صنعتی توسعه و عمران میانه، در سالن واحد تولیدی شرکت صبا کندوان (آقای هاشم اصغری) تشکیل می‌گردد شرکت فرمایند.
ضمناً سهامداران محترم و یا نمایندگان قانونی آنان برای دریافت برگ ورود به جلسه همراه با کارت شناسایی و اصل و کالت‌نامه در ساعات اداری روزهای چهارشنبه ۱۳۹۳/۷/۲۳ و پنجشنبه ۱۳۹۳/۷/۲۴ به دفتر شرکت توسعه و عمران میانه واقع در میانه، خیابان امام خمینی، روبروی بانک ملی شعبه مرکزی میانه، کوی پزشکان، ساختمان دکتر منصوری مراجعه فرمایند.

دستور جلسه:

- استماع گزارش فعالیت هیئت مدیره، بازرس قانونی و حسابرس مستقل برای سال مالی منتهی به ۳۱ خرداد ۱۳۹۳.
- تصویب صورت‌های مالی شرکت برای سال مالی منتهی به ۳۱ خرداد ۱۳۹۳.
- انتخاب اعضای هیئت مدیره.
- انتخاب بازرس قانونی و حسابرس مستقل برای سال مالی منتهی به ۳۱ خرداد۱۳۹۴.
- تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای سال مالی منتهی به ۳۱ خرداد۱۳۹۴.
- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه باشد.

هیئت‌مدیره شرکت توسعه و عمران شهرستان میانه(سهامی عام)

آگهی

آگهی شناسایی بیمانکار شرکت سهامی خاص پزشکی ساسانان (بیمارستان ساسان)

در نظر دارد سروسویس رفت و آمد کارکنان بیمارستان را از طریق مناقصه به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.
کلیه اشخاص واجد شرایط که سوابق انجام فعالیت مرتبط با موضوع فوق را دارند می توانند ظرف مدت ده روز از تاریخ نشر این آگهی جهت خرید اسناد مناقصه و دریافت برگ شرایط مناقصه به دفتر حوزه مدیر عامل مراجعه فرمایند.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت رویان بهداشت با مسئولیت محدود ثبت شده به شماره ۵۴۵۵۴

بدینوسیله از کلیه دارندگان سهم‌الشرکه شرکت رویان بهداشت ثبت شده به شماره ۵۴۵۵۴ دعوت می‌شود که در ساعت ۵ بعداز ظهر روز شنبه مورخ ۱۳۹۳/۷/۱۲ در مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت که در محل طبقه فوقانی داروخانه راسل، خیابان سه‌رودی جنوبی، پلاک ۱۱۰ تشکیل خواهد شد، حضور به هم رسانند.
دستور جلسه: تغییر ماده ۷ اساسنامه شرکت جهت معرفی وراث یکی از دارندگان سهم‌الشرکه شرکت

هیئت‌مدیره

شرکت تعاونی اعتبار کوثر کارکنان سازمان حج و زیارت

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه سال ۱۳۹۲ «نوبت دوم»

دستور جلسه:

مجمع مذکور در روز شنبه مورخ ۹۳/۷/۵ رأس ساعت ۱۴:۳۰ در محل سالن آمفی تئاتر مرکزی سازمان حج و زیارت واقع در خیابان آزادی، نیش خیابان رودکی برگزار خواهد شد.
از اعضای محترم تقاضا می‌شود جهت شرکت در مجمع نسبت به اخذ برگه ورود و یا تنظیم فرم و کالت حداکثر تا یک‌هفته پس از تاریخ انتشار این آگهی به دفتر شرکت مراجعه نمایند.

هیات‌مدیره تعاونی

آگهی دعوت

بدینوسیله از کلیه سهامداران **شرکت صنایع سنگ نقش آفرین** (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۹۳۵۰۶ به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۵۴۲۱۱ دعوت می‌شود که در مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۷/۹ صبح در محل مرکزی شرکت شرکت تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانند.

دستور جلسه: ۱- تعیین هیئت‌مدیره ۲- حق امضاء

هیئت‌مدیره

خلاصه تصمیمات مجامع عمومی عادی و فوق‌العاده

شرکت بورس کالای ایران

بر اساس تصمیمات مجمع عمومی عادی شرکت بورس کالای ایران مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۰۵ مبلغ ۳۰۰ ریال سود نقدی تعیین گردید که مطابق برنامه زمان بندی منتشر شده در سایت های کدال سازمان بورس و اوراق بهادار به آدرس **WWW.CODAL.IR** و همچنین سایت رسمی شرکت به آدرس **WWW.IME.CO.IR**، در حال پرداخت به شماره حساب اعلام شده سهامداران (موجود در سوابق این شرکت) میباشد.
بدیهی است سهامداران محترم می بایست در صورت تغییر شماره حساب، مراتب را در اسرع وقت به امور سهام این شرکت از طریق شماره نمابر ۰۲۱-۸۸۳۸۳۰۰۴ و یا از طریق تکمیل فرم معرفی حساب در سـایت بورس کالای ایران اعلام نمایند.
همچنین بر اساس تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده، سرمایه شرکت معادل ۵۰ درصد از محل سود انباشته و اندوخته احتیاطی افزایش یافت که پس انجام تشریفات مربوط به سازمان بورس اوراق بهادار و اداره ثبت شرکتها، نسبت به اطلاع رسانی جهت تعویض برگ سهام اقدام خواهد شد.

اداره امور سهام ومجامع

۲۶ باب مغازه در مجتمع نمایشگاهی، خدماتی، اداری سارینای کیش بصورت نقد ،

نقد و اقساط ویا نقد، اقساط و معاوضه با املاک سهل البیع

۲۴ واحد آپارتمان اداری در شیراز بصورت نقد و یا نقد و اقساط

۳ تهران، زمین با مجوز ساخت ۱۸ طبقه تجاری و اداری واقع در خیابان شهید بهشتی

از آنجائیکه شرکت سرمایه گذاری شهر آتیه متعلق به بانک شهر در نظر دارد املاک و مستغلات مشروحه زیر را در مزایده عمومی از تاریخ **۱۳۹۳/۶/۲۵** لغایت **۱۳۹۳/۶/۳۰** به فروش رساند لذا علاقه مندان می توانند بمنظور کسب اطلاعات و راهنمایی کامل، هماهنگی برای بازدید از محل و دریافت اسناد و اوراق مربوطه ، برگ شرایط و فرم شرکت در مزایده با پرداخت هزینه خرید اسناد مزایده و ارائه پیشنهادات همه روزه از ساعت ۹/۳۰ صبح الی **۱۶(حتی ایام تعطیل)** با در دست داشتن معرفی نامه به نشانی:

۱) میدان فردوسی، ضلع جنوب غربی، برج شاهنامه، پلاک ۲۶، طبقه ۹

۲) شیراز، بلوارستارخان، مجتمع تجاری مسکونی بهاران، طبقه فوقانی تجاری، واحد B1/۱

شرکت مسکن وعمران تجارت آتیه کیش کارگزار فروش مراجعه و یا با تلفن های ۰۶۶۷۶۲۰۰۶ – ۰۹۱۰۱۵۴۴۳۹۹ – ۰۹۱۷۳۰۱۷۱۷۹ تماس حاصل نمایند.

« آخرین مهلت شرکت در مزایده و تحویل پاکت های پیشنهاد قیمت (صرفاً در تهران) تا رأس ساعت ۱۲/۳۰ ظهر روز یکشنبه ۱۳۹۳/۶/۳۰ می باشد»

جدول شماره ۱ جزیره کیش – مجتمع نمایشگاهی، خدماتی و اداری سارینا					
نشانی	نوع ملک	ردیف	جانمایی طبقات	مشخصات	
				مساحت (مترمربع)	کاربری
جزیره کیش ، میدان سیری ، بلوار خیام ، مقابل هتل ارم ، مجتمع نمایشگاهی، خدماتی، اداری سارینا	۲۶ باب مغازه ۲۶ واحد پارکینگ بصورت یکجا با وضع موجود	۱	طبقه اول(روی همکف)	ابعاد واحدها از ۲۳ الی ۲۴۹ متر مربع، مجموعاً ۲۶۵۱ / ۸۰	خدماتی
بهای پایه					
				مساحت (مترمربع)	موضوع واگذاری
				کاربری	مزایده(ریال)
				ملکیت و سرقفلی	۶۳۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

جدول شماره ۲ شیراز، ۲۴ واحد آپارتمان اداری ، در یک ساختمان ۱۰ طبقه واقع در خیابان کریم خان زند

نشانی	نوع و موضوع واگذاری	مساحت عرصه (مترمربع)	مساحت اعیان (متر مربع)	بهای پایه مزایده(ریال)
شیر از، خیابان کریم خان زند – روبروی بیمارستان فقیهی– نیش کوچه ۴۱	۲۴ واحد آپارتمان اداری هر واحد دارای یک پارکینگ بشرح اسناد مربوطه بصورت یکجا وباوضع موجود	۶۰۹/۲۷	۲۲ / ۲۲۴۸ طبقات اول لغایت ششم هر طبقه ۴ واحد	۱۵۵/۸۵۲/۴۵۰/۰۰۰

جدول شماره ۳ تهران، زمین با مجوز ساخت ۱۸ طبقه تجاری و اداری واقع در خیابان شهید بهشتی

نشانی	نوع	مشخصات			موضوع واگذاری	بهای پایه (ریال)
		رتبه	جانمایی طبقات	مساحت (مترمربع)		
تهران، خیابان شهید بهشتی ، نرسیده به سینما آزادی، محل کارگاه ایستگاه متروی شهید بهشتی	ششدانگ یک قطعه زمین با مجوز ساخت ۱۸ طبقه اداری و تجاری شامل ۷ طبقه زیرزمین – یک طبقه همکف – ۱۰ طبقه روی همکف	۱	۱۱۸ واحد طبقات ۱ – الی ۷ –	۴۹۶۲/۵۶	ملکیت و سرقفلی	۳۲۶,۵۷۲,۰۷۰,۰۰۰,۰۰۵
		۲	همکف	۶۳۰		
		۳	اول	۶۷۰ / ۷۴		
		۴	دوم الی دهم	۴۰۱۰ / ۲۲		

رویت پروانه ساختمان ، نقشه ها و سایر اسناد و اوراق توسط متقاضی بمنظور آگاهی از مورد مزایده الزامی است

شرایط و نحوه پرداخت جدول شماره ۳

۱) پرداخت پنج درصد(۵%) سپرده شرکت در مزایده بشرح آتی و مندرج در برگ شرایط .

۲)پرداخت ده درصد (۱۰ %) ثمن معامله بصورت نقد با احتساب سپرده شرکت در مزایده .

۳)پرداخت هشتاد درصد(۸۰%) مبلغ پیشنهادی در اقساط سه الی پنج ساله با نرخ تسهیلات تعیین شده در برگ شرایط مزایده .

۴) پرداخت ده درصد (۱۰ %) ثمن معامله همزمان با انتقال سند در دفترخانه اسناد رسمی.

شرایط و نحوه پرداخت جدول شماره ۱

۱) پرداخت پنج درصد(۵%) سپرده شرکت در مزایده بشرح آتی و مندرج در برگ شرایط .

۲)پرداخت ده درصد (۱۰ %) ثمن معامله بصورت نقد با احتساب ۵% سپرده شرکت در مزایده .

۳)معادل پنجاه درصد(۵۰%) معاوضه با املاک سهل البیع.

۴) پرداخت چهل درصد(۴۰%) الباقی در اقساط مساوی ماهیانه طی ۶۰ ماه .

۵) انتقال سند در دفترخانه اسناد رسمی با پرداخت آخرین قسط انجام خواهد شد.

شرایط و نحوه پرداخت جدول شماره ۲

۱) پرداخت پنج درصد(۵%) سپرده شرکت در مزایده بشرح آتی و مندرج در برگ شرایط .

۲)پرداخت سی درصد (۳۰%) ثمن معامله بصورت نقد با احتساب ۵% سپرده شرکت در مزایده .

۳) پرداخت الباقی حداکثر ظرف چهار ماه و متعاقبا انتقال سند .

توضیحات و شرایط

۱) بهای پیشنهادی باید از حیث مبلغ مشخص و معین و بدون ابهام بوده ودر پاکت لاک و مهر شده (سر بسته) تسلیم گردد.

۲)مبلغ سپرده شرکت در مزایده معادل پنج درصد مبلغ پایه مزایده مندرج در آگهی می باشد که باید توسط متقاضی به حساب مورد اشاره در برگ شرایط واریز و یا چک بانکی بنام متقاضی با دو امضاء، در پشت چک تسلیم شده و رسید آن پیوست پیشنهاد گردد.

۳) شرکت در مزایده و دادن پیشنهاد بمنزله قبول کامل شرایط و آیین نامه های مربوطه و نظریه کمیسیون معاملات فروشنده می باشد.

۴)اواراق و اسناد شرکت در مزایده باید از سوی متقاضی یا متقاضیان با قید کلمه **قبول است** امضاء شود.

۵)کمیسیون معاملات در روز یکشنبه مورخ **۱۳۹۳/۶/۳۰** ساعت ۱۴ در **محل دفتر شرکت سرمایه گذاری شهر آتیه به نشانی تهران، میدان آرژانتین، ابتدای خیابان الوند، بن بست آریا پلاک ۸** تشکیل و پاکت های واصله پیشنهاد را مفتوح و قرانت خواهند نمود.

حضور پیشنهاد دهنده و یا نماینده قانونی وی در جلسه آزاد و عدم حضور ایشان مانع برگزاری مزایده نخواهد بود.

لطفأ به اصلاحات انجام شده در آخرین آگهی و وب سایت **http://www.fsa-invest.com** و **http://shahr-bank.ir** که ملاک عمل نهایی می باشد توجه فرمایید.

شرکت مسکن و عمران تجارت آتیه کیش کارگزار فروش



شرکت مسکن و عمران
تجارت آتیه کیش
(سایر خاص) وابسته به بانک شهر

مزایده شماره ۹۳/۲



«فراخوان مناقصه عمومی شماره ۵/۰۰/۹۳»

«دوم مرحله ای -نوبت دوم»

۱) مناقصه گز ار شرکت مدیریت تولید برق منتظر قائم

۲) موضوع مناقصه: تهیه و تحویل ۱۰۰۰۰ اتن (هزارتن) آهک هیدراته (به صورت فله)

۳) محل دریافت و تسلیم: اسفند: اداره تدارکات داخلی و قراردادها، به نشانی: کرج، کیلومتر ۷ جاده ملارد، روبروی شهرداری منطقه سه، امور بازرگانی نیروگاه

۴) سپرده شرکت در مناقصه: مبلغ ۱۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یازده میلیون تومان) به صورت نقد یا ضمانت نامه بانکی

۵) نحوه خرید اسناد: واریز مبلغ ۱۶۲/۰۰۰ ریال (شانزده هزار و دویست تومان) با احتساب ۸٪ مالیات ارزش افزوده، به حساب جاری شماره ۱۴۶۹۲۹۹۱۵ نزد بانک تجارت شعبه فلکه سوم فردیس باجه نیروگاه و خرید اسناد مناقصه.

۶) مهلت خرید اسناد: از تاریخ درج آگهی به مدت یک هفته (خرید اسناد فقط به صورت حضوری امکانپذیر می باشد)

۷) ایام خرید: تمام روزهای هفته از ساعت ۸ صبح لغایت ۱۲ ظهر.

۸) هزینه چاپ آگهی: کلیه هزینه های مربوط به چاپ و نشر آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد که پس از عقد قرارداد از اولین صورت وضعیت فروشنده کسر خواهد گردید و ضرورت دارد فروشنده در پیشنهاد خود هزینه مزبور را مد نظر قرار دهد.

سایر اطلاعات مربوط به مناقصه در سایت الکترونیکی نیروگاه WWW.MGPC.ir و همچنین سایت الکترونیکی tadmirmontazerghaem قابل مشاهده می باشد.

نکات مهم:

-نیروگاه در قبول یارده پیشنهادها مختار است.

-مناقصه گزار (نیروگاه) اختیار دارد کالای موضوع مناقصه را از دو شرکت تامین نماید.

-پیشنهادهای فاقد سدرده و یا کمتر از میزان مقرر، مخدوش، مبهم و مشروط مردود است.

-مبلغ واریزی (۱۶۲/۰۰۰ ریال) به عنوان هزینه های تهیه اسناد مناقصه و مالیات ارزش افزوده بوده و به هیچ عنوان مسترد نخواهد شد.

در صورت هرگونه ابهام و یا سوال فی با شماره تلفن ۰۲۶-۳۶۶-۷۶۱۱ (مور بارزگانی) تماس حاصل فرمایید.

«شرکت مدیریت تولید برق منتظر قائم»

<div>ترحیم</div>
<div>نازنین برادرمان</div>
 <div>دکتر همایون تجدد در خارج از کشور به رحمت ایزدی پیوست. خدایش بیامرزادکه بزگوار مردی بس مهربان، صمیمی و پاک سرشت بود.</div>
حسب وصیت آن مرحوم هزینه مجالس ترحیم صرف امور خیریه خواهد شد.
<div>ثریا تجدد (عباسیان) – ایران – داریوش – کامبیز (تجدد)</div>
انالله و اناإليه راجعون
<div>باکمال تأسّف و تأثر درگذشت زنده‌یاد دکتر حسین پورپاکی همکار عزیزمان را به اطلاع دوستان می‌رسانیم. مجلس یادبود روز پنجشنبه مورخ ۱۳۰۶/۲۷ ساعت ۱۵/۳۰ الی ۱۷ در مسجد حجت‌ابن‌حسن (عج) واقع در خیابان سهروردی برگزار می‌گردد. تشریف فرمایی شما باعث تسلی بازماندگان می‌شود.</div>
<div>فارغ‌التحصیلان سال ۴۴ دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران</div>

بازگشت همه پسوی اوست
باکمال تأسّف و تأثر درگذشت جناب آقای سید داود (منوچهر) علوی مدیرعامل موسسه حسابرسی پارس را به اطلاع کلیه همکاران، دوستان و آشنایان می‌رساند. به همین مناسبت مراسم بزرگداشتی در روز جمعه ۱۳۰۶/۲۸ از ساعت ۹ الی ۱۱:۳۰ صبح در مسجد جامع شهرک غرب واقع در خیابان حسن سیف (روبروی مجتمع میلاد نور) حضور سروزان گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
موسسه حسابرسی پارس

هوالباقی
پا نهایت تأثر و تأسّف درگذشت همکار گرامی جناب آقای سید داود علوی کارشناس محترم رسمی دادگستری رشته حسابداری، حسابرسی را ضمن عرض تسلیت به اطلاع همکاران گرامی می‌رساند.
به همین مناسبت مجلس ترحیمی روز جمعه ۱۳۰۶/۲۸ از ساعت ۹ الی ۱۱:۳۰ در مسجد جامع شهرک غرب واقع در خیابان حسن سیف (روبروی مجتمع میلاد نور) منعقد می‌باشد.
حضور سروزان گرامی باعث تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.
کانون کارشناسان رسمی دادگستری و هیئت رئیسه گروه ۴- امور مالی

باکمال تأسّف و تأثر درگذشت بانو بتول معین‌زاده را به اطلاع بستگان، دوستان و آشنایان می‌رساند، به همین منظور مجلس ختمی در روز چهارشنبه ۱۳۰۶/۲۶ از ساعت ۵ الی ۸ عصر در محل مسکونی آن مرحومه برگزار می‌گردد.

خانواده معین‌زاده

پا نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان حاج خیرمراد جلیلو نند وکیل درجه یک دادگستری و اخوی جناب آقای دکتر یحیی جلیلو نند وکیل محترم دادگستری را به اطلاع می‌رساند.
مراسم تشییع ساعت ۸/۳۰ صبح روز سه‌شنبه ۱۳۹۳/۶/۲۵ از مقابل منزل واقع در پاسداران خیابان ساقدوش کوچه گلگون پلاک ۱۳ انجام گردید.
مراسم ختم از ساعت ۱۳/۳۰ تا ۱۵ روز جمعه ۱۳۹۳/۶/۲۸ در مسجد جامع شهرک غرب برگزار می‌گردد.
کانون و کلای دادگستری مرکز

پا نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان حبیب‌گودزی کارآموز وکالت دادگستری را به اطلاع می‌رساند.
مراسم یادبود از ساعت ۱۵ تا ۱۶/۳۰ روز جمعه ۱۳۹۳/۶/۲۸ در مسجد جامع‌المهدی (عج) واقع در انتهای همت غرب دهکده المپیک، ضلع شمال غربی میدان المپیک برگزار می‌گردد.
کانون و کلای دادگستری مرکز

باکمال تأسف و تألم درگذشت مادر گرامی‌مان مرحومه شادروان سکینه میوه‌چیان طبرستانی (گلپور) را به اطلاع اقوام و آشنایان می‌رساند. مجلس ختم آن مرحومه روز پنجشنبه ۱۳۰۶/۲۷ از ساعت ۱۵/۴۵ تا ۱۷/۱۵ در مسجدالضاع) واقع در میدان نیلوفر برگزار می‌شود. حضور عزیزان در این مجلس موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
فرزندان، بستگان و سایر اقوام گلپور

جناب آقای مهندس محمدرضا گلپور مدیریت محترم شرکت تهران آرمه مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت گفته، از خداوند متعال برای آن مرحومه علو درجات و جهت بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو می‌کنیم.
پرسنل دفتر مرکزی و کارگاه‌های پروژه بندر جاسک

<div>یادبود</div>

<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div> <p>به مناسبت سوین سال دگذشت روانشاو عباس خاورش، خاطره آن عزیز راگرامی می‌داریم و به روانش درودی فرستیم.</p> <p>خانواده خاورش</p> </div>
۲۸ شهریور یادبود شانزدهمین سال علی مقدم بسی وجودت‌ای پدر مهر و وفا از خانه رفت قمری شیدای ماز بام این کاشانه رفت
مهین امیرجلالی مهندس رضا مقدم مهندس امیرمقدم
سعیدیا مرد نکونام نمیرد هرگز مرده آنست که نامش به نکویی نیرند
چهلمین روز درگذشت
پدری مهربان ودلسوز
اسوه مقاومت و انسانیت
بزرگ‌خاندان رحمانی
شادروان میرزا آقا رحمانی
را گرامی می‌داریم.
از طرف خانواده‌های رحمانی – شقاقی پور

یه نام خدا
اولین سالگرد سفر ابدی مادرمان بانو توراندخت مهدوی سدلو
همسر مرحوم امیر هوشنگ خان شقاقی

چه بگویم از تو «مادر» که صفای خانه بودی که یگانه تکیه گاهم تو در این زمانه بودی چه کسی رسد به پایت به محبت و صفایت به صفا و مهربانی به جهان یگانه بودی «مادرم» سفر کردی، شادی و نشاط را با خود بردی حتی زینق‌های باغچه حیاطمان امسال گل ندادند و پرنده‌ها برایشان نخواندند، شاید آنها هم مثل فرزندان غمگین و فسرده بودند.
لذا به همین مناسبت در روز پنج‌شنبه مورخه ۱۳۰۶/۲۷ بر سر مزارت خواهیم بود.
از طرف فرزندان

هفت سال است که عمارت پدری‌ام، عطر مادری ندارد! ۲۶ شهریور ماه هر سال مقارن است با پرواز آسمانی مادر مهربانمان بانو عقیقه لک (زبیا).
به همین مناسبت در هفتمین سالروز درگذشت درانه وجودمان، یادش را با حضور در آرامگاهش گرامی می‌داریم.
همسر: ابراهیم – مادر: ستاره
فرزندان: علی، عاطفه، اردلان و احسان

<div>ترحیم</div>
<div>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</div>

به مردم توصیه شود که بیاورند باشند و نعمتهای خدای متعال را در خلاف رضای او مصرف نکنند.
دیک کلمه با خدای رحمن و رحیم تفر کنند و ارتباطشان را با قادر متعال محکم نمایند که خالق و رب ما خدای خوبی است و هر چه هست از ناحیه اوست.
هو الاول والآخر والظاهر والباطن لیس کمته شی و هو السميع البصیر و بیده از مته الامور
به بد بخشی بانی که گریبانگیر اجتماع ما می شود فراموشی از خدای حاضر و ناظر بر اعمال و غفلت از حساب قیامت روز بزر است.
«نشی از وصیت نامه»
آنالله و آنالیه راجعون
دوین سالگرد عروج ملکوتی عالم مجید و عارف سالک الی الله
حضرت آت اله حاج شیخ محی الدین انواری ^{رحمته علیه}
بزمیان با سالروز شهادت حضرت جوادالائمه (علیه السلام)
زمان: پنجشنبه ۱۳۰۷/۳ برابر با ۲۹ ذی القعدة
بعد از نماز مغرب و عشاء
مکان: مسجد قبا، خیابان شیریتی، خیابان قبا

نام نیکو گر بماند ز آدمی
به کزو ماند سرای زرنگار

دومین سالگرد درگذشت همسر و پدر مهربانمان شادروان حسین شهسواری را بر سر مزارش به سوگ می‌نشینیم و یاد و خاطر دаш را در این روز گرامی می‌داریم.
همیشه در دل ماست.
همسر و فرزندان
تسلیت
خواهر محترم سرکار خانم دکتر میترا رادفر فوق تخصص نوزادان
عضو محترم هیات مدیره انجمن علمی پزشکان نوزادان ایران

احتراماً مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحوم علودرجات و برای جنابعالی و خانواده محترم‌متان صبر جمیل خواستاریم.
رئیس و هیات مدیره انجمن علمی پزشکان نوزادان ایران

خواهر محترم سرکار خانم دکتر میترا رادفر فوق تخصص نوزادان
عضو محترم هیات مدیره انجمن علمی پرناتولوژی ایران احتراماً مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحوم علودرجات و برای جنابعالی و خانواده محترم‌متان صبر جمیل خواستاریم.
رئیس و هیات مدیره انجمن علمی پرناتولوژی ایران

خواهر محترم سرکار خانم دکتر میترا رادفر فوق تخصص نوزادان
هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی احتراماً مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحوم علودرجات و برای جنابعالی و خانواده محترم‌متان صبر جمیل خواستاریم.
مرکز تحقیقات سلامت نوزادان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

جناب آقای میثم بهادری
پا نهایت تأسف مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر مسئلت داریم.
حسین و منوچهر عمرانی، هرمز اسحاقی، جاوید و بیژن آبی

همکار گرامی جناب آقای حبیب عبداللهی مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت می‌گوییم برای آن مرحوم غفران الهی و برای بازماندگان صبر واجراز درگاه ایزد متعال خواستاریم.
اعضای تحریریه و بین‌الملل روزنامه اطلاعات: آقایان: آبی – آذر نیا – اکبری – اسدی – آقایی – بر دبار – بنی‌الحسینی – پورعالی – تیریزی – حیدرزاده – خانی – خطیبی – داویدبگی – درویشی – دهقان – رعنا – رفیع – سام – سلیمانی – صالح – صادقی – طوسی نژاد – ظریف – عبداللهی – عسکری – فارسی – فراز مند – فیضی – قاسم‌زاده – قطبی – قهرمانی – کاظمی میر – کرابی – گلابی – مازوجی – میری – میری‌خانی – میرزا آقاسی – نرجه – نفیسی – نیک‌نژاد – وزیری – ویژگان – یزدان پرست. خانم‌ها:

اتراکی – پزشکی – تیموری – رنجبران – رستم‌زاد – زاهدی – زمان‌قشمی – صرافی – عسکری – علی‌نیا – عصارزاده – عبدخدایی – قیاسی – کاشانی – گردان – گودرزی – نظری – مهدوی – میرزایی – واعظ محرابی – هاشمی – یارمحمدی.

جناب آقای مهندس مسروری مدیرعامل محترم شرکت رامپکو
صمیمانه و باکمال تأسّف درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت گفته، سلامتی جنابعالی و خانواده محترم را از خداوند متعال مسئلت داریم.
هیئت مدیره و کارکنان شرکت اسسکو

همکار گرامی جناب آقای حسن سامع
مصیبت درگذشت جانشوز پدر گرامیتان را صمیمانه تسلیت عرض می‌نماییم. برای آن مرحوم غفران الهی و برای بازماندگان صبر واجراز درگاه ایزد متعال خواستاریم.
مجله جوانان امروز

همکار ارجمند جناب آقای حسن سامع
پا نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامیتان را به شما تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزدمنان برای آن مرحوم علودرجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نماییم.
اداره کارپردازی مؤسسه اطلاعات

همکار گرامی جناب آقای حسن سامع
پا نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامیتان را به شما و خانواده گرامیتان تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان برای آن مرحوم علودرجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو نمندیم.
خدمات مؤسسه اطلاعات

جناب آقای دکتر مهرداد بهلولی
مصیبت وارده را تسلیت عرض می‌نمایم و خود را در غم از دست دادن آن عزیز شریک می‌دانیم.
بقای عمر جنابعالی و سایر بازماندگان را از خداوند متعال مسئلت داریم.
مدیریت و کارکنان بیمارستان جم

جناب آقای دکتر مهرداد بهلولی
پا نهایت تأثر و تأسّف مصیبت وارده را خدمت شما و خاندان محترم‌متان تسلیت عرض می‌نماییم.
گروه بیهوشی بیمارستان جم

جناب آقای دکتر مهرداد بهلولی
پا نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده از خداوند متعال شادی روح آن مرحوم و سلامتی و شکیبایی برای بازماندگان را خواستاریم.
هیئت مدیره، مدیرعامل و پزشکان بیمارستان جم

جناب آقای دکتر مهرداد بهلولی
غم از دست دادن پدر گرامیتان را خدمت جنابعالی و خانواده محترم‌متان تسلیت عرض می‌نمایم.
دکتر محسن تدین‌فر

خاندان محترم حاج محمد فرد قاسمی
پا نهایت تأسف درگذشت مرحوم حاج محمد فرد قاسمی را به خانواده محترم ایشان تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم علودرجات و برای کلیه بازماندگان صبر جمیل آرزو مندم.
اسداله عسگراولادی

همکار ارجمند جناب آقای دکتر یحیی جلیلود مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم‌متان تسلیت عرض می‌نمایم.
سیدمحمد جندقی کرمانی پور وکیل دادگستری

خانواده‌های محترم: گلپور و منسوبی
درگذشت ناگهانی مادر گرامیتان بزرگ آن خاندان محترم را تسلیت عرض نموده، ما را نیز در غم آن عزیز از دست رفته شریک بدارید.
مهندس ناصر خانبیلو کی و بانو

جناب آقای مهندس گلپور
پا نهایت تأسف درگذشت مادر گرامیتان را حضور شما و خانواده محترم‌متان تسلیت عرض نموده، برای آنمرحومه رحمت الهی و برای بازماندگان صبر و سلامتی از خداوند متعال خواستاریم.
شرکت آرمه نو

جناب آقای دکتر ظهیر میردامادی
پاکمال تأسّف و تأثر مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم‌متان تسلیت عرض نموده و از خداوندمنان برای آن مرحوم علودرجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو نمندیم.
مدیرعامل – هیئت مدیره – پزشکان و پرسنل بیمارستان لاله

همکار گرامی جناب آقای حبیب عبداللهی بدینوسیله مصیبت درگذشت دانی گرامیتان را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده برای آن شادروان علودرجات و برای شما و بازماندگان محترم صبر و شکیبایی از خداوند متعال مسئلت می‌نمائیم
همکاران شما در بخش تصحیح خبر، آگهی‌ها و اطلاعات بین‌الملل

همکار گرامی جناب آقای حبیب عبداللهی
پا نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت گفته، از خداوند متعال برای آن مرحوم علودرجات و جهت بازماندگان صبر و شکیبائی آرزو می‌کنیم.
دفتر فنی – سفارشات – کامپیوتر – تصحیح – گرافیک – طراحی – ایچ‌استر – اسکنر – عکاسی رتوش – مونتاژ – کپی افسست – افسست رتاتیو – افسست ورق – کماندر – کمپکتا – صحافی – مکانیکی – انبار فنی – برق – تاسیسات

همکار گرامی جناب آقای حبیب عبداللهی
پا نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت گفته، از خداوند متعال برای آن مرحوم علودرجات و جهت بازماندگان صبر و شکیبائی آرزو می‌کنیم.
حروفچینی کامپیوتر

همکاران گرامی آقایان حسن سامع و حسن سالخوش
پا نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامیتان را صمیمانه تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان برای آن مرحومان علودرجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نماییم.
چاپ مجله روزنامه اطلاعات

جناب آقای امیر عبدالرضایی
پاکمال تأسّف و تأثر درگذشت پدر همسر گرامیتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم علودرجات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو نمندیم.
مدیریت و کارکنان شرکت آگور

<div>سیاسکزاری</div>

پا سیاس فراوان
بدینوسیله از امرای گرامی ارتش جمهوری اسلامی ایران به ویژه ریاست محترم دفتر مشاورین مقام معظم رهبری در ارتش جمهوری اسلامی ایران، ریاست محترم سازمان نظام پزشکی و اعضاء محترم هیات رئیسه سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران و دیگر پزشکان محترم، ریاست محترم باشگاه استقلال، پرسنل محترم بیمارستان نیروی هوائی جمهوری اسلامی ایران، همکاران عزیز، در آزمایشگاه‌های بهمن، مسعود، همسایگان گرامی، دوستان و بستگانی که در مراسم تشییع با تر حیم حاجیه خانم ذرایران مومنی شرکت کرده و با یا ارسال تاج گل، درج آگهی تسلیت در روزنامه‌ها با ما همدردی نموده‌اند تشکر نموده از پروردگار یکتا برای همهٔ عزیزان طول عمر با عزت و شادکامی آرزو نمندیم.
خانواده‌های عزادار: مومنی، بختیار و سایر وابستگان

تشکر و قدردانی
بدین‌وسیله از کلیه عزیزان و شرکت‌های دارویی و آرایشی بهداشتی و انجمن داروخانه‌داران و سینماداران که با حضور خود در تشییع جنازه و مراسم ختم شادروان هوشنگ منظوری و یا اهداء تاج گل یا بازماندگان اظهار همدردی کرده‌اند تقدیر و تشکر می‌نمائیم.
از طرف: محسن منظوری، موسس داروخانه شبانه‌روزی فردوسی و خانواده‌های وابسته

۲۹۹۹۴۲۶۱ _ ۲۹۹۹۴۲۴۹ _ ۲۲۲۲۳۶۹۴ _ ۶۶۷۳۷۳۸۸ _ ۲۲۲۵۸۰۱۴-۱۹

آگهی‌های ترحیم، تسلیت، یادبود و تشکر توسط نمایندگان های روزنامه اطلاعات در سراسر کشور پذیرش می شود.

برای سفارش آگهی به نزدیک‌ترین نمایندگی اطلاعات در محل سکونت خود مراجعه فرمایید.

قبول آگهی های ترحیم-تسلیت - یادبود وتشکر



۱۸۹

فرهنگ

چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۳ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / سال هشتاد و نهم - شماره ۲۵۹۷۳



شهریار به روایت دکتر اسماعیل رفیعیان مرام و مشرب شهریار

شراب حکمت شرعی خورید از ساغر یثرب
که یک چشمان این راهند رهجویان یونانی
شهریار از نظر برخی که مدعیند رهرو راه معرفتند
اما در واقع یک چشمان این راه هستند به طور دقیق
و صحیح شناخته نشده است، یکی از آفات شناخت
جزئی نگری است که در مقابل کلی و جامع نگری قرار
گرفته است، آنان که در چاه ویل آفت جزئی نگری در
شناخت هستی و حیات اجتماعات بشری در غلغله اند
شبیه انسان هایی هستند که تنها از نعمت بینائی بایک
چشم بهره مندند؛ انسان هایی که بایک چشم رهمی سپارند
قطعا دایره و وسعت دید آنها محدود و میدان اندیشه و
گفتار و کردارشان نیز در حد دید شعاع یک چشم و
جزء نگر خواهند بود. چنین نگرشی سبب می گردد تا
یک چشمان راه رهجویان، جهان را در حد همین جهان
مادی تجزیه و تحلیل کنند و در مرحله اول وادی علم و
شناخت در مانند چرا که مراحل و مراتب علم سه گونه
است: العلم ثلاثه اشبار، من دخل فی شبر الاول فتکبر و
من دخل فی شبر الثاني فتواضع و من دخل فی شبر الثالث
قد علم لایعلم شیئا (امام علی علیه السلام) فرمود علم را
سه مرحله است هر کس وارد مرحله اول شد کبر ورزد
و هر کس وارد مرحله دوم شد تواضع گزیند و آن کس
که وارد مرحله سوم شد دریابد که هیچ نمی داند. آنان که
حیات هدفدار را با دو چشم بینا، دلی آگاه، شهودی نشأت
گرفته از خود آگاهی دیدند از مشرب حق و ساغر یثربی و
حکمت شرع محمدی و علوی نوشیدند.

برای شناخت دقیق هر شخصیت اجتماعی، هنری،
ادبی و ... او را باید در بستر و متن تاریخ اجتماعی که
در آن زیسته مورد بررسی قرار داد. دوران آغاز انکشاف
طبع بلندمرتبت شعری شهریار و اشتهاور او مقارن است
با هجوم اندیشه های غربی اعم از الحادی و یا غیر آن،
جامعه روشنفکری ایرانی در آن ایام شدیداً متأثر از چنین
هجمه ای بود و اغلب روشنفکران در اندیشه و فکر و به
تبع در آثار منظوم و منثور خود متأثر از آن اندیشه های
وارداتی بوده اند. اما شهریار جزء معدود شخصیت ها،
اندیشمندان و شاعرانی است که فرهنگ اصیل ایرانی،
اسلامی سنن و آداب آن و اصالت های فرهنگی ایرانیان
و ایرانیان آذربایجانی را دقیقاً شناخته بود و روح و جان
او با این فرهنگ عجین شده بود. در تقابل اندیشه های
سطحی که چون کف آب از هر سو سر برآورده بودند
شهریار این فرهنگ اصیل ریشه دار عمیق را بیش از پیش
باز شناخت، رسالت ادبی و طبع بلند و وجهه اعتقادی و
ایمانی و ملی خود را در خدمت به گسترش اصالت های
فرهنگی ایرانی، اسلامی و آذربایجانی قرار داد. اصالت
سیادت و سرشت پاکش به او این تشخیص را داده بود
که از مفاد آیه ۳ سوره بقره با اعتقاد راسخ و با دو چشم
بصیرت به هستی نامتناهی بنگرد: «الذین یؤمنون بالغیب
و یقیمون الصلوه و مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یَنْفِقُونَ و این را بدانند

که جهان غیب به اضعاف از جهان شهود وسیع تر و
گسترده تر است.
او بود که در مقابل اندیشه های برتری طلبانه
معدودی خودبزرگبین کوته بین و عناصر تحقیر پذیر
که مورد حمایت رژیم سرسپرده به بیگانه نیز بودند به پا
خاست و اثر جاودانی و ماندگار حیدر بابایه سلام را خلق
کرد و نه تنها از فرهنگ و زبان اصیل مادریش دفاع کرد
بلکه آن را غنای بیشتری بخشید و به تعبیر خودش:
ترکی بیر چشمه ایسه من اونی دریا ائلدیم
بو سویوخ معرکه نی محشر کبی ائلدیم
و برای جلوگیری از سوء استفاده برخی متعصبان
تندرو که به هویت ملی و ایرانیت مردمان این مرز و بوم
از جمله آذربایجان اعتقاد نداشتند چنین پاسخ داد:
این زبان ترک شیرین و زبان مادر یست
لیک اگر ایران نگوید لال بادا این زبان
و آنگاه که اصالت های مذهبی مورد بی مهری برخی
روشنفکر نمایان قرار گرفت اثر سرمدی و بی نظیر «علی
ای همای رحمت» یا «شب و علی» را خلق کرد و در
زمانی که عرصه شعر و ادب توسط مدعیان نوپردازی!!
این عرصه که سروده هاشان اهانت به شعر نو هم بود
به بهانه ایجاد سبک!! جدیدی به نام «شعر نو» که
آشفته بازاری را سبب شده بودند، شهریار با خلق آثار
گراقتداری چون «پیام انشین» و «ای وای مادرم» در قالب
شعر نو به جهان شعر و شاعری هدیه داد که پاسخی به
این متشاعران هم بود.

هنر شهریار در خلق آثار منظوم زیبایی که متضمن به
کارگیری و استفاده از صناعات شعری و ادبی در حدا اعلای
آن باشد خلاصه نمی شود، هر اثر منظوم او اعم از کهنه و
یا نو نه تنها بر انگیزنده احساس است بلکه شعور و اندیشه
را نیز برانگیخته و پیام آن حراست از اصالت ها و مرزهای
فکری، فرهنگی و اجتماعی، شرف، عزت و انسانیت این
مرز و بوم است آن زمان که مکاتب فکری الحادی و یا متأثر
از مکاتب غربی جامعه روشنفکری و دانشگاهی ایران را
فرا گرفته بود چه زیبا به زبان مادری خود پیام بازگشت به
آئین محمدی و خویشتن را سر داد:

اللهمین، شهری محمد قاپیسی شیر خدا
دشیک اختار ما اونون بیر بئله دروازه سی وار

و یا:

حیدر بابا قسره چمن جاداسی
چاو و شلارین گسلیر سسی صداسی
کربلایه گشسدن لرین قاداسی
دوشسون بو آج یولسوزلارین گوزونه
تمدونون اویدوخ یالان سوزونه

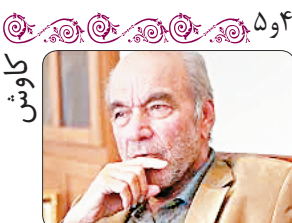
و یا:

حیدر بابا آچاقلارین کوشک اولسون
بیزدن سونرا قالانلار عشق اولسون

ادامه در صفحات ۴ و ۵



سرگذشت مرحوم لرزاده
داستان عمارت فردوسی



نوشتاری از استاد داوری اردکانی
تاریخ تجددمآبی



نوشتاری از پرفسور لویی ماسینیون
خورشید نبوغ ایرانی



سفرنامه ارنست اورسل
این ایلغار اروپایی



یک کتاب در یک مقاله
ایران از نگاه سفیر روس

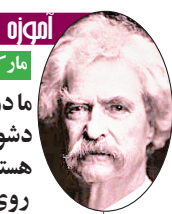


سفر ناصری تا خراسان



تغزلات جانفزا
نفت ایران؛ روایت کینزر
نخست وزیرها...

ادامه در صفحات ۴ و ۵



مارک توانین:
مادر عمر خود، نگران
دشوارها و سختی های زیادی
هستیم که بیشتر آنها هرگز
روی نمی دهند



سر سخن

گزارشی از «یورومانیاتور»

آماتورها در دل حرفه ای ها

دکتر یونس شکرخواه عضو هیئت علمی دانشکده
مطالعات جهان دانشگاه تهران، فضای ارتباطات رابه مثابه
یک ظرف زله توصیف می کند و می گوید: بر اساس
تفکر سیستمی باید در هر سیستم مولفه ها و اجزای
آن، مناسبات میان مولفه ها؛ خصایص سیستم و محیط
سیستم را شناسایی کرد. واقعیت این است که فضای
مدرن ارتباطی امروز مانند یک شبکه سیستمی است
اما محیط آن مدام در حال ارتعاش است.

شکرخواه پس از اشاره به انقلاب در کانال های
انتقال پیام، به انقلاب بزرگ در فضای تأثیرات اشاره
کرد و گفت: دوره این بحث که «ما پخش می کنیم و
شما می پذیرید» سپری شده است چرا که حالا تنها
دولتها و صاحبان رسانه ها تنها بازیگران میدان نیستند
و نهادهای مدنی و بخش خصوصی هم می توانند
وارد میدان تأثیرگذاری شوند یعنی مخاطبان از حالت
یک طرفه تصمیم پذیر بیرون آمده اند.

وی در برشمردن سه نقش پر رنگ رسانه ها
به «گزینشگری»، «برجسته سازی» و «دروازه بانی»
اشاره کرد و گفت: رسانه ها امور را در قاب می گذارند
و تحویل مخاطب می دهند. وقتی یک تصویر خیلی
جذاب را در قبال مثلاً ثروت می بینید، آن تصویر
احیاناً ادیت و اصلاح شده و بخشی از تصویر که
نمایانگر فقر است شاید کراپ شده باشد.

سر دبیر همشهری آنلاین افزود: رسانه ها علاوه
بر این گزینشگری برخی از امور را هم برجسته جلوه
می دهد؛ وقتی تیتتر یک CNN و الجزیره و ... انفجار
بمب در سوریه است یعنی می خواهند به مخاطب القا
کنند که این انفجار بزرگترین معضل هستی است و
باید به این موضوع فکر کنید.

همچنین شاید هر چه که تحت عنوان «خبر
فوری» ارائه می شود الزاماً مهم نباشد اما خبر فوری
شده است. برخی مواقع دیگر آن قدر جلو می روند
که در خبر عنوان می شود «خبر دارد تکمیل می شود»
اما کارشناسان رسانه ها که می دانند دوربین را کجا
کاشته اند و این نوعی گزارشگری گزینشی است
که می خواهد فقط بخشی از ماجرا را به مخاطب
نشان دهد.

شکرخواه در بخش دیگر سخنانش به تعریفی
چکیده از ارتباطات سیاسی می پردازد و می گوید: هر
ارتباطی اگر پیام هایش سیاسی شد و در ایجاد یقین
و اقعان اصرار داشت ارتباطات سیاسی است. پیام
سیاسی به دنبال ایجاد اعتقاد، باور و اقعان است.

عضو هیئت علمی دانشکده مطالعات جهان
دانشگاه تهران تأکید کرد: در حال حاضر در کنار
تاریخ و حضور پر قدرت حرفه ای ها در ارتباطات
سیاسی، یک کمپ پر قدرت آماتورها هم شکل گرفته
است که در قالب مخاطبان خود را نشان می دهد. این
آماتورها موضوع را از حالت عمودی به افقی و از
حالت یک سویه مبتنی بر قدرت، به حالت دو سویه
تبدیل در آورده اند.

وی افزود: بخش خصوصی در کنار بخش مدنی
و سازمانهای بین المللی به ارتباطات ورود کرده و به این
ترتیب کمپ آماتورها در دل کمپ حرفه ای هانشسته اند و
این امر به یک رژیم رفتاری در نظام بین الملل تبدیل شده
است. در حال حاضر برای تدوین قطعنامه های دو
اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی موسوم
به و سیس (WSIS) از همین رویه در نشست های
۲۰۰۳ ژنو و ۲۰۰۵ تونس که من در هر دو مورد
حضور داشته ام استفاده شده و در همین چند روز
گذشته هم که من در اجلاس و سیس ۱۰+ بودم دوباره
همین رویه حاکم بود.



نگاه



مرحوم لرزاده

هیاتی مرکب از چند نفر از وکلا، «قربان قصری» و اینجانب تشکیل و تصمیم گرفته شد که هر چه زودتر باید برای این سقف فکری کرد. بنده عرض کردم که خطر حتمی است ولی می توان بدون تخریب، از فرو ریختن آن جلوگیری نمود. به شرط آنکه اختیار داده شود. از این پیشنهاد استقبال کردند. بلافاصله دست به کار شده وسط تمامی سقف را با چوب بستم و چوبها را به یکدیگر وصل نمودم و از پشت سقف شروع به زدن خریا نمودم. خریایی که هنوز در دل سقف موجود است. مهندس «فورد» هر روز با تعجب نگاه می کرد و از اشتباه خود خجالت می کشید و گفته بود اگر «لرزاده» این سقف را بالا ببرد، من دیگر نباید در ایران بمانم. «استاد ابراهیم قاری» و همکارش «حاج قاسم باقر نژاد» به وسیله جک از داخل شیروانی، سقف فلزی را بالا کشیدند، که سقف اکنون بیست سانتیمتر بالاتر قرار گرفته است. و کلا هر روز می آمدند و منتظر بالا رفتن سقف بودند. روزی جلسه کرده و مرا احضار نمودند و گفتند شما که با زیر، کاری نداشتید چرا این همه شمع زدید؟ با مباحثات جواب دادم برای اینکه بالا رفتن سقف معلوم باشد.

شما را به خدا ملاحظه فرمایید که چه کسانی را به عنوان مهندس عالی مقام مانند «فورد» و چه افرادی را به عنوان باستان شناس به این ملت تحمیل نمودند و حقوق خود را هم ریال قبول نکرده ارز می گرفتند.

ساختمان آرامگاه فردوسی

پس از اتمام ساختمان «سالن تنفس بزرگ» و تالا «آینه» و قسمت شمالی ساختمان مطبوعه و شناسایی اینجانب توسط مباشرت مجلس شورای ملی که ریاست آن با «ارباب کیخسرو شاهرخ» نماینده اقلیت زرتشتی در مجلس بود، در سال ۱۳۱۱ مرا برای ساختمان آرامگاه فردوسی در توس استخدام و به همراه

«میرزا تقی خان درودیان» مباشر ده فیروز بهرام ارباب کیخسرو به خراسان اعزام شدم. همگی در توس ساکن شده و شروع به تخریب ساخته های «مهندس گذار فرانسوی» نمودیم. «گذار» رئیس باستان شناسی، مقبره را به شکل اهرام مصر استخوان بندی کرده مشغول نصب سنگ شده بود و پشت سنگ ها و آجرها را گچ

سرگذشت مرحوم لرزاده/چهارم و پایی

داستان عمارت فردوسی



ریخته بود که ایستایی و مقاومت مناسبی نداشت.

«ذکاءالملک فروغی» نخست وزیر و ریاست انجمن آثار ملی که مردی ادیب و تاریخ دان بود. از صورت اهرام مصر برای مقبره شاعری ایرانی به شگفت آمده، چسرا که متعلق به ما نبود و حکم به تخریب آن داده بود. روزی به اتفاق «اسدی» تولیت آستان قدس رضوی (بیرجندی بود و بعدها بر سر واقعه مسجد گوهرشاد به دستور رضا شاه مقتول گردید) و «ارباب کیخسرو» و «سرتیپ ایرج» فرمانده لشکر شرق به محل مقبره آمده و گفتند باید مقبره را به سبک ایرانی هخامنشی بسازی. ابتدا طرحی به صورت ماکت آماده

کردم و پس از تصویب، شروع به کار نمودم. اولیای امور گفتند: حجار باشی و کارخانه او در اختیار توست. «میرزا تقی خان» هم از طرف «ارباب کیخسرو» امور مالی را عهده دار بود. سنگ کاری در عرض مدت کوتاهی به بالای تابلو رسید. آن گاه در خواست نمودیم که آنچه باید روی تابلوها نوشته شود معین نموده به

همراه خوشنویس به توس اعزام کنید. پس از آن «استاد عمادالکتاب» را فرستادند که با من در یک اطاق زندگی می کرد. روزها مشغول کار و شبها را بنا به تشویق «استاد عمادالکتاب» به مشق خط پرداخته و با یاری او بهتر نوشتن را آموختم. ایشان می فرمودند: «حالا چه عیبی دارد اگر یک معمار، خوب هم بنویسد؟». به هر حال «استاد عمادالکتاب» که در آن هنگام ایام کهولت را سپری می کرد تمام خطوط و اشعار تابلوها را با خط زیبای خود نوشت و به من که در آن ایام سی ساله بودم فرمود: من نمی توانم روی داربست بروم که خطوط را بر روی سنگها انتقال دهم، به ایشان پیشنهاد کردم که عین نوشته ها را روی سنگ ها و قاب ها «گرت» کرده و سپس شروع به حکاکی کشود و شما هم از پایین با دوربین کنترل کنید، که مورد قبول ایشان واقع شد. بنابراین نوشته ها از استاد عمادالکتاب است و حجاری آن، روی کار انجام شده است. در ضمن سنگ ها به وسیله چرخ دستی سنگ کشی بالا برده شد چرا که وسایل امروزی در اختیار نبود. عباس دهشیدی و غلامعلی دهشیدی کار کوره پزی ساختمان فردوسی را به عهده داشتند. حجار توس حسین حجار باشی زنجان معروف به «حسین ترکه» بود که حجاری کاخ شهوند را هم انجام داده بود. به هر حال بنای آرامگاه فردوسی در مدت هیجده ماه به پایان رسید و برای جشن هزاره فردوسی آماده شد. اما هیچ کجا

نامی از سازندگان این بنا آورده نشد. در حالی که اگر یک عامی اروپایی مانند «فورد فرانسوی» انجام داده بود در تمام جراید و کتب تاریخی درج و با احترام از آن یاد می کردند.

در موقع افتتاح آرامگاه، «ارباب کیخسرو» که از طرف مجلس شورای ملی مأمور کار آرامگاه شده بود طی سخنانی از خدمات اینجانب در ساختمان آرامگاه تقدیر نمود. بدین گونه که در هنگام افتتاح آرامگاه در جواب سوالی که پرسیده بودند این بنا به دست معماران ایرانی ساخته شده یا معماران خارجی؟ گفته بود: «به دست یک نفر ایرانی به نام حسین لرزاده ساخته شده که از طرف مجلس شورای ملی و انجمن آثار ملی مأمور به این کار شده است.» سپس مرا احضار کردند و من با لباس کار به آنجا رفته و به سوالات آنان با یک دنیا شرمندگی پاسخ دادم. سپس مورد تشویق نخست وزیر ذکاءالملک فروغی که ریاست انجمن آثار ملی را هم به عهده داشت قرار گرفتم. بعد از چندی طی حکمی که از طرف انجمن آثار ملی با امضاء نخست وزیر صادر گشت، از خدمات اینجانب در ساختمان آرامگاه فردوسی تقدیر به عمل آمده و یک قطعه مدال فردوسی به بنده اهداء گردید. تاریخ اتمام آرامگاه فردوسی را ضمن اشعار مطولی سروده ام که ماده تاریخش از این قرار است:

به شمسی شد اتمام آرامگاه

هزار و سه صد از پی اش سیزده
یکی از برکات کار عمارت آرامگاه حکیم
فردوسی برای من این بود که بنده در این مدت دو
استاد به خود دیدم. یکی استاد عمادالکتاب و دیگری
استاد حکمت روحانی صدر اصفهانی (پدر سید
موسی صدر) که در این مدت از درس آن معظم له
نیز بهره می بردم.

در زمان پهلوی دوم به وسیله مهندس جودت پیمانکار، زیر ایوانهای آرامگاه را خالی نموده و موزه کردند. در ضمن چهار کاسه روی سنگ قبر را هم که به دلیل تشیع شاعر و با یاداران اربعه شیعه ساخته بودم. نمی دانم که در چه زمانی برداشتند.

پایان

به حضور همایون مشرف شده مشغول به نوشتن روزنامه شدم. به فاصله دو ساعت در رکاب مبارک سوار شده یک فرسخ راه طی کردیم به کمری رسیدیم. از وسط آن، کمر سواد چادرهای اردو نمایان شد. به گمان آنکه زیاده از نیم فرسخ نیست، دو فرسخ و نیم راه طی شد تا به اردو رسیدیم.

افتادن میرزا احمد صندوقدار از اسب

اول صبح، قبل از آنکه سوار شویم، میرزا احمد صندوقدار که اسب هادیخانی را همه روز سوار می شود، امروز هم سوار شده از میان چمن می گذشته بود. دست اسب در رفته، میرزا احمد به زمین خورده، پای او زیر تنه اسب رفته، ماهیچه پا را رکاب گرفته آن را مبلغی بریده، از قوز پا تا سرپنجه ها زیر شکم اسب رفته، استخوان های ریزه آن به طور سخت جا به جا شده است. در سواری عقب سر مبارک بودم خبر آوردند حکیم بکمز را فرستادیم او را دید معالجه فوری [نتوانسته بود بکند]. بالاخره او را به هزار زحمت و مشقت به فولاد محله آوردند. دو ساعت از شب گذشته آقا میرزا زین العابدین حکیم باشی آمده او را دیدند دستورالعمل دادند. از قراری که معلوم می شود و آقا میرزا زین العابدین گفته مشکل است تابیست روز جاق بشود.

فولاد محله

فولاد محله قریه بسیار بزرگی است. خانه های او را بر کُتل مخروطی بسیار بزرگی ساخته اند. تخمیناً هزار خانه بر روی آن کتل، بر کله یکدیگر ساخته اند. خانه های کوچک بسیار قشنگ خوب، جلو هر خانه طارمی و ستون های چوبی پاکیزه دارد. دوره آن خانه ها تماماً باغات و اشجار که در حقیقت حصاربندی است از اشجار برای آن خانه ها. خیلی تعریف و محسنات دارد. این طور خانه ها تا به حال دیده نشده است. در حقیقت فولاد محله است. باغات و اشجار زیاد دارد. هنگام تشریف فرمایی بندگان اقدس به فولاد محله امر و مقرر فرمودند من بمانم. از جمعیت آنجا و حمام و اینکه بعضی خانه ها سفیدکاری [شده] و غیره را جو یا شده، به عرض خاکبای مبارک برسانم. در آنجا مانده فرمایشات ملوکانه را صورت انجام داده مراجعت به اردو به سرایرده مشرف شده مراتب را به خاکبای همایون معروض داشتم. مراجعت به منزل نموده، جمعی از تفنگداران مصطفی قلی خان و غیره آمدند. طبّاخ عصرانه، از قبیل خیار و انگور و بادام و غیره آورد، با حاضرین صرف شد.

چادر میرزا عبدالله خان پیشخدمت نزدیک است. به اتفاق حسین خان

چون [در] منزل روز گذشته، صدمه زیاد به واسطه گذارها و سختی راه به اهل اردو و تمام ملترزمین رکاب خورده، به ملاحظه آنکه راه فردا هم سخت باشد، قبل از شام، با آنکه پیش خانه جلو رفته است، گفتم تمام چادرها را بکنند و دو ساعتی شب بعد از صرف شام بروند. کاغذی که کشیک چی باشی برای بلیط نوشتم که من و امین لشکر می خواهیم چادر و دستگاره اردو ساعتی روانه نمایم، بلیط لازم است بدهید. جواب نوشتند، حسب الامر تا ساعت پنج کسی مانع نیست. بُنه هرکس می خواهد برود.

اگر بعد از ساعت، خواستید بُنه را حرکت بدهید، بلیط بدهیم بیایند. لازم به بلیط ندانسته گفتم ساعت سه بُنه را حرکت بدهند. خود و آقامیرزا ابوالفضل و سر رشته دار و میرزا ابوالحسن خان به چادر حسین خان پیشخدمت رفته شام را [از] آنجا آوردند. آقای میرزا مهدی خان و آقا میرزا احمد آمدند، شام خوردیم بعد از صرف قلیان خوابیدیم.

سه شنبه ۲۰ - حرکت موکب همایون به منزل فولاد محله. صبح از خواب برخاسته، نماز خوانده، یک فنجان چای خورده آقا میرزا ابوالفضل و سر رشته دار از امروز جلو روانه نمودم. خود و مهدی خان و حسین خان ماندیم که در رکاب مبارک سوار شویم.

یک ساعت به دسته مانده بندگان اقدس بیرون تشریف آوردند، سوار شدند. همه جا ملزم رکاب مبارک بودم تا سر نهار خوری. امروز تمام راه در میان مرغزار و چمن است که از اول سفر تا به حال دیده نشده است. دو فرسخ و نیم آمدیم یک فرسخ آن گذار و ماهور و رودخانه است. درخت های جنگلی زیاد دارد.

بعد از صرف نهار خوابیدند. من هم در آفتاب گردان خود نهار خورده جمعی از عملة خلوت و تفنگداران بودند، خوابیدیم. بعد از خواب برخاسته

آقای میرزا احمد
در وقت رسیدن به اردو



پیشخدمت و آقا میرزا ابوالفضل و سر رشته دار و میرزا ابوالحسن خان و میرزا حسین نباتی به چادر میرزا عبدالله خان رفتیم. ابوالحسن خان پیشخدمت و پسر حاجی خازن الملک و غیره هم آمدند. دو قلیان در آنجا صرف شد. قدری پرتقال صرف شد. قهوه و قلیان آوردند. ملا محمدحسین به عرشه صندلی رفت، روضه خواند. حالت بکائی دست داد. دایره که به اسم عملة خلوت و اهالی درب حر مخانه مبارک که نوشته بود بیرون آورد. چند نفر در زیر اسم خودشان وجه معینی که داده نوشته بودند، من و میرزا عبدالله خان هم نوشتیم. یک ساعت از مغرب گذشته برخاسته به منزل آمده نماز خواندیم مشغول صحبت شدیم، تا سه ساعت از شب گذشته، میرزا زین العابدین حکیم باشی از چادر کشیکچی باشی برای دیدن میرزا احمد آمدند، شام خوردیم.

دربانی دختر سیاه چادر از آقا میرزا ابوالفضل شاعر

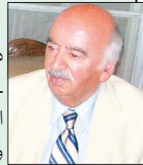
امروز آقامیرزا ابوالفضل و سر رشته دار که جلو آمده بودند برای نهار به یکی از سیاه چادرها رفته بودند. در میان یکی از سیاه چادرها، دختری به سن سیزده الی چهارده سال دیده بودند. از قراری که به تحقیق پیوست، گویادر فرنگستان هم مثل و مانند نداشته است. تا حالا که نیم ساعتی شب و هنگام خواب است، جناب آقا مدهوش و پریشان خاطر افتاده مترنم به بیانات و تغزلات جانفزا هستند. از جمله اطواری که آن دختر داشته، از سوراخ سیاه چادر، به اندازه اینکه سر و صورت بیرون بیاید، خود را می نموده. هر گاه کسی می آمده خود را در حجاب ظلمانی، چون آفتاب نورانی متواری می داشته. آقا میرزا ابوالفضل می گوید: به تاریکی نهان آب حیات است. آستین خود را گاهگاهی در همان حال حجاب روی چون ماه می کرده به مناسبت ایشان می گوید:

دانمت آستین چرا پیش جمال می بری

رسم بود کز آدمی، روی نهان کند پری
امروز زن ابراهیم خان حاکم دودانگه، چون ابراهیم خان فوت شده چند روز است به فولاد محله آمد. جمعی سوار که تقریباً سی چهل نفر می شدند به همراه دارد. ابراهیم خان سرتیپ فوج محال دو دانگه و آنچه می گویند قریب سیصد هزار تومان دولت داشت. یک پسر به سن یک سال و نیم از این زن دارد، این زن آمده است به خاکبای مبارک مستدعی است که حکومت و سرتیپی فوج را برای پسر خود بگیرد. وعده مرحمتی در او شده است.



این ایلغار اروپایی



ارنست اورسل

بازار به کلی نوسازی شده و در آن کاروانسرای - حاجب‌الدوله - که زیباتر از کاروانسراهای اصفهان است - همچنین مغازه‌ها و حجره‌های زیبای سبزه‌میدان احداث گردیده است. سنگ‌فرش میدان‌ها و خیابان‌ها که سابقاً اگر کالسکه یا درشکه‌ای از روی آنها می‌گذشت، به علت گل و لای یا گرد و غبار دیگر برای مدتی عبور از آن محل ناممکن می‌شد، خطوط تلگراف که تهران را به شهرهای عمده کشور و اروپا وصل می‌کند، دفاتر پست که در اغلب نقاط پر رفت و آمد شهر تأسیس شده است، راه افتادن چراغ گاز که به زودی جای خود را به چراغ برق می‌دهد... همه در دوران شاه کنونی تحقق یافته است.

چند سال طول نمی‌کشد که خطوط راه‌آهن شهرهای رشت، اصفهان و بندربوشهر را به هم پیوند می‌دهد، آن وقت فاصله پایتخت ایران و پاریس فقط مدت ده روز خواهد بود. آقایان کوک بلیط رفت و برگشت را با در نظر گرفتن جا در هتل در اختیار آنها می‌دهد که می‌خواهند سیر و سیاحت حسابی در ایران بکنند، خواهند گذاشت، ماجراجویان، سرمایه‌داران، نفع‌طلبان از سرتاسر اطراف و اکناف عالم برای بهره‌برداری از خاک بکر و دست‌نخورده این سرزمین ثروتمند چون مور و ملخ به این کشور سرازیر خواهند شد. نتایج وحشتناک و نفرت‌انگیز این ایلغار اروپایی چه خواهد بود؟

جامه‌های رنگارنگ، شوارهای گشاد، کلاه‌های پوستین با ابهت، جای خود را به رنگت تنگ و چسبان، شلوارهای انگلیسی، کلاه‌های کوچک خواهند بخشید. لوکوموتیوها، آهوها و چادر نشینان را از دشت‌های فراری خواهند داد. دود کارخانه‌ها، گنبدی‌های طلایی مساجد را سیاه و کثیف خواهند کرد... و در نهایت تمدن ما برای یکی از کم‌ظریف‌ترین کشورهای جهان - که هنوز خود را با مظاهر دروغین آن آلوده نکرده است - علی‌رغم بعضی از محاسن انکارناپذیر خود یکنواختی ملال‌انگیز و ابتذال واقعی به ارمغان خواهد آورد.

خیابان شمیران نیز به میدان توپخانه منتهی می‌شود و روبه‌روی آن خیابانی است به نام خیابان مریضخانه که یک راست به دروازه قزوین می‌رود. اروپاییان خیابان شمیران را کوی گاز نیز می‌نامیدند، زیرا در این خیابان بود که کارخانه آقای بوتال با سر در بدقواره‌اش درست روبه‌روی در بزرگ بیضی شکلی که تصویر رستم را در حال غلبه بر دیو سفید رسم کرده بودند قرار داشت. این صحنه از داستان‌های شاهنامه نشان مخصوص سر در اغلب حمام‌های ایران است که ورود به آنها برای مسیحیان ممنوع است. بعضی از کارگران حمام، در انتظار مشتری، در حالی که تا کمر لخت و عریان هستند زیر جلو خان حمام با کشتی خود را سرگرم و بد نشان را گرم می‌کنند. بعضی دیگر در آستانه قهوه‌خانه‌ای که به طور عجیب طبق ذوق متداول این مملکت نقاشی شده، می‌نشینند و چای می‌خورند. این قهوه‌خانه‌ها در واقع پدیده جدیدی است. سابقاً حکومت اجازه تأسیس چنین جاهایی را نمی‌داد ولی شاه بعد از مراجعت از اروپا دستور داد چند تا قهوه‌خانه دایر شود. حتی اخیراً رستوران بزرگی تأسیس شده که به وسیله یکی از شاهزادگان طراز اول رسماً افتتاح گردید. اما علی‌رغم حمایت مقامات عالی، کار نکرد و ورشکسته شد. اکنون از این نوع رستوران‌ها فقط یکی به نام حوضخانه در خیابان دولت باقی مانده است که پاتوق افسران و اربنیان خوش‌گذران است، ولی اروپاییان متشخص رفت و آمد به آنجا را دون شأن خود می‌دانند.

منبع: ایران امروز

یافت. اگر این معتز نگویند بخت تنها یک روز خلیفه ماند (۲۹۶ هجری قمری ۹۰۸ میلادی) دلیلش آن است که او در نهضتی ضد شیعی دست داشت و چون شیعیان بغداد همگی ایرانی‌الاصل و تحت فرمان خانواده پرنفوذ نوبخت بودند، این خاندان طی تحریم اقتصادی مالی، کل سیستم بانکی را از کار انداخت تا خلیفه نگویند بخت از پرداخت موجب به قشون عاجز بماند و لاجرم قدرت را ترک گوید و سرانجام دو روز بعد هم کشته شود. در این زمان تشکیلات عجیبی به وجود آمد که ساختار آن دقیقاً براساس حسن رابطه و اعتماد دیرپایی تنظیم شده بود که پیش‌تر بین سلسله ساسانی و مهاجرنشین‌های یهودی وجود داشت و در آن زمان به تأسیس بانک‌ها انجامید.

درباره پیدایش تاریخ دستور زبان عربی هم

نوشته‌ای از پرفسور لویی مالسیونی

خورشید نبوغ ایرانی



می‌توان به مطالبی چند اشاره کرد. مکتب نحوی کوفه که در سرزمینی به وجود آمد که اساساً شیعه مذهب و مملو از ایرانیان مهاجر بود، از سنت یونانی دستور زبان پرگامون تبعیت می‌کرد. پرگامون در گذشته تحت نفوذ ایران بود؛ در واقع مکتب اسکندریه تحت تأثیر مشائیون، و مکتب پرگامون تحت تأثیر رواقیان بود. براساس این شواهد می‌توان دریافت که چگونه برخی از مکاتب یونانی آسیا، از ذهنیت ایرانی تأثیر پذیرفته بودند.

سفیر ایران از سلمان فارسی صحبت کردند و سخنان ایشان را عمیقاً تحت تأثیر قرار داد. من بارها به زیارت مقبره این بزرگوار رفته‌ام که در نزدیکی بغداد است. عمیقاً اعتقاد دارم که این مرد یک شخصیت بزرگ تاریخی است. در سال ۱۹۳۳ جزوه کوچکی نوشتم و در آن نشان دادم که سلمان نمایانگر «نخستین ثمرات معنوی اسلام ایرانی» است. در اینجا با یک نماد مواجه می‌شویم: رسول اگر در مدینه در صدد تشکیل یک دولت اسلامی بود که ناگاه مردی از ایران به نام سلمان فارسی نزد ایشان آمد. برخی براین باورند که سلمان از اهالی فارس بود و برخی دیگر می‌گویند از حوالی اصفهان می‌آمد، این موضوع محل بحث است چون بیشتر اعضای خانواده برادر او در نزدیکی کازرون زندگی می‌کردند. به نظر بنده، او احتمالاً از منطقه فارس آمده است. به حال این مرد که از وفادارترین مریدان حضرت پیغمبر بود، اولین ایرانی‌ای است که اسلام آورد. پیش از وی، عمدتاً اعراب گرد پیغمبر جمع می‌شدند، ولی سلمان تفکر مهمان‌نوازه خاصی را با خود به همراه آورد، و گواهی بود بر رسالت پیغمبر. برای او پیغمبر نماینده جدید و اصیل وحی به‌شمار می‌رفت. و

سلمان به این وحی گروید - و اسلام می‌خواست که این چنین به صورت وحی شناخته شود. مبحث وحی پیش‌تر در ایران شناخته شده بود و برخی براین باورند که سلمان از محیطی مسیحی می‌آمد. خواه صحبت از اسلام باشد خواه از زبان عربی، پاک‌ترین مدافعان و ملازمان این دین، همواره طی قرون خارجیان یا «میهمانان» بوده‌اند. کل مبحث رسالت اسلامی موالی و ابدال سلمان از سرچشمه می‌گیرد.

به حال سلمان نزد پیغمبر نماینده تمدنی کهن است که آمده تا یاری‌اش دهد، نه آنکه به او خیانت کند. مثالی بسیار ساده در باب یاری سلمان، پیشنهاد جنگ خندق است. پیغمبر اسلام گرچه شگردهای نظامی در صحرا و کویر را به خوبی می‌شناخت، با حمله سواره نظام آشنا نبود، چون با افراد اندکش در مدینه نمی‌توانست در برابر آنان مقاومت کند، پس سلمان حفر خندق را به ایشان آموخت. این اولین سازوکاری بود که ایران به اسلام نوظهور می‌آموخت، البته سازوکارهای بعدی یکی پس از دیگری از راه رسیدند... ایرانیان به اسلام راه و رسم تقویم هرمان را آموختند و به یاری ایرانیان بود که تطابق تقویم‌های نجومی در دربار خلفای اسلامی متداول شد.

ولی سلمان بیش از اینها بود. سلمان در کشورهای اسلامی بنیان‌گذار اصناف، فنون و صناعات است. او یک ایرانی است که برای مسلمانانی که از ایران هیچ نمی‌دانند، بنیان‌گذار و آغازگر و رهنمای اخلاق اصناف شناخته می‌شود، اخلاقی که به موجب آن در حیات شهری چه نفس کار، شانی خاص تعلق می‌گیرد.

چنانکه از افسانه سلمان برمی‌آید ظاهر اصنافی از ایرانیان به اسلام گرویده به اولین شهرهای بزرگ اسلامی عرب منتقل شده و خود را با اوضاع جدید تطبیق داده بودند؛ شهرهایی که توسط فاتحان، در بین‌النهرین احداث شده بود. آنچه موضوع را خیلی جالب توجه می‌کند آن است که کشوری که عمیقاً عرب بود، سازوکارهای ایرانی را پذیرفت و در جهش تفکر ایرانی درباره عدالت با هیجان بسیار اقبال نشان داد. مسئله تشیع هم با همین موضوع ارتباط دارد یعنی مسئله زیارت کربلا و نجف.

سلمان پاک طبیعتاً در سنت اسلامی نمونه‌ای یار وفادار پیغمبر اکرم است، که پس از مرگ پیامبر دوست ممتاز اهل بیست پیغمبر ماند، یعنی دوست فاطمه (س) و علی (ع)، و حسن (ع) و حسین (ع). مهمان معنوی، همو که اسماعیلیان به مرتبه فرشته ارتقا می‌دهند، و درویشان به مقام الهی. سلمان در منطقه‌ای کاملاً کویری نزدیک رود دجله، که پیش‌تر مدائن و تیسفون بزرگ بود، به خاک سپرده شد، آنجا که صلیب واقعی نگهداری می‌شد، شهری بزرگ هم تراز قسطنطنیه. اگر اسلام فرهنگ یونانی را جذب کرده بود، در آن صورت فتح بیزانس همان اهمیتی را برایش می‌داشت که فتح تیسفون، ولی سقوط بیزانس هشت قرن به طول انجامید در حالی که مدائن تنها پس از هفده سال فتح گردید. به این ترتیب اسلام نوپا وارث بزرگ‌ترین پایتخت ایران شد.

حالا می‌فهمیم که چگونه کلیه فنی‌های متفکران ایرانی ابداع کرده بودند در اسلام بسط یافت و حتی کاتالونیا، کلیسای سبک رومانسک، توسط صنعتگران ایرانی ساخته شد.

گهگاه گفته‌اند که خورشید نبوغ ایرانی تا زمان غزالی و کتاب کیمیای سعادت وی در حالت کسوف بود؛ ولی این گفته حقیقت ندارد و من می‌خواهم پس از یادآوری نقش سلمان، به فرد دیگری اشاره کنم که برایم بسیار مهم است، این شخصیت کسی نیست جز بایزید بسطامی. بایزید فردی است که نام خود را از طریق یک قدیس بکتاشی به سلاطین ترک داده است، مثل بایزید ایلدروم، و بایزید دوم.

۴ فرهنگ

چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۳ / **سال هشتادونهم- شماره ۲۵۹۷۳**

ویژه فرهنگ‌تاریخ و تمدن ایران و جهان/۱۸۹ **اخبارات**

نفت ایران؛ روایت کینزر نخست وزیرها...

پیروزی نشانهٔ ایجاد تحولی نوین در سیاست ایران بود: پیدایش یک گروه متسجم و سازمان یافتهٔ اپوزیسیون با عواطف شدید ملی گرایانه و متکی به حمایت گستردهٔ مردم. ظهور این پدیده مانع بزرگی را در مسیر دستیابی شاه به هدف اولیهٔ خود یعنی تصویب لایحهٔ الحاقی و اهداف بلندمدت وی یعنی احیای قدرت سلطنت ایجاد می کرد. دو دیدگاه مخالف دربارهٔ آیندهٔ ایران اینک با شدنی بیش از گذشته در مقابل یکدیگر قرار گرفته بود. شاه نخست‌وزیران ضعیف را می‌پسندید چون می توانست آن‌ها را مطیع ارادهٔ خود نماید، اما در اوایل سال ۱۹۵۰ (زمستان ۱۳۲۸)، هم او و هم انگلیسی‌ها نیاز به فردی قوی داشتند که بتواند مجلس را مجبور به تصویب لایحهٔ الحاقی نماید. انتخاب اول وی، محمد ساعد اصلاً رغبتی به حمایت از لایحه نداشت و حتی حاضر نشد آن را به صورت یک لایحه برای رأی گیری به مجلس بفرستد.

شاه پس از دو ماه وی را برکنار و فرد دیگری را که طرفداری بیشتری از بریتانیا داشت، یعنی علی منصور، را به جانشینی ساعد برگزید، اما منصور نیز رغبتی به حمایت از لایحه نشان نداد. حوصلهٔ انگلیسی‌ها سر رفت. در ماه آوریل آن‌ها (sir francis جدیدی را به نام سر فرانسیس شیرد shepherd) به تهران فرستاد که تجربهٔ کاری وی بیشتر مربوط به کشورهای دارای حکومت مستبد با کشور های تحت نفوذ بیگانگان می شد؛ کشورهایی همچون لاسالو ادور، هائیتی، پرو، کنگوی بلژیک، هند شرقی و هلند. او در یکی از اولین تلگراف‌های خود به وزارت خارجهٔ بریتانیا چنین گزارش داد که «اگر چه شاه به منصور دستور داده که هر چه سریع تر لایحهٔ الحاقی نفت را به تصویب مجلس برساند، منصور تمایل چندانی به اطاعت از فرمان ارباب خویش ندارد.»

طولی نکشید که وزارت خارجهٔ بریتانیا و شرکت نفت انگلیس و ایران هر دو دریافتند که منصور فرد مورد نظر آن‌ها نیست. فرد مورد نظر آن‌ها برخلاف سنت مرسوم ایران، یک غیر نظامی نبود بلکه آن‌ها ژنرال رزم آرا را مدنظر داشتند که از امین ترین افسران ژنرال شوارتسکف به شمار می رفت و در آن زمان به مقام فرماندهی ستاد مشترک رسیده بود به اعتقاد انگلیسی ها فقط فردی بسا ارادهٔ آهنین رزم آرا از قدرت کافی برای مقابله با مصدق و جبههٔ ملی برخوردار بود.

در ۲۰ ژوئن (۳۰ خرداد ۱۳۲۹) مجلس کمیته‌ای با هیجده عضو را مأمور بررسی لایحهٔ الحاقی نمود. انگلیسی ها این عمل مجلس را نوعی مخالفت قلمداد کردند و به شاه توصیه نمودند که برای مقابله، نخست‌وزیر منصور را برکنار و ژنرال رزم آرا را به عنوان جانشین وی معرفی نماید. شاه چاره‌ای جز اطاعت نداشت.

جبه ضعیف و لیخند ملیح رزم آرا، انرژی، هو و جاه‌طلبی پایان‌ناپذیری را پنهان می نمود. او یک سرباز حرفه‌ای در سن چهل و هفت سالگی بود و به بیرحمی و خونسردی شهرت داشت. او نیز همانند اکثر نظامیان ایرانی از فرصت‌های فسادآمیز برای پیشرفت استفاده کرده بود اما در عین حال استعدادهای وی را نمی‌شد انکار کرد. قهرمان ارضا شاه بود و همچون رزاشاه اعتقاد داشت که تنها راه کسب بزرگی برای ایران، حکومت خشونت‌آمیز و سخت گیرانهٔ یک دیکتاتور است بااین حال، رزم آرا برخلاف رضانخان یک فرد با معلومات و جهاندیده بود که در آکادمی نظامی فرانسه تحصیل نموده و کلاً واقف بود که راضی نگذاشتن قدرت‌های بیگانه تا چه اندازه برای ایرانی ها سودمند است.

کچمیشاردن گلنره مشق اولسون

اولادیمیز مهبینبی دانسماسین
هر ایچی بوش سوزلره آلاماسین
آری شهریار ملک شعر و ادب در واقع برترین نماد و چکاد فرهنگ اصیل و ریشه دار ایرانی در عرصه شعر و ادب معاصر این مرز و بوم خدائی است که در مقابل هجوم فرهنگ بیگانه و خود باختگان به بیگانه ایستاد و هویت راستین مردم ایران زمین را در حصن حصین قرار داد.
باری چو فسانه می شوی ای بخرد
افسانه نیشک شو نه افسانه بد
و شهریار سرآمد نیکان عرصه شعر و ادبی معاصر شد و به حق، خود نیز به قدر و منزلتش واقف بود:
رُخسَم... افسرا عرف قدره.
درباره شعر خود این گونه سروده است:

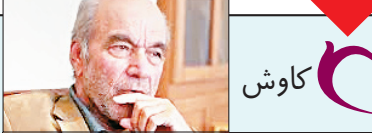
ما شهریار کشور عشقیم هوش دار

نتوان شکست کوبه‌ی شهریار را

شهریار مبلغ هنر راستین

افراد فهم و بار یک اندیش، همیشه وسیله و ملاک شناخت انسان‌ها را صفات پسندیده و خصلت‌های ستوده آنان قرار می دهند و این صفات جمیع مکارم اخلاقی و فضایل انسانی است پروردگار عالم هم می فرماید:
اَنزَکُم عندا... اتَّقِیْکُم که برجسته‌های آن صفات ایمان و اعتقاد، مردی، مردانگی و جوانمردی که خواجه محمد پارمسا در کتاب معروف خود، «فصل الخطاب، بوصل الاحیاب» چنین تعریف کرده است:
اَلْفَتْوَةُ اَشْمُ لِمَقَامِ الْقَلْبِ الصَّافِی عَن صِفَاتِ النَّفْسِ وَ ذَالِک الصِّغَاوُ هُوَ زَیَادَةُ الْهَدٰی بعد الایمان.
در فتوت نامه‌ها کلیات را بدین گونه آورده‌اند که پس از کسب دانش باید به صفاتی خو گرفت که آنها را ۷۲ دانسته‌اند بدینگونه:
راستی، آزادی از بند نفس، پاک داشتن چشم و دامن، وفا، بخشودن بر دوست و دشمن، خواستن برای دیگری آنچه برای خود می‌خواهد، زبان را به بد گفتن نیاموختن، بر آوردن مراد حتی نامسران را، کردن کاری را نگفتن و کردن آنچه‌از دست برآید، رضا دادن در خشم، خویشان بین نبود، بر داری، نان دادن، زبان و دل یکی داشتن، از بر داری دم نزدن، راه پارسانی ورزیدن، تزویر نکردن، درون از کین پاک داشتن، دماغ از کبر خالی داشتن، تواضع کردن، از تکبر دور بودن، سخن نرم و لطیف و تازه، به اندازه گفتن، حسد نوزیدن، ریاضت کشیدن، به چشم شهوت

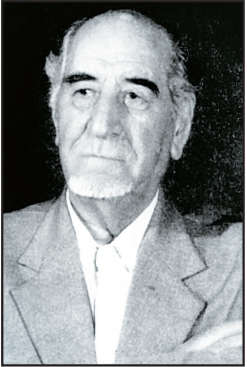
بر دوست ننگریستن، کج بین نبودن، خودکام نبودن، با اهل زمانه سروّت کردن، داد خلق دادن، بر خود مغرور نبودن، ادب نگاه داشتن، خدمت خلق کردن، گرد عصیان نگشتن، هوای نفس خود را شکستن، همه کس را چون فرزند ترتیب کردن، به طاعت کو شسیدن، دیندار بودن، خدای را پرستیدن و پیرو فرمان او بودن، صبور ی پیشه کردن، شکر خدا کردن، در محنت صبر کردن، دل‌ها را به احسان و کرم به دست آوردن، در راه احسان چلاکی بودن، چون شمع در میان جمع سوختن، گفتار را با کردار راست داشتن، عُمّازی نکردن، از نفاق و ترس، حسد، کین، دروغ زنی سر همیز کردن، نگاه نکرد بر نامحرم، عیب جوئی و بخل نوزیدن، از بهتان و دزدی



کاوش

نوشتار یاز استاد دکتر رضا داوری اردکانی-۱۲ تاریخ تجددهمایی

روشنفکران اخیراً کم و بیش به امر تجدد و توسعه رو کرده‌اند هنوز به طرح‌های تغییر در وضع سنت و تجدد و رفع تعارض میان این دو فرهنگ‌سازی و ... نپرداخته‌اند. غافل از اینکه این اندیشه‌هایی تواند پوششی باشد تا تهی بودن تاریخ تجددهمایی و توسعه‌نیافتگی را از چشم‌ها پنهان سازد. در تاریخ توسعه مسلمان سیاست دخالت و تأثیر اساسی دارد اما با تأدبیر معمولی سیاسی از عهده حل مشکلات تاریخ بر نمی‌توان آمد. بخصوص که جای اینکه در جستجوی راه خروج از وضع توسعه‌نیافتگی



و حرام خواری، اجتناب‌ورزیدن، الخ. اینجانب بر این باورم، به خصوص در بزرگداشت مقابله هجوم فرهنگ بیگانه و خود باختگان به بیگانه ایستاد و هویت راستین مردم ایران زمین را در حصن حصین قرار داد.

زمان مقدّر و در یک مکان معلوم زاده شده و هر کدام به نحوی عمر خود را سپری کرده فو قش به کارهای نگویده دست نیازیده و این وظیفه هر آفریده‌ایست و تجلیل و گرامیداشت هم ندارد.

آنچه موجب تکریم و تعظیم از مقام فردی از بزرگان و هنرمندان است به علت اُتصاف به صفات خداوندی است و مراتب ترقّی و تعالی و تکامل را پیموده و تا مرز خداینگونی ارتقا یافتن است و این تجلیل و تکریم برای دیگران هم هست تا آنها نیز همانند کسی که تعظیمش و تکریمش نموده‌اند باشند.

همه سروده‌ها و اشعار شهریار به جز معدودی که آن هم به حساب نمی آید و مرسوم به دوره جوانیش می‌باشد که به اقتضای سنین جوانی سروده شده است بسوی خدائی می دهد؛ یعنی برای جلب رضای خدا سروده شده است.

یکی از سُنن سَنّیه ملت‌های با فرهنگ تعریظ و قدردانی و اگر اقتضا بکند تجلیل و بزرگداشت از چهره‌های ماندگار است در کنگره‌های بزرگ از انسان‌های والا به خصوص هنرمدان به ویژه شعرا و سرایندگان که کارهای بزرگ و هنرهای حیرت انگیز آفریده‌اند مراسمی به منظور بازنگری کارهای برجسته آنان برگزار و نیز برای تشویق دیگران کارهای هنری آنان را می ستایند و چون مطالب برای تجلیل از شهریار کشور عشق تحریر می‌شود که کو به طبع وقادش آفاق را در نور دیده است و انتسابش به پیامبر اعظم (سیدمحمدحسین بهجت تبریزی) در سال حضرتش خیلی به جااست که به مناسبت یکصدمین سال تولدش برگزار شده است.

لذا ما نیز برای آشنائی بیشتر با زوایای ذهنی شهریار ملک سخن که در حال حیاتش آوازه شهرتش جهانی شده است به تعریف هنر به خصوص هنر شعر و شاعری و رسالت هنرمند مروری داشته باشیم تا علت اشتهازش هم روشن شود ابتدا تعاریف راجع به هنر را مرور می‌کنیم و سعی خواهیم کرد تعریف درستی از هنر به دست دهیم.

به طوری که صدای برخورد سسم اسبش به زمین و بانگ طبل و دهل و فر و شکوه دسته‌ای از سواران شعر و شاعری که همراه کو کبه او هستند و طبع وقاد و سروده‌های شعری او را نه هر کدام یک بار بلکه بارها ستوده‌اند شاهد باشیم.

کرده است.

۱۵-تلقای شایع این است که قدرت، قدرت حکومت است و در دست سیاستمداران و حکومت‌ها قرار دارد و آنها اگر بخواهند می‌توانند همه مسائل جامعه و مردم را حل کنند. اکنون با تمایب یافتن تجدد مسئله قدرت در جهان توسعه یافته به صورت دیگری مطرح شده و حتی در بیرون از فلسفه و مثلا در قلمرو سیاست و تدبیر، این توهم که هر کاری از عهده حکومت‌ها برمی آید دیگر قوتی ندارد. در مقابل در جهان توسعه نیافته که هرگز حکومت‌ها یش قدرت برقرار کردن نظم عقلی و ایجاد نظام هماهنگ در کشور نداشته‌اند هنوز این وهم غلبه دارد که دولت یا حکومت می‌تواند و باید همه مسائل کشور و ملت را حل کند. البته حکومتی که صاحب تدبیر و دارای برنامه باشد بسیار کارها می‌تواند بکند، اما حکومت‌های جهان توسعه نیافته معمولاً کارها را سهل می‌انگرفتند. در این کشورها زمانه‌ده روشنفکری کم به جای اینکه در جستجوی راه خروج از وضع توسعه‌نیافتگی

مفاهیم عالی انسانی در شعر شهریار

شهریار یکی از شاعران بزرگ تاریخ بشریت است، در تمامی اشعار او مفاهیم عالی انسانی موج می زند و به همین دلیل است که در کشورهای دیگر؛ اشعار شهریار را با اشتیاق زایدالوصف می‌خوانند، پرفسور معارف حاجی اووا استاد دانشگاه جمهوری آن سوی رود ارس می‌گوید: «همین دو نمونه شعر کافی است که قدرت شهریار را من جمیع جهات بخصوص مضامین مربوط به فضایل انسانی؛ در گستره میدان صُور خیال شگفت زده کند.»

شهریار به روایت دکتر اسماعیل رفیعیان

مرام و مشرب شهریار



شهریار ما فی الضمیر خود را این چنین بیان می‌کند:

به عالمی که در او دشمنی به جان بخردن عجب مدار اگر عاشقی گناه من است

گوش زمین به گفته من سخت آشناست

من طایر شکسته پسر آسمانیم

و

به مرگ زنده شدن هم حکایتی است عجیب

اگر غلط نکنم خود به جوادان مانم

در آشیانه طوبی نمانمدم از سر ناز

نه خاکیم که به زنندان خاکدان مانم

ز جویبار محبت چشیدم آب حیات که چون همیشه بهار ایمن از خزان مانم

خواننده عزیز یقین دارم با خواندن دو عنوان شعر: پیام به انشتین و ای وای مادرم به عظمت پایه و مایه شعری شهریار و اوج فکری این شاعر بزرگ پی ببریم و

باشند در روای لیبرال دموکراسی و سوسیالیسم و... است. او هنوز نمی‌خواهد بداند جهان غربی و حتی دموکراسی و سوسیالیسمش یا اندیشیدن به شرایط امکان چیزها قوام یافته است.
با تعیین حدود این امکان‌هاست که نظم ممکن می‌شود. اما وقتی این حدود معین نباشد همه چیز در عرض هم و به یک اندازه ممکن می‌نماید و همه کس و به طریق اولی دولت و حکومت خود را قادر به ادای هر کاری می‌داند. این است که تمناهای محال در جهان توسعه نیافته نه یک امر نادر و اتفاقی بلکه وضع شایع و غالب است. چنانکه اشاره شد اگر حکومت نمی‌تواند دم از نانوائی و یاس بزند و مردم را نوید و دل‌آزده کند و روشنفکران چنین محظورهایی ندارند. مگر اینکه آنها هم هنوز چنانکه باید به تحولی که در وضع جهان و در علم و تکنولوژی پدید آمده است آگاهی نیافته باشند. اگر در دهه گذشته طرح تقدم توسعه سیاسی مطرح شد و جهش این بود که روشنفکران ما میان

و رسالت‌اش این است آدمی را از حضيض دانی بهیمیت به اوج عالی انسانیت سوق دهد؛ تا جایی که متصف به صفات خدایی باشد اتصفوا بصفات الله و همچنین: تخلقا باخلاقی الله که نردبان این ارتقا به سویی تکامل است.باتوجه به این مبانی است که هنر وسیله نیل به قرب الهی است، لذا هنرمند باید در جستجوی عهد الست باشد

یادآوری عهد الست موجب تجاذب می‌گردد و صف‌ها را مشخص می‌کند آنهایی که کم و بیش با هنر موسیقی آشنایی دارند می‌دانند که موسیقی عاشقی آلوده به فساد نشده است به عبارت دیگر، در قلمرو موسیقی عاشقی هجمه موسیقی منخط و آلوده غربی راه نیافته است و برای همین است که صفات مردی و مردانگی و صداقت و تعاون و دستگیری و مهر و محبت و فضایل انسانی و مکارم اخلاقی مایه اصلی موسیقی عاشقی است و در این موسیقی صف‌ها مشخص است.

دو هنر شعر و شاعری هم از کلام شفق شاعر معاصر مدد می‌گیریم تا دانسته شود رسالت چه باید باشد.

نبود شعر سخن پیوستن

جمله‌ها را سرهم پیوستن

شعر الفضا به هم بافته نیست

شعدهای جز ز دل نافته نیست

شعر در قافیه‌ها کی گنجد

لحن داود نه در نی گنجد

شعر احساس شکوه است و جلال

درک زیبایی و لطف است و جمال

شعر شوراست و شعراست و شعور

رویش عاطفه‌ها جوشش نور

شعر وارسته مبراست ز عیب

آشناری است ز سرچشمه غیب

شعر مسئول ز هر شعر جدا است

جوادان زنده چون خو شهدا است

شعر مسئول بود حامل راز

خلق بیدار کن از خواب دراز

شعر مسئول بود حق‌پرور

نه ستایشگر زور است، نه زر

شعر مسئول بت انداختن است

نه ز مداحی بت ساختن است
آیا شعر شهریار ده‌ها بار برتر و مشحون از این نوع مضامین نیست؟ و برای همین هم است که جوادانه خواهد بود و جوادانگی نتیجه این نوع دید است.

رومن رولان می‌گوید اگر هنر و انسانیت نتوانند در کنار هم زندگی کنند بگذار هنر بمیرد.
بوالوی می‌گوید: اگر غنایت پنهانی و لطف آسمانی نباشد، هنر در چهار دیواری استعداد خویش محصور می‌ماند.

جناب آقای دکتر شعر دوست حفظه... چقدر زحمت کشید و خون دل خورد تا شهریاری شهریار را به اثبات رساند و به مقصود خود که مشغولیت ذهنی شعر شناسان بود نایل شد.
مقتدای شهریار لسان‌الغیب حافظ شیرازی درباره شعر خود می‌فرماید:

بسه قرآنی که اندر سینه داری
شهریار یار هم در خصوص طبع وقاد و عظمت شعر خود چه قدر زیبا گفته است:

ما شهریار کشور هستیم هوش‌دار

نتوان شکست کوبه‌ی شهریار را

این رانیز به یاد داشته باشیم که دستگاه فرستنده

عرشیان همیشه خوب کار می‌کند و اگر نقصی هست؛ در دستگاه گیرنده ما فرشیان است
شهریار هم همانند مقتدایش که عرشی است، بدهی است خودش هم باید عرشی باشد نه فرشی.

مقتضی است در خصوص بند اول و بند آخر سهندیه، یکی از شاهکارهای شهریار توضیحاتی داده شود تا معلوم شود فکر و ذکر شهریار چه بوده و ذهن او را چه مفاهیمی مشغول کرده است.

بند اول: شاه داغیم، چال پایاغیم-نایل دایاغیم شانی

سهندیم باشی طوفانی سهندیم و ...

به ذهن خواننده استقامت کوه با عظمت سهند چال پایاغ با اصلا‌ن‌ها همدم است
شأن و شوکت دارد، قلعه‌اش همیشه طوفانی است و زنده‌کننده مضمون این بیت در ذهن خواننده است:

گلمه‌ای صیاد بوچولرده آهو صیدینه

داغلازنده دسته‌دسته ببری و اراصلاتی وار

و اینک بند آخر

من علی اوغولیم ازآده‌لرین مرد مرادی

او قارالئیلارامشعل اوایشیقیلاراهادی

حقه، ایمانه منادی، باشدا سنینماز سیریم

الده کوتسه‌لمه‌ز قیسمایچیم وار

خواننده سهندیه همه را خواند لیکن فقط بند اول

و آخر را می‌آورم همراه با توضع وقتی به بند آخر رسید مستعمی بانگ زد «من ائلین اوغولیم» خواننده قطع کرد و حرفی نزد از هر طرف خواستند که ادامه دهد. پس از دو دقیقه سکوت این چنین ادامه داد شهریار نام و نام خانوادگی‌ش (سیدمحمدحسین بهجت تبریزی است) کفن شهریار خشک نشده شهریار نبوی ولوی و علوی به جای علی اوغلی «ائلین اوغلو می‌شود» در این چنین جایی که شهریار به فرزند حضرت علی(ع) بودنش می‌نازد و فخر می‌کند لیکن مستعمی «علی اوغلی» را با «ائلین اوغلی» عوض می‌کند خواندن شعر شهریار چه لطفی دارد؟ رفت و در جایش نشست

شهریار یک بار در دوران صباوت حرف مادرش را پشت گوش انداخته و با قلب سلیم و پاکش و سرشت سید صبح‌النسب بودنش از ته دل پاک و صفای باطن، با معصومیت کامل خطاب به مادر پیشیمانی خود را به صورت زیر بیان کند:

من گناه کار شدم وای به من

مردم آزار شدم وای به من
شادروان از سنین صباوت سخن می‌گوید حتی در این سنین تا چه اندازه دارای سرشت پاک بوده و در چه حد از ته دل و صمیم قلب سخن ندامت‌آمیز گفته است و این نوع ندامت بیشتر از سرشت پاک حکایت می‌کند نه صرفادوران صباوت دلیل دل‌آگاهی و توجهش به خط و

خطایی است که از انبای بشر سر می‌زند.بلافاصله آنچه که در دل دارد آشکار می‌کند. این کودک وقتی دوران جوانی خود را می‌گذراند شاهکارهایی می‌آفریند که جوادان سرشار از شعر دوست حافظ می‌کند و این کودک وقتی جلب نظر اهل فن و شعر شناسان را بر سروده‌های خود جلب می‌کند و برای همین است اهل فن و فحول شعر شناسان درباره او نظرهایی ابراز کرده‌اند و به شأن و مقام و منزلت انسانی و شعری او صحه گذاشته‌اند.

ادامه دارد

بخصوص در جهان توسعه نیافته باید به کار توسعه بیاید. این امر در صورتی ممکن است که پیشرفت اقتصادی – اجتماعی و سیاسی و فرهنگی برنامه‌ای داشته باشد. این برنامه را سیاستمداران به مدد صاحب‌نظران و دانشمندان و روشنفکران می‌توانستند. اگر سیاست از نظر و مدد اینان محروم بماند کشور از برنامه محروم می‌ماند. در برنامه توسعه است که حقیقت در اصطلاح اهل علم و حقیقت درنظر روشنفکران به هم نزدیک می‌شود. دشواری دیگر این است که صاحب‌نظر بودن و روشنفکر بودن و دانشمند بودن معمولاً در وجود یک شخص جمع نمی‌شود اما گاهی این هر سه صفت به یک شخص تعلق می‌گیرد و اگر بگیرد سیاست می‌تواند هم‌زمان از هر سه بهره ببرد. در زمان ما که تکنولوژیک بودن و توسعه‌ای بودن علم کم و بیش آشکار شد است دانشمندان بیشتر به اثر و تأثیر علم و وظایف آن فکر می‌کنند و این فکران را نه با سویی روشنفکری و تأمل در مسائل سیاسی و انسانی می‌برد.

اقتصادی باز می‌گردد روشنفکران چگونه می‌توانند از آن چشم‌پوشند و کیست که ندانند و یا درنیابند که توسعه، توسعه علم و تکنولوژی است و توسعه اجتماعی و سیاسی هم معمولاً در تناسب با توسعه تکنولوژی صورت می‌گیرد. در توسعه است که دانشمندان و پژوهندگان در کار خود به ضرورت نباید به نتایجی که از پژوهش‌هایشان حاصل می‌شود بپایند پیشند اما علم برنامه دارد و پژوهش در حدود برنامه صورت می‌گیرد. برنامه نیز ناظر به آثار و نتایج است و اگر جز این باشد علم تری در توسعه ندارد. چنانکه بسیاری از پژوهش‌های دانشمندان به کار توسعه نمی‌آید. البته دانشمندان را از این بابت ملامت نباید کرد زیرا چنانکه گفته شد آنها به طور کلی نباید نگران نتایج و آثار پژوهش‌های خود باشند زیرا دانشمند غرضی جز درک حقیقت ندارد. مشکلی که به آسانی نمی‌توان آن فاکت نزدیک کردن حقیقت موردنظر علم به حقیقت در اصطلاح روشنفکری است. حقیقت علم در زمان ما

در مسائل سیاسی و انسانی می‌برد.

فرهنگی

چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۳ / **سال هشتادونهم- شماره ۲۵۹۷۳**

ویژه فرهنگ‌تاریخ و تمدن ایران و جهان/۱۸۹ **اخبارات**

منظره

منظره دکتر مصدق و سید ضیاء در مجلس

پولیتیکس آف مشیرالدوله

فرمند: انقلاب باید به دست اشخاص باشد که معتقد و با ایمان باشند، نه با افراد نظامی. این‌ها انقلاب نمی‌توانند بکنند، این‌ها روح انقلاب را می‌کشند و اتفاق همین‌طور هم شد و این روح انقلاب در آن موقع در ایران خاموش شد و متجاسرین که آمده بودند و یک روح انقلابی در ایران ایجاد شده بود.

اقبال: بلندتر بفرمایید.

رتیس: یک قدری بلندتر صحبت بفرمایید تا همه آقایان بشنوند.

فرمند: پس حالا بر آقا است که برای ما یک توضیحات مفصلی بدهند و ما را قانع کنند که آیا

خودشان شخصا مسبب بوده‌اند؟ و این موازین قانونی چه بوده است که ما بتوانیم رأی بدهیم. دیروز در مباحثاتی که شد ایشان این‌طور فرمودند که عهدنامه دولت شوروی و ایران در دوره ریاست وزرای ایشان امضاء شده و ایشان فرمودند که من تلگراف کردم برای این کار.

بسنده علم و اطلاع دارم که این کار را مرحوم مشیرالدوله در زمان کابینه خودش تلگراف کرده و تلگراف را هم فرستاده است به تلگرافخانه استارا و اکسون هم دو سینه این کار در وزارت خارجه ما هست. در وزارت خارجه ما هم اگر نباشد در وزارت مشاور الممالک که شما مطابق ۲۳ ماده بر اونینگ که آمده بود اینجا و پیشنهاد کرده بودند مجلل بود به دوباره به تهران این قرارداد را ببندید و مشاور الممالک به واسطه این تلگراف قرارداد را بعد از چند روز منعقد ساخت و روی اصول که حکم امضایش را داد.

یک ماه بعد هم حوم لرد کرون یک اعتراضی کرده بود به مشیرالدوله و در روزنامه‌های آن زمان هم نوشته شد که مشیرالدوله در تأسیس و انعقاد این قرارداد سیاست ابهانه به کار برده است «رافولیش پولیتیکس آف مشیرالدوله» یعنی «سیاست ابهانه مشیرالدوله» و این را دیروز مخصوصاً نقابت خواستند بگویند که این روابطی که بین ایران و روسیه برقرار شده بود این کار را آقای سید ضیاءالدین کرده است ولی البته ایشان نکردند، بعدا کابینه مشیرالدوله سقوط کرد، بعد کابینه سپهدار که کابینه مجلل بود به وجود آمد و سپهدار یک جلسه در دربار کرد از آن ملک‌ها، از آن دوله‌ها، از آن سلطنه‌ها و از آن ممالک‌ها در آنجا دعوت شدند.

تبلغاتی کردند که چون آن وقت مجلس نبود آن‌ها در آنجا بگویند که این قرارداد نباید بشود ولی آن‌ها گفتند که این قرارداد باید بشود. مخصوصا مرحوم مشیرالدوله نقلی کرد که صلاح مملکت در این است که این قرارداد تصویب شود. مرحوم حاج میرزا بیخی دولت‌آبادی و نغفر دین دیگر پس از قرارداد عملا بسته شده بود، فقط جریان امضاء که در وزارت خارجه بود و تشریفات آن باقی مانده بود. این معنی یعنی قرارداد با شوروی را بنده این‌طور حس کردم که چرا دو روز است اینجا خیلی اصرار می‌کنند، اول آقای نقابت بعد هم آقا خودشان و این معنی را بنده این‌طور استنباط کردم برای اینکه گفته شود ما با شوروی آن وقت حسن نظر داشته‌ایم ما ایرانی‌های وطن‌پرست هوچی گری کمتر کرد‌ه‌ایم.

فرمند: چرا برای اینکه هر زمان یک مقتضیاتی دارد. اگر ما بگوییم که هر زمان ملک‌ها و سلطنه‌ها برقرار باشند، غلط است و اگر هم بخوایم بگوییم همان رجال سیاسی که مورد نارضایتی مردم است می‌بایند بپروند این جز اینکه سوء تفاهماتی تولید می‌کند چیزی دیگر نیست.

نمنا مد گان: صحیح است ...

۴ فرهنگ

ویژه فرهنگ‌تاریخ و تمدن ایران و جهان/۱۸۹ **اخبارات**

نفت ایران؛ روایت کینزر نخست وزیرها...

پیروزی نشانهٔ ایجاد تحولی نوین در سیاست ایران بود؛ پیدایش یک گروه منسجم و سازمان یافتهٔ اپوزیسیون با عواطف شدید ملی گرایانه و متکی به حمایت گستردهٔ مردم. ظهور این پدیده مانع بزرگی را در مسیر دستیابی شاه به هدف اولیهٔ خود یعنی تصویب لایحهٔ الحاقی و اهداف بلندمدت وی یعنی احیای قدرت سلطنت ایجاد می کرد. دو دیدگاه مخالف دربارهٔ آیندهٔ ایران اینک با شدتی بیش از گذشته در مقابل یکدیگر قرار گرفته بود.

شاه نخست‌وزیران ضعیف را می‌پسندید چون می‌توانست آن‌ها را مطیع ارادهٔ خود نماید، اما در اوایل سال ۱۹۵۰ (زمستان ۱۳۲۸)، هم او و هم انگلیسی‌ها نیاز به فردی قوی داشتند که بتواند مجلس را مجبور به تصویب لایحهٔ الحاقی نماید. انتخاب اول وی، محمد ساعد اصلاً رغبتی به حمایت از لایحه نداشت و حتی حاضر نشد آن را به صورت یک لایحه برای رأی گیری به مجلس بفرستد.

شاه پس از دو ماه وی را برکنار و فرد دیگری را که طرفداری بیشتری از بریتانیا داشت، یعنی علی منصور، را به جانشینی ساعد برگزید، اما منصور نیز رغبتی به حمایت از لایحه نشان نداد. حوصلهٔ انگلیسی‌ها سر رفت. در ماه آوریل آن‌ها (sir francis جدیدی را به نام سر فرانسیس شیرد (shepherd) به تهران فرستاد که تجربهٔ کاری وی بیشتر مربوط به کشورهای دارای حکومت مستبد با کشور های تحت نفوذ بیگانگان می‌شد؛ کشورهایی همچون لاسالو ادور، هائیتی، پرو، کنگوی بلژیک، هند شرقی و هلند. او در یکی از اولین تلگراف‌های خود به وزارت خارجهٔ بریتانیا چنین گزارش داد که «اگر چه شاه به منصور دستور داده که هر چه سریع‌تر لایحهٔ الحاقی نفت را به تصویب مجلس برساند، منصور تمایل چندانی به اطاعت از فرمان ارباب خویش ندارد.»

طولی نکشید که وزارت خارجهٔ بریتانیا و شرکت نفت انگلیس و ایران هر دو دریافتند که منصور فرد مورد نظر آن‌ها نیست. فرد مورد نظر آن‌ها برخلاف سنت مرسوم ایران، یک غیر نظامی نبود بلکه آن‌ها ژنرال رزم‌آرا را مدنظر داشتند که از امین‌ترین افسران ژنرال شوارتسکف به شمار می‌رفت و در آن زمان به مقام فرماندهی ستاد مشترک رسیده بود به اعتقاد انگلیسی‌ها فقط فردی بسا ارادهٔ آهنین رزم‌آرا از قدرت کافی برای مقابله با مصدق و جبههٔ ملی برخوردار بود.

در ۲۰ ژوئن (۳۰ خرداد ۱۳۲۹) مجلس کمیته‌ای با هیجده عضو را مأمور بررسی لایحهٔ الحاقی نمود. انگلیسی‌ها این عمل مجلس را نوعی مخالفت قلمداد کردند و به شاه توصیه نمودند که برای مقابله، نخست‌وزیر منصور را برکنار و ژنرال رزم‌آرا را به عنوان جانشین وی معرفی نماید. شاه چاره‌ای جز اطاعت نداشت.

جبهه ضعیف و لیخند ملیح رزم‌آرا، انرژی، هو و جاه‌طلبی پایان‌ناپذیری را پنهان می‌نمود. او یک سرباز حرفه‌ای در سن چهل و هفت سالگی بود و به بیرحمی و خونسردی شهرت داشت. او نیز همانند اکثر نظامیان ایرانی از فرصت‌های فسادآمیز برای پیشرفت استفاده کرده بود اما در عین حال استعدادهای وی را نمی‌شد انکار کرد. قهرمان اوضاع شاد بود و همچون رزاشاه اعتقاد داشت که تنها راه کسب بزرگی برای ایران، حکومت خشونت‌آمیز و سخت‌گیرانهٔ یک دیکتاتور است.
باین حال، رزم‌آرا برخلاف رضانخان یک فرد با معلومات و جهان‌بیده بود که در آکادمی نظامی فرانسه تحصیل نموده و کلاً واقف بود که راضی نگذاشته‌اند قدرت‌های بیگانه تا چه اندازه برای ایرانی‌ها سودمند است.

کچمیشاردن گلنره مشق اولسون

اولادیمیز مهبینبی دانسماسین
هر ایچی بوش سوزلره آلاماسین
آری شهریار ملک شعر و ادب در واقع برترین نماد و چکاد فرهنگ اصیل و ریشه‌دار ایرانی در عرصه شعر و ادب معاصر این مرز و بوم خدائی است که در مقابل هجوم فرهنگ بیگانه و خود باختگان به بیگانه ایستاد و هویت راستین مردم ایران زمین را در حصن حصین قرارداد.
باری چو فسانه می شوی ای بخرد
افسانه نیشک شو نه افسانه بد
و شهریار سرآمد نیکان عرصه شعر و ادبی معاصر شد و به حق، خود نیز به قدر و منزلتش واقف بود:
رُخسَم... افسر ا عرف قدرد.
درباره شعر خود این گونه سروده است:

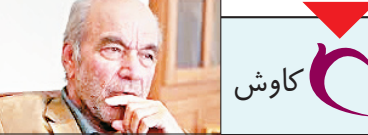
ما شهریار کشور عشقیم هوش دار

نتوان شکست کوبه‌ی شهریار را

شهریار مبلغ هنر راستین

افراد فهم و بار یک‌اندیش، همیشه وسیله و ملاک شناخت انسان‌ها را صفات پسندیده و خصلت‌های ستوده آنان قرار می‌دهند و این صفات جمیع مکارم اخلاقی و فضایل انسانی است پروردگار عالم هم می‌فرماید:
اَنزَکُم عندا... اتَّقِیْکُم که برجسته‌های آن صفات ایمان و اعتقاد، مردی، مردانگی و جوانمردی که خواجه محمد پارمسا در کتاب معروف خود، «فصل الخطاب، بوصل الاحیاء» چنین تعریف کرده است:
اَلْفَتْوَه اَشْمُ لِمَقَام اَلْقَلْبِ الصَّافِی عَن صِفَات النَّفْسِ وَ ذَالِک الصِّغَاو وَ هُوَ زَیَادَه الهدی بعد الایمان.
در فتوت‌نامه‌ها کلیات را بدین گونه آورده‌اند که پس از کسب دانش باید به صفاتی خو گرفت که آنها را ۷۲ دانسته‌اند بدین‌گونه:
راستی، آزادی از بند نفس، پاک داشتن چشم و دامن، وفا، بخشودن بر دوست و دشمن، خواستن برای دیگری آنچه برای خود می‌خواهد، زیان را به بد گفتن، نیاموختن، بر آوردن مراد حتی نامسران را، کردن کاری را نگفتن و کردن آنچه‌از دست برآید، رضا دادن در خشم، خویشن بین نبود، بردباری، نان دادن، زیان و دل یکی داشتن، از بر دباری دم نزدن، راه پارسانی ورزیدن، تزویر نکردن، درون از کین پاک داشتن، دماغ از کبر خالی داشتن، تواضع کردن، از تکبر دور بودن، سخن نرم و لطیف و تازه، به اندازه گفتن، حسد نوزیدن، ریاضت کشیدن، به چشم شهوت

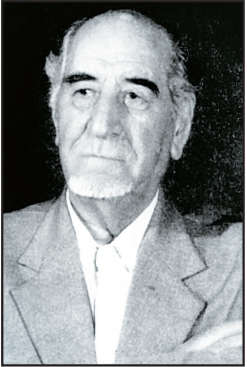
بر دوست ننگریستن، کج‌بین نبودن، خودکام نبودن، با اهل زمانه سروّت کردن، داد خلق دادن، بر خود مغرور نبودن، ادب نگاه داشتن، خدمت خلق کردن، گرد عصیان نگشتن، هوای نفس خود را شکستن، همه کس را چون فرزند ترتیب کردن، به طاعت کو شسیدن، دیندار بودن، خدای را پرستیدن و پیرو فرمان او بودن، صبور ی پیشه کردن، شکر خدا کردن، در محنت صبر کردن، دل‌ها را به احسان و کرم به دست آوردن، در راه احسان چلاکی بودن، چون شمع در میان جمع سوختن، گفتار را با کردار راست داشتن، عُمّازی نکردن، از نفاق و ترس، حسد، کین، دروغ‌زنی سر همیز کردن، نگاه نکرد بر نامحرم، عیب‌جویی و بخل نوزیدن، از بهتان و دزدی



نوشتار یاز استاد دکتر رضا داوری اردکانی-۱۲

تاریخ تجدد مآبی

روشنفکران اخیراً کم و بیش به امر تجدد و توسعه رو کرده‌اند هنوز به طرح‌های تغییر در وضع سنت و تجدد و رفع تعارض میان این دو و فرهنگ‌سازی و ... نپرداخته‌اند. غافل از اینکه این اندیشه‌های تواند پوششی باشد تا تهی بودن تاریخ تجدد مآبی و توسعه‌نیافتگی را از چشم‌ها پنهان سازد. در تاریخ توسعه مسلمان سیاست دخالت و تأثیر اساسی دارد اما با تدابیر معمولی سیاسی از عهده حل مشکلات تاریخ بر نمی‌تواند. بخصوص که جای اینکه در جستجوی راه خروج از وضع توسعه‌نیافتگی



و حرام خواری، اجتناب‌ورزیدن، الخ. اینجانب بر این باورم، به خصوص در بزرگداشت مقابله هجوم فرهنگ بیگانه و خود باختگان به بیگانه ایستاد و هویت راستین مردم ایران زمین را در حصن حصین قرارداد.

زمان مقدّر و در یک مکان معلوم زاده شده و هر کدام به نحوی عمر خود را سپیری کرده فو قش به کارهای نگویده دست نیازیده و این وظیفه هر آفریده‌ایست و تجلیل و گرامیداشت هم ندارد.

آنچه موجب تکریم و تعظیم از مقام فردی از بزرگان و هنرمندان است به علت اُتصاف به صفات خداوندی است و مراتب ترقّی و تعالی و تکامل را پیموده و تا مرز خداینگونگی ارتقا یافتن است و این تجلیل و تکریم برای دیگران هم هست تا آنها نیز همانند کسی که تعظیمش و تکریمش نموده‌اند باشند.

همه سروده‌ها و اشعار شهریار به جز معدودی که آن‌هم به حساب نمی‌آید و مرسوم به دوره جوانیش می‌باشد که به اقتضای سنین جوانی سروده شده است بسوی خدائی می‌دهد؛ یعنی برای جلب رضای خدا سروده شده است.

یکی از سُنن سَنّیه ملت‌های با فرهنگ تعظیم و قدردانی و اگر اقتضا بکند تجلیل و بزرگداشت از چهره‌های ماندگار است در کنگره‌های بزرگ از انسان‌های والا به خصوص هنرمندان به ویژه شعرا و سرایندگان که کارهای بزرگ و هنرهای حیرت‌انگیز آفریده‌اند مراسمی به منظور بازنگری کارهای برجسته آنان برگزار و نیز برای تشویق دیگران کارهای هنری آنان را می‌ستایند و چون مطالب برای تجلیل از شهریار کشور عشق تحریر می‌شود که کو به طبع وقادش

آفاق را در نور دیده است و انتسابش به پیامبر اعظم (سیدمحمدحسین بهجت تبریزی) در سال حضرتش خیلی به جااست که به مناسبت یکصدمین سال تولدش برگزار شده است.

لذا ما نیز برای آشنائی بیشتر با زوایای ذهنی شهریار ملک سخن که در حال حیاتش آوازه شهرتش جهانی شده است به تعریف هنر به خصوص هنر شعر و شاعری و رسالت هنرمند مروری داشته باشیم تا علت اشتهازش هم روشن شود ابتدا تعاریف راجع به هنر را مرور می‌کنیم و سعی خواهیم کرد تعریف درستی از هنر به دست دهیم.

به طوری که صدای برخورد سسم اسبش به زمین و بانگ طبل و دهل و فر و شکوه دسته‌ای از سواران شعر و شاعری که همراه کو کوبه او هستند و طبع وقاد و سروده‌های شعری او را نه هر کدام یک بار بلکه بارها ستوده‌اند شاهد باشیم.

کرده است.

۱۵-تلقای شایع این است که قدرت، قدرت حکومت است و در دست سیاستمداران و حکومت‌ها قرار دارد و آنها اگر بخواهند می‌توانند همه مسائل جامعه و مردم را حل کنند. اکنون با تمایب یافتن تجدد مسئله قدرت در جهان توسعه یافته به صورت دیگری مطرح شده و حتی در بیرون از فلسفه و مثلا در قلمرو سیاست و تدبیر، این توهم که هر کاری از عهده حکومت‌ها برمی‌آید دیگر قوتی ندارد. در مقابل در جهان توسعه نیافته که هرگز حکومت‌هایش قدرت برقرار کردن نظم عقلی و ایجاد نظام هماهنگ در کشور نداشته‌اند هنوز این وهم غلبه دارد که دولت یا حکومت می‌تواند و باید همه مسائل کشور و ملت را حل کند. البته حکومتی که صاحب تدبیر و دارای برنامه باشد بسیار کارها می‌تواند بکند، اما حکومت‌های جهان توسعه نیافته معمولاً کارها را سهل می‌انگرفتند. در این کشورها زمانه روشنفکری که به جای اینکه در جستجوی راه خروج از وضع توسعه‌نیافتگی

مفاهیم عالی انسانی در شعر شهریار

شهریار یکی از شاعران بزرگ تاریخ بشریت است، در تمامی اشعار او مفاهیم عالی انسانی موج می‌زند و به همین دلیل است که در کشورهای دیگر؛ اشعار شهریار را با اشتیاق زایدالوصف می‌خوانند، پرفسور معارف حاجی اووا استاد دانشگاه جمهوری آن سوی رود ارس می‌گوید: «همین دو نمونه شعر کافی است که قدرت شهریار را من جمیع جهات بخصوص مضامین مربوط به فضایل انسانی؛ در گستره میدان صُوَر خیال شگفت‌زده کند.»

شهریار به روایت دکتر اسماعیل رفیعیان

مرام و مشرب شهریار



شهریار ما فی الضمیر خود را این چنین بیان می‌کند:

به عالمی که در او دشمنی به جان بخردن عجب مدار اگر عاشقی گناه من است گوش زمین به گفته من سخت آشناست

و

به مرگ زنده شدن هم حکایتی است عجیب اگر غلط نکنم خود به جوادان مانم در آشیانه طوبی نمانم-د از سر ناز نه خاکیم که به زندان خاكدان مانم

ز جویبار محبت چشیدم آب حیات که چون همیشه بهار ایمن از خزان مانم خواننده عزیز یقین دارم با خواندن دو عنوان شعر: پیام به انشتین و ای وای مادرم به عظمت پایه و مایه شعری شهریار و اوج فکری این شاعر بزرگ پی ببریم و

باشند در رویای لیبرال دموکراسی و سوسیالیسم و... است. او هنوز نمی‌خواهد بداند جهان غربی و حتی دموکراسی و سوسیالیسمش یا اندیشیدن به شرایط امکان چیزها قوام یافته است.

با تعیین حدود این امکان‌هاست که نظم ممکن می‌شود. اما وقتی این حدود معین نباشد همه چیز در عرض هم و به یک اندازه ممکن می‌نماید و همه کس و به طریق اولی دولت و حکومت خود را قادر به ادای هر کاری می‌داند. این است که تمناهای محال در جهان توسعه نیافته نه یک امر نادر و اتفاقی بلکه وضع شایع و غالب است. چنانکه اشاره شد اگر حکومت نمی‌تواند دم از نانوائی و یاس بزند و مردم را نوید و دل‌آزده کند و روشنفکران چنین محظورهایی ندارند. مگر اینکه آنها هم هنوز چنانکه باید به تحولی که در وضع جهان و در علم و تکنولوژی پدید آمده است آگاهی نیافته باشند. اگر در دهه گذشته طرح تقدم توسعه سیاسی مطرح شد و جهش این بود که روشنفکران ما میان

و رسالت‌اش این است آدمی را از حضيض دانی بهیمیت به اوج عالی انسانیت سوق دهد؛ تا جایی که متصف به صفات خدایی باشد اتصفوا بصفات الله و همچنین: تخلقا باخلاقی الله که نردبان این ارتقا به سویی تکامل است.باتوجه به این مبانی است که هنر وسیله نیل به قرب الهی است، لذا هنرمند باید در جستجوی عهدالست باشد

یادآوری عهدالست موجب تجاذب می‌گردد و صف‌ها را مشخص می‌کند. آنهایی که کم و بیش با هنر موسیقی آشنایی دارند می‌دانند که موسیقی عاشقی آلوده به فساد نشده است به عبارت دیگر، در قلمرو موسیقی عاشقی همهجه موسیقی منحنو و آلوده غربی راه نیافته است و برای همین است که صفات مردی و مردانگی و صداقت و تعاون و دستگیری و مهر و محبت و فضایل انسانی و مکارم اخلاقی مایه اصلی موسیقی عاشقی است و در این موسیقی صف‌ها مشخص است.

دو هنر شعر و شاعری هم از کلام شفق شاعر معاصر مدد می‌گیریم تا دانسته شود رسالت چه باید باشد.

نبود شعر سخن پیوستن

جمله‌ها را سرهم پیوستن

شعر الفضاو به هم بافته نیست

شعدهای جز ز دل نافته نیست

شعر در قافیه‌ها کی گنجد

لحن داود نه در نی گنجد

شعر احساس شکوه است و جلال

درک زیبایی و لطف است و جمال

شعر شوراست و شعراست و شعور

رویش عاطفه‌ها جوشش نور

شعر وارسته مبراست ز عیب

آشناری است ز سرچشمه غیب

شعر مسئول ز هر شعر جدا است

جوادان زنده چون خو شهدا است

شعر مسئول بود حامل راز

خلق بیدار کن از خواب دراز

شعر مسئول بود حق‌پرور

نه ستایشگر زور است، نه زر

شعر مسئول بت انداختن است

نه ز مداحی بت ساختن است
آیا شعر شهریار ده‌ها بار برتر و مشحون از این نوع مضامین نیست؟ و برای همین هم است که جوادانه خواهد بود و جوادانگی نتیجه این نوع دید است.

رومن رولان می‌گوید اگر هنر و انسانیت نتوانند در کنار هم زندگی کنند بگذار هنر بمیرد.
بوالوی می‌گوید: اگر غنایت پنهانی و لطف آسمانی نباشد، هنر در چهار دیواری استعداد خویش محصور می‌ماند.

جناب آقای دکتر شعر دوست حفظه... چقدر

زحمت کشید و خون دل خورد تا شهریاری شهریار را به اثبات رساند و به مقصود خود که مشغولیت ذهنی شعر شناسان بود نایل شد.
مقتدای شهریار لسان‌الغیب حافظ شیرازی درباره شعر خود می‌فرماید:

جناب آقای دکتر شعر دوست حفظه... چقدر
به قرائتی که اندر سینه داری شهریار هم در خصوص طبع وقاد و عظمت شعر خود چه قدر زیبا گفته است:

ما شهریار کشور هستیم هوش‌دار

نتوان شکست کوبه‌ی شهریار را

این رانیز به یاد داشته باشیم که دستگاه فرستنده

عرشیان همیشه خوب کار می‌کند و اگر نقصی هست؛ در دستگاه گیرنده ما فرشیان است
شهریار هم همانند مقتدایش که عرشی است، بدهی است خودش هم باید عرشی باشد نه فرشی.

مقتضی است در خصوص بند اول و بند آخر سهندیه، یکی از شاهکارهای شهریار توضیحاتی داده شود تا معلوم شود فکر و ذکر شهریار چه بوده و ذهن او را چه مفاهیمی مشغول کرده است.

بند اول: شاه داغیم، چال پایاغیم-نایل دایاغیم شانی

سهندیم باشی طوفانی سهندیم و ...

به ذهن خواننده استقامت کوه با عظمت سهند چال پایاغ با اصلا‌ن‌ها همدم است
شأن و شوکت دارد، قلعه‌اش همیشه طوفانی است و زنده‌کننده مضمون این بیت در ذهن خواننده است:

گلمه‌ای صیاد بوچول‌لرده آهو صیدینه

داغ‌لارنده دسته‌دسته ببری و اراصلاتی وار

و اینک بند آخر

من علی اوغلویم ازآده‌لرین مرد مرادی

او قارا‌نلقلار امشعل او ایشیق‌لقلار اهادی

حقه، ایمانه منادی، باشدا سینماز سیریم

الده کوت‌سه‌لمه‌ز قیسم‌ایچیم وار

خواننده سهندیه همه را خواند لیکن فقط بند اول

و آخر را می‌آورم همراه با تواضع وقتی به بند آخر رسید

مستمعی بانگ زد «من ائلین اوغلویم» خواننده قطع کرد

و حرفی نزد از هر طرف خواستند که ادامه دهد. پس از

دو دقیقه سکوت این چنین ادامه داد شهریار نام و نام

خانوادگی‌ش (سیدمحمدحسین بهجت تبریزی است)

کفن شهریار خشک نشده شهریار نبوی و ولوی و علوی

به جای علی اوغلی «ائلین اوغلو می‌شود» در این چنین

جایی که شهریار به فرزند حضرت علی(ع) بودش

می‌نازد و فخر می‌کند لیکن مستمع «علی اوغلی» را با

«ائلین اوغلی» عوض می‌کند خواندن شعر شهریار چه

لطفی دارد؟ رفت و در جایش نشست

شهریار یک بار در دوران صباوت حرف مادرش را

پشت گوش انداخته و با قلب سلیم و پاکش و سرشت

سید صبح‌النسب بودش از ته دل پاک و صفای باطن،

با معصومیت کامل خطاب به مادر پیشیمانی خود را به

صورت زیر بیان کند:

من گناه کار شدم وای به من

مردم‌آزار شدم وای به من
شادروان از سنین صباوت سخن می‌گوید حتی در

این سنین تا چه اندازه دارای سرشت پاک بوده و در چه حد از ته دل و صمیم قلب سخن ندامت‌آمیز گفته است و این نوع ندامت بیشتر از سرشت پاک حکایت می‌کند نه

صرفادان صباوت دلیل دل‌آگاهی و توجهش به خط و خطای است که از انبای بشر سر می‌زند.
بلافاصله آنچه

که در دل دارد آشکار می‌کند. این کودک وقتی دوران

جوانی خود را می‌گذراند شاهکارهایی می‌آفریند که

درباره او نظرهایی ابراز کرده‌اند و به شأن و مقام و منزلت

انسانی و شعری او صحه گذاشته‌اند.

ادامه دارد

بخصوص در جهان توسعه نیافته باید به کار توسعه بیاید. این امر در صورتی ممکن است که پیشرفت اقتصادی – اجتماعی و سیاسی و فرهنگی برنامه‌ای داشته باشد. این برنامه را سیاستمداران به مدد صاحب‌نظران و دانشمندان و روشنفکران می‌توانستند. اگر سیاست از نظر و مدد اینان محروم بماند کشور از برنامه محروم می‌ماند. در برنامه توسعه است که حقیقت در اصطلاح اهل علم و حقیقت درنظر روشنفکران به هم نزدیک می‌شود. دشواری دیگر این است که صاحب‌نظر بودن و روشنفکر بودن و دانشمند بودن معمولاً در وجود یک شخص جمع نمی‌شود اما گاهی این هر سه صفت به یک شخص تعلق می‌گیرد و اگر بگیرد سیاست می‌تواند هم‌زمان از هر سه بهره‌برد. در زمان ما که تکنولوژیک بودن و توسعه‌ای بودن علم کم و بیش آشکار شد است دانشمندان بیشتر به اثر و تأثیر علم و وظایف آن فکر می‌کنند و این فکران را نه با سویی روشنفکری و تأمل در مسائل سیاسی و انسانی می‌برد.

بخصوص در جهان توسعه نیافته باید به کار توسعه بیاید. این امر در صورتی ممکن است که پیشرفت اقتصادی – اجتماعی و سیاسی و فرهنگی برنامه‌ای داشته باشد. این برنامه را سیاستمداران به مدد صاحب‌نظران و دانشمندان و روشنفکران می‌توانستند. اگر سیاست از نظر و مدد اینان محروم بماند کشور از برنامه محروم می‌ماند. در برنامه توسعه است که حقیقت در اصطلاح اهل علم و حقیقت درنظر روشنفکران به هم نزدیک می‌شود. دشواری دیگر این است که صاحب‌نظر بودن و روشنفکر بودن و دانشمند بودن معمولاً در وجود یک شخص جمع نمی‌شود اما گاهی این هر سه صفت به یک شخص تعلق می‌گیرد و اگر بگیرد سیاست می‌تواند هم‌زمان از هر سه بهره‌برد. در زمان ما که تکنولوژیک بودن و توسعه‌ای بودن علم کم و بیش آشکار شد است دانشمندان بیشتر به اثر و تأثیر علم و وظایف آن فکر می‌کنند و این فکران را نه با سویی روشنفکری و تأمل در مسائل سیاسی و انسانی می‌برد.

بخصوص در جهان توسعه نیافته باید به کار توسعه بیاید. این امر در صورتی ممکن است که پیشرفت اقتصادی – اجتماعی و سیاسی و فرهنگی برنامه‌ای داشته باشد. این برنامه را سیاستمداران به مدد صاحب‌نظران و دانشمندان و روشنفکران می‌توانستند. اگر سیاست از نظر و مدد اینان محروم بماند کشور از برنامه محروم می‌ماند. در برنامه توسعه است که حقیقت در اصطلاح اهل علم و حقیقت درنظر روشنفکران به هم نزدیک می‌شود. دشواری دیگر این است که صاحب‌نظر بودن و روشنفکر بودن و دانشمند بودن معمولاً در وجود یک شخص جمع نمی‌شود اما گاهی این هر سه صفت به یک شخص تعلق می‌گیرد و اگر بگیرد سیاست می‌تواند هم‌زمان از هر سه بهره‌برد. در زمان ما که تکنولوژیک بودن و توسعه‌ای بودن علم کم و بیش آشکار شد است دانشمندان بیشتر به اثر و تأثیر علم و وظایف آن فکر می‌کنند و این فکران را نه با سویی روشنفکری و تأمل در مسائل سیاسی و انسانی می‌برد.

بخصوص در جهان توسعه نیافته باید به کار توسعه بیاید. این امر در صورتی ممکن است که پیشرفت اقتصادی – اجتماعی و سیاسی و فرهنگی برنامه‌ای داشته باشد. این برنامه را سیاستمداران به مدد صاحب‌نظران و دانشمندان و روشنفکران می‌توانستند. اگر سیاست از نظر و مدد اینان محروم بماند کشور از برنامه محروم می‌ماند. در برنامه توسعه است که حقیقت در اصطلاح اهل علم و حقیقت درنظر روشنفکران به هم نزدیک می‌شود. دشواری دیگر این است که صاحب‌نظر بودن و روشنفکر بودن و دانشمند بودن معمولاً در وجود یک شخص جمع نمی‌شود اما گاهی این هر سه صفت به یک شخص تعلق می‌گیرد و اگر بگیرد سیاست می‌تواند هم‌زمان از هر سه بهره‌برد. در زمان ما که تکنولوژیک بودن و توسعه‌ای بودن علم کم و بیش آشکار شد است دانشمندان بیشتر به اثر و تأثیر علم و وظایف آن فکر می‌کنند و این فکران را نه با سویی روشنفکری و تأمل در مسائل سیاسی و انسانی می‌برد.

فرهنگی

چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۳/ سال هشتادونهم- شماره۲۵۹۷۳

ویژه فرهنگ‌تاریخ و تمدن ایران و جهان/۱۸۹ **اخبارات**

منظره

منظره دکتر مصدق و سید ضیاء در مجلس

پولیتیکس آف مشیرالدوله

فرمند: انقلاب باید به دست اشخاص باشد که معتقد و با ایمان باشند، نه با افراد نظامی. این‌ها انقلاب نمی‌توانند بکنند، این‌ها روح انقلاب را می‌کشند و اتفاقاً همین‌طور هم شد و این روح انقلاب در آن موقع در ایران خاموش شد و متجاسرین که آمده بودند و یک روح انقلابی در ایران ایجاد شده بود.

اقبال: بلندتر بفرمایید.

رتیس: یک قدری بلندتر صحبت بفرمایید تا همه آقایان بشنوند.

فرمند: پس حالا بر آقا است که برای ما یک توضیحات مفصّلی بدهند و ما را قانع کنند که آیا

خودشان شخصاً مسبب بوده‌اند؟ و این موازین قانونی چه بوده است که ما بتوانیم رأی بدهیم. دیروز در مباحثاتی که شد ایشان این‌طور فرمودند که عهدنامه دولت شوروی و ایران در دوره ریاست وزرای ایشان امضاء شده و ایشان فرمودند که من تلگراف کردم برای این کار.

بسنده علم و اطلاع دارم که این کار را مرحوم مشیرالدوله در زمان کابینه خودش تلگراف کرده و تلگراف را هم فرستاده است به تلگرافخانه استارا و اکسون هم دو سینه این کار در وزارت خارجه ما هست. در وزارت خارجه ما هم اگر نباشد در وزارت مشاور الممالک که شما مطابق ۲۳ ماده بر اونینگ که آمده بود اینجا و پیشنهاد کرده بودند مجلّ بود به دوباره به تهران این قرارداد را ببندید و مشاور الممالک به واسطه این تلگراف قرارداد را بعد از چند روز منعقد ساخت و روی اصول که حکم امضایش را داد.

یک ماه بعد که مرحوم لرد کرون یک اعترافی کرده بود به مشیرالدوله و در روزنامه‌های آن زمان هم نوشته شد که مشیرالدوله در تأسیس و انعقاد این قرارداد سیاست ابهانه به کار برده است «رافولیش پولیتیکس آف مشیرالدوله» یعنی «سیاست ابهانه مشیرالدوله» و این را دیروز مخصوصاً نقابت خواستند بگویند که این روابطی که بین ایران و روسیه برقرار شده بود این کار را آقای سید ضیاءالدین کرده است ولی البته ایشان نکردند، بعداً کابینه مشیرالدوله سقوط کرد، بعد کابینه سپهدار که کابینه مجلّ بود به وجود آمد و سپهدار یک جلسه در دربار کرد از آن ملک‌ها، از آن دوله‌ها، از آن سلطنه‌ها و از آن ممالک‌ها در آنجا دعوت شدند.

تبلغاتی کردند که چون آن وقت مجلس نبود آن‌ها در آنجا بگویند که این قرارداد نباید بشود ولی آن‌ها گفتند که این قرارداد باید بشود. مخصوصاً مرحوم مشیرالدوله نقلی کرد که صلاح مملکت در این است که این قرارداد تصویب شود. مرحوم حاج میرزا بیخی دولت‌آبادی و نغز دین دیگر پس از قرارداد عملاً بسته شده بود، فقط جریان امضاء که در وزارت خارجه بود و تشریفات آن باقی مانده بود. این معنی یعنی قرارداد با شوروی را بنده این‌طور حس کردم که چرا دو روز است اینجا خیلی اصرار می‌کنند،

اول آقای نقابت بعد هم آقا خودشان و این معنی را بنده این‌طور استنباط کردم برای اینکه گفته شود ما با شوروی آن وقت حسن نظر داشته‌ایم ما ایرانی‌های وطن‌پرست هوچی گری کمتر کرد‌ه‌ایم.

ولی امروز بده می‌خواهم هوچی گری کنم در

سیاست خارجی این جنگ که تمام می‌شود و بعد از جنگ افکار نوینی ایجاد بشود و با اشخاص نوینی تماس داشته باشیم و سیاست خارجی را طرح کنیم.

نمائندگان: صحیح است.

فرمند: چرا برای اینکه هر زمان یک مقتضیاتی دارد. اگر ما بگوییم که هر زمان ملک‌ها و سلطنه‌ها برقرار باشند، غلط است و اگر هم بخوایم بگوییم همان رجال سیاسی که مورد نارضایتی مردم است می‌بایزند بفرود این جز اینکه سوء تفاهماتی تولید می‌کند چیزی دیگر نیست.

نمائندگان: صحیح است ...



شرح

مختدولی سهرابی اسرود

امیر از نگاه سفیر روس

مکتب‌های بزرگ و کهنه

ایران تحت الحمایه!

... اکنون پس از یک ربع قرن، قضایای گذشته، طور دیگری در نظر من جلوه می‌کند. سیاستی که روسیه در ایران بر طبق رژیم قدیم تعقیب می‌کرد، سیاستی بود که نه تنها از حیث حقوقی بلکه عملاً این کشور را تحت‌الحمایه خود می‌دانست، بنابراین، آن را از استقلال محروم نموده و در یک حال ضعف و هرج و مرجی نگاه می‌داشت.

اتکلیس، مثل شوروی

... پر واضح است که رفتار انگلیسی‌ها هم به طور محسوسی به همین طریق بود. سفیر انگلیس - سرتونلی، به طور یادداشت به موسیوی بلین گفته بود (۱۹۱۳/۹/۳۰)



که نمایندگان انگلیسی در شیراز و بوشهر مشغول اداره کردن ایالات جنوبی ایران هستند و مأمورین مالی و ژاندارمری هیچ یک نمی‌توانند قدمی بدون تصویب قونسول‌های ما بردارند و البته باید قبلاً صلاحیت آن‌ها را بخواهند.

خلاصه آنکه تمام قربانی‌هایی که روسیه در ایران داد و مجاهداتی که در آنجا کرد، همه به نفع انگلستان تمام شد.

نویسنده در مقام مقایسه حکومت‌های پادشاهی قاجار و پهلوی اول و دوم، نقبی هم به گذشته می‌زند و می‌نویسد:

صفویه، افتخار اعقاب خود

فقط سلسله صفویه است که می‌توان آن را در ردیف جنبشهای سلسله رمانو قرار داد. نمایندگان بزرگ این دو سلسله در ایران شاه عباس کبیر و در روسیه پتر کبیر بوده که موجب افتخار اعقاب خود گردیده‌اند.

اسکلت‌های زنده!

در طی مسافرت در راه قزوین به تهران، وقتی از گردنه شبلی می‌گذشتیم، دهقانان زیادی را می‌دیدم که در طول راه گدایی می‌کردند، قحطی آنان را به صورت اسکلت‌های زنده‌ای در آورده بود. دیدن اطفال، حزن‌انگیز تر بود. صورت‌های کوچک آن‌ها چین خورده و به طور عجیبی با استخوان‌های برآمده صورت، پیر به نظر می‌آمدند.

در ایران وقت معنی ندارد!

ایین نکته قابل توجه است که ایرانی‌ها نسبت به راه و فواصلی که باید طی کرد، کاملاً بی‌اطلاع هستند. مثلاً من می‌پرسیدم که چه وقت راه خوب خواهد شد در پاسخ می‌گفتند که از تبریز تا اینجا ما در راه شوسه حرکت کرده‌ایم، از اینجا به بعد راه خرابتر است. هیچکس در فکر تعمیر راه نیست. به حرف اشخاص هم نباید اعتماد کرد. اگر بیرسید تا فلان محل چقدر مانده، فوراً می‌گویند یارم آقاج (نیم فرسخ). شما خوشوقت می‌شوید که سه کیلومتر و نیم راه دارید اما پس از آنکه ۵ کیلومتر رفتید، باز از رهگداری فاصله را می‌پرسید. با کمال تعجب می‌شنوید (بیر آقاج) (۷ کیلومتر). البته در ایران وقت گرانبهاست. معنی ندارد.

حیله چارواداری!

روز ۱۹۱۸/۴/۲۹ صبح زود، سید (کاروان‌دار) با وضع غیرمترقبه‌ای به جنب

و جوش افتاد و با وجود ناتوانی حیوانات و تحمل سختی‌های اوچ دره (سه دره) با قیافه اطمینان‌بخشی گفت:

باید حرکت کنیم. یاور به من گفت این، حیله چارواداری است که اگر مسافر کاروان را مجبور به توقف نماید، باید مخارج آن روز را شخصاً بپردازد و روی همین حیله بود که ما را از خواب بیدار کردند و با های و هوی زیادی شروع کردند به بار کردن حیوانات و طوری وانمود می‌کردند که این حیوانات سرکشند و باید زودتر آن‌ها را بار کرد تا مطیع گردند و اطمینان هم داشتند که ما امروز از فرط خستگی حرکت نخواهیم کرد ولی بعد ملتفت شدند که در حساب خود اشتباه کرده‌اند. زیرا که من با لحن جدی و تند ی به او گفتم که در رفتن شتاب دارم و پولی هم در کار نیست که برای کاروان آذوقه و غیره خریداری کنم. ظاهراً گفتار من تأثیری نکرده و سید به هیاهو ادامه می‌داد! یی‌الله... یاهو... یاعلی من اعتنایی به حرف‌های او نمی‌کردم، ناگهان صدای سید قطع شد، مثل اینکه تمام انرژی‌اش را از دست داده باشد من فقط محض تسلی به او گفتم مانعی ندارد، یک روز توقف می‌کنیم. ان‌شاءالله کارها رو به راه خواهد شد.

مانده بهشتی!

در مسیر، در دهکده‌ای اتراق کردیم که چند دهقان بدبخت در کنار نهری بزی را که در حال مردن بود، کشته و میان خود تقسیم می‌کردند، به حدی که زارعرین بزمرد را مانده بهشتی تصور می‌کردند.

شیعه و مسیحیت!

در ادامه راه به سمت قزوین، به دهی به نام الهی رسیدیم که گویند همه اهالی آن علی‌اللهی هستند. در میان شیعه و سنی نسبت به امامت علی(ع) - داماد پیغمبر اختلاف وجود دارد. شیعه فقط امامانی را می‌شناسد که از اعقاب علی(ع) هستند. آخرین این امام‌ها بطور مرموزی غایب گردیده و روزی ظهور خواهد کرد. این امام مخفی را صاحب‌الزمان می‌گویند. شیعه به این اعتبار که در انتظار موعودی است، شباهت به مسیحیت دارد.

در همه جای ایران مقبره اولاد امامان دیده می‌شود و شباهت به مارابو تهای (مرباط) آفریقای شمالی دارد.

دیوار بی‌اعتمادی

سکنه ابهر مایل به پذیرایی از ما نبودند، زیرا که قشون روس در مدت اقامت در این نواحی، یادگاری‌های بدی از خود باقی گذاشته بودند. بالاخره موافقتی حاصل شد و در خانه یک نفر حاجی وارد شدیم... زن صاحب‌خانه نسبت به ما مهربانی زیادی کرد، نان خوب، کره و پنیر برای ما آورد اما... بی‌اعتمادی همچنان پابرجا بود، زیرا که اهل خانه می‌ترسیدند به شکلات و شیرینی که خانم به عنوان اظهار امتنان به آنها می‌داد، دست بزنند.

خرج سفر ۱۸ روزه

خلاصه، پس از ۱۸ روز مسافت بین تبریز، قزوین را که تقریباً ۵۰۰ کیلومتر است، با مشقت زیادی پیمودیم و متجاوز از ۵۰۰۰ فرانک خرج ما شد. درست همان اندازه که در سال ۱۹۱۸ از طهران از طریق باتوم و قسطنطنیه به پاریس خرج کردیم. مثل اینکه یک خانواده که مرکب بود از پدر و مادر و ۴ طفل برای طی همین مسافت ۲۳۰۰ تومان یعنی ۲۳۰۰۰ فرانک خرج کرده بود. تنها تفاوت سفر آنها این بود که آن‌ها با درشکه مسافرت می‌کردند و یک گاری هم برای حمل اثاثیه داشتند. یک جمعیت ۱۵ نفری بلژیکی از تبریز تا تهران ۷۳۰۰۰ تومان تقریباً ۷۳۰۰۰ فرانک خرج کرده بودند. یکی از دوستان من - مدیر گمرک برای

رفتن از تهران به ناصرآباد سیستان یعنی تا سرحد افغانستان متجاوز از نهصد تومان - ۹۰۰۰ فرانک خرج کرده بود.

اگر قطار باشد...!

خوشبختانه راه‌آهنی از تهران تا زنجان و میانه ایجاد شده و خط قزوین را هم اتصال می‌دهد و عنقریب به تبریز هم خواهد رسید و از این به بعد مسافتی را که، ۱۸ روزه بامشقت پیمودیم، در کمال راحتی، یک روزه طی خواهند کرد، اما در منزلی توقف نخواهند کرد و بدون شناسایی این کشور عبور خواهند نمود. بدیهی است که مسافرتین قطار با چاروادار باشی خائن و سید حقه‌باز و یاور راه‌نما که اتصالاً راه را گم می‌کرد و مسافرتین را در بیابان‌های عاری از آبادی سرگردان می‌گذاشت و اهالی عجیب و غریب بومی که نمونه و یادگار خوبی از زمان‌های گذشته هستند و مخصوصاً با مستخدمی فداکار مانند رضا غلامباشی، آشنایی پیدا نخواهند کرد.

قربانی تعصب

مدارک محرمانه عجیبی در ایران وجود دارد که از حادثه شوم قتل گریبایدوف و همکاران او حکایت می‌کند. اینها همه قربانی تعصبات ملی شدند تنها یک نفر توانست از



ایین واقعه جان به در برد. لحن این مدارک مسخره‌آمیز نشان می‌دهد که ایرانیان به فروتنی و گذشتی که در این موقع از طرف روسیه بروز کرد، درست پی نبرده بودند. روسیه در قضیه گریبایدوف، علوهمتی نشان داد و به فرستادن هیأتی از ایران برای معذرت‌خواهی از این عمل قناعت کرد، مجسمه کوچک قابل انتقال این شاعر دیپلمات در باغ‌های سفارت در طهران و زرگنده این واقعه تأثرآور را به خاطر می‌آورد گریبایدوف قربانی بی‌احتیاطی خود گردید، زیرا که از تسلیم زنان ارمنی که جبراً مسلمان شده بودند، به ایران خودداری کرد.

پاینده باد ایران

... در هر حال، مقاصد انگلیس و شوروی نسبت به ایران هر چه باشد، من یقین دارم که بالاخره به یک مخالفت میهن پرستانه سخت و موثری برخورد خواهد خورد. اگر ایران در هنگام زوال قاجار در ۱۹۲۱ توانست در مقابل مداخلات انگلیس مقاومت نماید، بدون تردید می‌تواند در آینه با نسل جدیدی که از محصلین مدارس غرب تشکیل یافته، با هر اقدامی که بر ضد استقلالش باشد با تمام قوا مواجه و مقابل گردد. پاینده باد استقلال ایران.

سپتامبر ۱۹۴۱. پاریس

حاشیه



گفتگو با استاد ابوالحسن نجفی - بخش پایانی

در محضر بانو سیاح



و در طبقه بالای آنها هم میز و صندلی هست برای کسانی که می‌خواهند همان جا کتابی بخوانند و قهوه‌ای بنوشند. اسم این مجتمع‌ها Indigo است که ترجمه آن می‌شود همین «نیل»!

* آیا با دوستان و همکارانتان معاشرت زیادی داشتید؟ مثلاً در چیزها نبودید؟

یکی از خوشبختی‌های بزرگ من این بود که همیشه، چه در اصفهان و چه بعدها در تهران، با دوستان اهل مطالعه و اهل قلم سر و کار داشتم و جلساتی داشتیم که در آنها درباره نوشته‌های خودمان و کتاب‌های جدید و مسائل روز بحث و گفتگو می‌کردیم. الان می‌بینم جوانان هنرمند یا هنردوست امروز بیشتر تک و تنها هستند و برای خودشان کار می‌کنند، در حالی که ما آن روزها ارتباطات بیشتری داشتیم و همیشه در انجمن‌ها و جلسات ادبی شرکت می‌کردیم و همین‌ها مقدمه‌ای می‌شد برای انتشار مجلات گوناگون. مثلاً سال ۱۳۲۶ در یکی از این انجمن‌ها با سهراب سپهری و سیاوش کسری و احمد شاملو آشنا شدم و به دنبال آن مجله‌ای به نام جام جم در چند شماره منتشر کردیم. یا همان سال در جلسات «انجمن ادبیات نوین» شرکت می‌کردم که در یکی از تالارهای دبیرستان دارالفنون در خیابان ناصر خسرو تشکیل می‌شد. این انجمن را خانم سیمین بهبهانی که آن وقت‌ها ۱۸ سال بیشتر نداشت و پدر او عباس خلیلی که از نویسندگان معروف بود اداره می‌کردند. هفته‌ای یک بار از یکی از بزرگان ادبیات، مثلاً محمد حجازی یا رشید یاسمی یا رضازاده شفق برای سخنرانی دعوت می‌کردند و بعد هم عده‌ای شعر می‌خواندند و...

* آیا صادق چوبک و آل احمد و هم‌نسل‌های آنها هم برای سخنرانی می‌آمدند؟

نخیر. اینها آن وقت‌ها ناشناخته بودند و کسی آنها را قبول نداشت! من حتی حدود سال ۱۳۲۸ که با یکی از استادان ادبیات درباره ادبیات معاصر گفتگو می‌کردم و به مناسبتی اسم آل احمد را آوردم، در کمال تعجب دیدم حتی اسم او را نشنیده است.

* می‌دانم یکی از استادانی که تأثیر زیادی در جنابعالی داشته خانم فاطمه سیاح بوده است...

بله، و اتفاقاً می‌خواستیم درباره او صحبت کنم. سال اول که به دانشگاه رفتم، در ۱۳۲۶، در فهرست برنامه‌های درسی، عنوان «ادبیات تطبیقی» توجه مرا جلب کرد. بسیار کنجکاو بودم این درس را بخوانم و ببینم ادبیات تطبیقی چیست. این درس آن زمان جزو دروس اختیاری محسوب می‌شد و من بلافاصله آن را انتخاب کردم.

استاد این درس خانم فاطمه سیاح بود که از طرف پدر ایرانی و از طرف مادر اهل روسیه سفید بود. او به چندین زبان خارجی مسلط بود و به زبان فرانسه مقالات متعددی نوشته بود. علاوه بر اینها، انگلیسی هم می‌دانست و اشراف کاملی بر ادبیات غرب داشت. ظاهراً با مادرش، پس از قدرت گرفتن استالین در شوروی و سپس روسیه سفید، از آنجا مهاجرت کرده بود و از ایران سر درآورده بود. برای اولین بار در کلاس‌های فاطمه سیاح با مباحثی آشنا شدم که تا پیش از آن هرگز به گوشم نخورده بود. او سعی می‌کرد که دیدی جهانی نسبت به ادبیات داشته باشد و ما را با بزرگان ادبیات جهان آشنا کند. من اسم استاندال را اول بار در کلاس‌های او شنیدم، یا درباره تالستوی و داستایفسکی نکات مهمی از او فرا گرفتم. کلاس‌های ادبیات تطبیقی از اواسط مهر شروع شد و تا ماه بهمن ادامه داشت که متأسفانه در اواسط همین ماه خانم سیاح سکنه کرد و در گذشت و ما دیگر نتوانستیم از محضرش استفاده کنیم. سال‌ها بعد، در حدود ۱۳۵۴، کتابی در شرح احوال او و یادداشت‌های شاگردانش از کلاس‌های او منتشر شد. آقای احمد سمیعی یک دوره کامل شاگرد او بوده است.

ادب

دکتر احمد کتابی

ای برادر! قصه چون پیمانه‌ای است
معنی اندر وی مثال دانه‌ای است
دانه معنی بگیرد مـسـرد عقل
ننگرد پیمانه را گر گشت نقل
مثنوی، دفتر دوم: ۳۶۲۳-۳۶۲۲
درآمد: در میان سخنوران بزرگ فارسی - اعم
از متقدمان و متأخران - کمتر کسی را می‌توان یافت که
همانند مولانا جلال‌الدین محمد مولوی به نقش و تأثیر
تمثیل - در تفهیم و انتقال مفاهیم به مخاطب - پی‌برده و
از آن، به هوشمندانه‌ترین و مؤثرترین شیوه استفاده
کرده باشد.

اهمیت تمثیل و قصه‌سرایی در مثنوی، به
درجه‌ایست که اگر امثال و حکایات را از آن تفکیک
کنیم، چیزی جز «شیربی‌یال و دم و ایشکم» باقی
نخواهد ماند. (زمانی، ۱۳۸۵، ص ۸۵۹)
در این مقاله، نخست به ارائه تعریفی از تمثیل
پرداخته می‌شود و سپس از اهمیت آن، به‌عنوان یک
شیوه تعلیمی و بلاغی، سخن می‌رود و آنگاه - به
استناد شواهد متعدد مستخرج از مثنوی - از اهداف
و مقاصد یاد می‌شود که مولانا از توسل به تمثیل
در نظر داشته است.

۱- تعریف تمثیل

تمثیل، در لغت، به معانی: مثال آوردن، تشبیه
کردن، صورت چیزی را مصور کردن و داستان یا
حدیثی را به‌عنوان مثال آوردن است. (معین، ۱۳۵۲،
ذیل تمثیل)؛ ولی در اصطلاح اهل ادب عبارت
است از «تشبیه امری به امر دیگر [به دلیل وجود
گونه‌ای همانندی یا درجه‌ای از مشابهت بین آنها] تا
از آن، فایده‌تی حاصل آید». (زمانی، همانجا)

۲- نقش و اهمیت تمثیل از دیدگاه مولانا

اصولاً طبع آدمی با تمثیل و قصه‌پردازی
موافقت و سازگاری فطری و ذاتی دارد. به همین
مناسبت، یکی از شیوه‌های تعلیمی و بلاغی بسیار
مؤثر کتاب‌های آسمانی و پیامبران و مصلحان و
مریبان بشریت، ارسال مثل بوده است؛ زیرا توسل
به تمثیل‌های بجا و دلنشین از خشکی و ملال‌آوری
سخن می‌کاهد و در نتیجه، در انتقال و ابلاغ پیام‌های
معنوی و اخلاقی به مخاطبان و تسهیل درک مفاهیم
دشوار در نظر آنها، می‌تواند بسیار کارساز باشد.
(همانجا) که گفته‌اند: *الأمثال للقلوب كالمرآة للعيون*
(مثل‌ها برای دل‌ها همانند آینه برای چشم‌هاست).
از قضا، مولانا هم، که در زمینه انسان‌شناسی تبحر
خاصی دارد، به این گرایش فطری آدمیان به قصه و
تمثیل و قوف و توجه کامل یافته و از این شیوه بیانی
و تفهیمی مؤثر، بهره‌افر جسته و در اکثر مسائل
باریک و دور از ذهن و فهم عامه بدان متوسل شده
است. به همین مناسبت، بخش اعظم مثنوی از انواع
تمثیلات تشکیل شده است.

۳- انگیزه‌ها و دلایل توسل به تمثیل

تمثیل در مثنوی به گونه‌ها و شیوه‌های
متفاوتی به کار رفته و اهداف و مقاصد گوناگونی
را تعقیب می‌کرده است که ذیلاً تحت عنوان‌هایی

جداگانه به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

۱-۳- مولانا حکایات و امثال مثنوی را نقد
حال آدمیان می‌داند نه افسانه سرایی
در تأیید این مدعا، شاهد مثال‌های عدیده‌ای
در مثنوی قابل استناد است:
- مولانا در دیباجة داستان معروف پادشاه و
کنیز که از داستان‌های بسیار دلنشین و آموزنده
مثنوی است، این حکایت را وصف حال همه
انسان‌ها تلقی می‌کند:
بشنویدای دوستان! این داستان

و در موضعی دیگر، در عین اذعان به ناتوانی
و نارسایی تمثیل در تبیین بعضی مفاهیم، آن را به
منزله تلاشی اندک به انگیزه تفهیم تلقی می‌کند:
این مثل نالایق است ای مستدل
حیله تفهیم را جُهد المقل
۳-۳- مولانا، در مواردی حتی از داستان‌های
مستعجن و هزل‌آمیز هم، برای تفهیم مقصود و افاده
منظور خود مدد گرفته است.
شایان توجه است که هزل مولانا، همان‌گونه
که خود وی با صراحت بیان کرده است، «هزل

اهمیت تمثیل در مثنوی



در حقیقت نقد حال ماست آن
دفتر اول: ۳۵
و در دفتر سوم، همین مدعا را تکرار می‌کند:
آنچه گفتم جملگی احوال توست
خود نگفتم صد یکی ز آنها درست
دفتر سوم، ص ۱۵۲، سطر ۲۶ (مثنوی مصحح
رمضانی)
- در جایی دیگر - داستان حضرت موسی (ع)
و فرعون - مجدداً بر این نکته مهر تأکید می‌نهد:
این، حکایت نیست پیش مردِ کار
وصف حال است و حضور یار غار
دفتر سوم: ۱۱۴۹

و نیز:

ذکر موسی بهر روپوش است لیک
موسی و فرعون در هستی توست
نور موسی نقد توست ای مرد نیک
باید این دو خصم را در خویش جُست
همان دفتر: ۱۲۵۳-۱۲۵۲

- سرانجام در دیباجة دفتر چهارم، کسانی را
که حکایت‌های مثنوی را افسانه می‌پندارند، افسانه
می‌خواند:

هر کس افسانه بخواند افسانه است

و آنکه دیدش نقد خود مردانه است
دفتر چهارم: ۳۴
۲-۳- مولانا، توسل به تمثیل را برای تفهیم
مقصود به عامه مردم ضروری می‌بیند:
در این خصوص نیز، شواهد مثال متعددی از
مثنوی در دست است:

- مولانا، در جایی، مثل را به مثابه ابزار یا
واسطه‌ای تلقی می‌کند که بدون کمک آن، تفهیم
مفاهیم و انتقال پیام‌ها و آموزه‌ها به عموم مردم
امکان‌پذیر نیست.

این مثل چون واسطه است اندر کلام

واسطه شرط است بهر فهم عام
دفتر پنجم: ۲۲۸
- در جایی دیگر، در تأیید همین معنی چنین
استدلال می‌کند:

لیک تمثیلی و تصویری کند

تا که در یابد ضعیفی هوشمند
دفتر ششم: ۱۱۷

این مثال آمد رکیک و بی‌ورود
لیک در محسوس از این بهتر نبود
دفتر ششم: ۴۶۳۳
- به عقیده مولانا، حتی افسانه‌های کودکان
هم، می‌تواند حاوی پندها و پیام‌هایی ارزنده و
آموزنده باشد:
کودکان افسانه‌ها می‌آورند
درج در افسانه‌شان بس سر و پند
دفتر سوم: ۲۶۰۲
۴-۳- از دیدگاه مولانا، الفاظ و عبارات فرع‌اند
و معانی و مفاهیم اصل
در این زمینه هم، شاهد مثال‌های فراوانی از
مثنوی در دست است:
- مولانا، در جایی، سخن را به منزله پوست
و معنی را به مثابه مغز می‌شمارد:

این سخن چون پوست و معنی مغز دان
این سخن چون نقش، و معنی همچو جان
دفتر اول: ۱۰۹۷
- در جایی دیگر از همان دفتر، الفاظ و
اسامی را همانند دام‌هایی تلقی می‌کند که باید از
آنها برحذر بود:

لفظ‌ها و نام‌ها چون دام‌هاست

لفظ شیرین ریگ آب عمر‌هاست
دفتر اول: ۱۰۶۱
- در یک موضع، لفظ را ظرف و پیمانه و
معنی را مظلوف آن می‌داند:

گفت: این، پیمانه معنی بود

گندمی بستان که پیمانه است رد
زید و عمر از بهر اعراب است ساز
گر دروغ است آن تو با اعراب‌ساز
دفتر دوم: ۳۶۳۲-۳۶۳۱

- و در موضعی دیگر، از قول حکیم سنایی
غزنوی، کسانی را که از قرآن فقط به ظاهر الفاظ و
عبارات آن توجه و اکتفا می‌کنند، از زمره گمراهان
می‌شمارد:

خوش بیان کرد آن حکیم غزنوی

که ز قرآن گر نینشد غیر قال
بهر محبوبان مشال معنوی
این عجب نبود ز اصحاب ضلال
دفتر سوم: ۴۲۳۰-۴۲۲۹

بالاخره در جایی دیگر، با توسل به تشبیهاتی
بدیع، همین معنی را موکد می‌سازد:

جسم‌ها چون کوزه‌های بسته سر

کوزه آن تن، پر از آب حیات
تا که در هر کوزه چسود؟ آن نگر
کوزه این تن پر از زهر مَمات

گر به مظلوفش نظر داری شهی

و ره ظرفش بنگری تو گم‌رهی
لفظ را مانده این جسم دان

دیده تن دائماً تن بین بود
معنی اش را در درون مانند جان
دیده جان، جان پر فن بین بود
دفتر ششم: ۶۵۴-۶۵۰

تعلیمی» است و با هزل‌های متعارف تفاوت ماهوی
دارد. بنابراین، شاید مناسب‌تر و صحیح‌تر آن باشد
که از آن به «طنز» تعبیر شود. بیت‌های زیر موید
این ادعاست:

در جایی، سخن هزل‌آمیز را به ویرانه‌ای
تشبیه می‌کند که در آن گنج‌ها می‌توان یافت.
هزل‌ها گویند در افسانه‌ها

گنج می‌جو در همه ویرانه‌ها
دفتر سوم: ۲۶۰۳
و در جایی دیگر، هزل را ابزار و واسطه
تعلیم تلقی می‌کند و به خوانندگان هشدار می‌دهد
که فریفته ظاهر آن نشوند و به مقصد و پیام نهفته
در آن گوش جان فرادهند.

هزل تعلیم است آن را جد شنو
تو مشو بر ظاهر هزلش گرو
هر جدی هزل است پیش‌هازلان
هزل‌ها جد است پیش‌عاقلان
دفتر چهارم: ۳۵۵۸-۳۵۵۹

و نیز:

بیت من بیت نیست اقلیم است
هزل من هزل نیست تعلیم است

دفتر پنجم، دیباجة

و در پایان همان دیباجة تصریح می‌کند: ولو
تا ملت فیه قلیلا وجدت من نتایجه الشریفه کثیرا
(یعنی: اگر اندکی در آن تأمل کنی، از آن به نتایج
ارزنده بسیاری دست می‌یابی)
و نیز:

* غم‌های ماقابل تحمل بودی اگر شادی همسایه
نبودی.
* غم هر کس در دل خودش است.
* غنیمت است در این روزگار خندیدن.
* غنیمت دان دمی تا یک دم هست.
* غنی هر چه کریم باشد سفره بر سر راه
نمی‌گسترده.
* غوغا بود دو پادشاه اندر ولایتی.
* غیرت مردی نداری زن مخواه.

«ف»

* فارسی شکر است، ترکی هنر است.
* فارسی گوگر چه تازی خوشتر است.
فارغ منشین به هیچ جایی / میزن به دروغ دست

* غم عشق آمد و غم‌های دگر پاک ببرد.
* غم غم را کشد و ریگ نم را.
* غم می‌آورد و دم دم.
* غم فردا نشاید خوردن امروز.
* غم فرزند و نان جامه و قوت
باز دارد ز سیر در ملکوت
* غم کم شود به گفتن و شادی زیاد.
* غم گروهی، شادی قومی دگر است.
* غم مخور ای دوست که این جهان بنماید.
* غم مخور شاد بزی ز آنکه جهان در گذر است.
* غم مرگ برادر را برادر مرده می‌داند.
* غم نداری بُز بخرا!
* غم نداری، زن بگیر!
* غم نو، غم کهنه را از یاد می‌برد.

غنیمت
خندیدن

و پای
* فاقه زنگ از دل برد، هم روی نورانی کند.
* فال جعفر صادق (ع) است، بد ندارد!
* فال بد بر زبان بد باشد.
* فالت فال است، مُردنت امسال است، گفتن
پوست شغال است.
* فال نیکو بزن بر هر کاری.
* فال نیکو ز نیت تا نیکیتان پیش آید.
* فال نیکو شگون مردان است.
* فالیز جهان بهر خران آمده است.
* فتد میوه در آستین فراخ.
* فتنه خفته را مکن بیدار.
* فتنه خیزد چو نشینند دو بد مست به هم.
* فتنه در خواب است بیدارش مکن.

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات سه شنبه ۲۶ شهریور ماه ۱۳۵۳ (برابر با ۲۹ شعبان ۱۳۴۴ و ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۴) نقل شده است.

آغاز ماه مبارک رمضان

فردا مصادف با اول ماه مبارک رمضان است. میلیون‌ها نفر مسلمان برای اجرای فرایض دینی از سحرگاه فردا به اجرای مراسم روزه خواهند پرداخت و گروهی نیز از امروز به استقبال ماه رمضان رفتند و روزه گرفتند.

خبرنگار ماضمن تماس با چند تن از علما و روحانیون تهران نظر آنان را در مورد آغاز ماه مبارک رمضان سؤال کرد. آیت‌الله بهاء‌الدین نوری اظهار داشت: بر حسب مقررات مذهب شیعه اثبات روز اول ماه رمضان به یکی از امور پنجگانه زیر بستگی دارد. گذشتن ۳۰ روز از ماه شعبان - رویت هلال ماه - شهادت عدلین - شهرت قطعی - حکم مجتهد جامع الشرایط.

آیت‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای نیز اظهار داشت چون ماه شعبان ۳۰ روز نیست بنابراین اگر امشب هلال ماه رویت نشود مسلمانان باید فردا را به نیت آخر شعبان روزه بگیرند. آیت‌الله شیخ عبدالرحیم کئی نیز اظهار داشت: اسلام یک ملاک کلی جهت این امور دارد و در مورد ماه مبارک رمضان رویت هلال شرط کلی است.

ماه مبارک رمضان از امروز در کشورهای عربی آغاز شد. هلال اول ماه که نشانه آغاز ماه روزه مسلمانان است دیشب در صنعا، ریاض، بیروت، عمان، بغداد و دمشق دیده شده است در قاهره نیز دیشب رسماً اعلام شد که ماه رمضان از روز سه شنبه در مصر آغاز شده است.

هزاران نوع کالای شرق و غرب در تهران به نمایش گذاشته شد

صبح امروز نمایشگاه بین‌المللی تهران که در آن تولیدات و آخرین پدیده‌های صنعتی ایران و ۳۲ کشور خارجی در مساحتی معادل ۶۰ هزار مترمربع به تماشای گذاشته شده است، گشایش یافت.

در این نمایشگاه صنایع و تولیدات ایران و ۳۲ کشور خارجی در مساحتی معادل ۶۰ هزار مترمربع ایجاد شده که علاقه و همکاری صمیمانه شرکت‌کنندگان در سطح شایان توجهی در مقایسه با دیگر نمایشگاه‌های بین‌المللی مشهود است.

از بین کشورهای شرکت‌کننده در این نمایشگاه غیر از تولیدکنندگان ایران، غرفه شوروی با ۳۷۵۰ مترمربع سالن و فضای باز، بزرگترین غرفه را از لحاظ وسعت و عرضه کالا در اختیار دارد و بعد به ترتیب غرفه‌های آلمان فدرال، انگلستان و آمریکا قرار دارد.

بعضی از آزمایش‌های طبی مجانی شد

انجام بعضی از آزمایش‌های طبی به وسیله وزارت بهداشتی مجانی اعلام شد.

وزارت بهداشتی امروز اعلام داشت: به کلیه آزمایشگاه‌های وزارت بهداشتی دستور داده شد که از این پس انواع آزمایش‌های خون - ادرار و آزمایش‌های مربوط به تشخیص بیماری‌های عفونی به رایگان انجام شود.

این آزمایش‌ها تاکنون در قبال دریافت هزینه انجام میشد. به موجب این دستور در مواردی که مردم برای کارهای درمانی خود نیاز به آزمایش‌هایی مانند آزمایش سیلان و انعقاد خون، قند خون، اوره و آزمایش‌های حاملگی دارند باید مبلغی بین ۳۰ تا یکصد ریال بپردازند. هم‌اکنون ۲۱۲ آزمایشگاه وزارت بهداشتی در سراسر کشور آمادگی کامل برای اجرای این دستور دارند.

۷ دانشسرای هنر تأسیس میشود

امروز اعلام شد با همکاری وزارت فرهنگ و هنر و وزارت آموزش و پرورش در ۶ شهرستان دانشسرای هنر شبانه‌روزی تأسیس خواهد شد.

این شهرستان‌ها عبارتند از: فارس، خراسان، اهواز، آذربایجان شرقی، کرمانشاه، کرمان.

دانشسرای هنر همچنین در دو منطقه سمنج و زاهدان از اول مهر ماه ۵۳ شروع به کار خواهد کرد.

این دانشسراها هر یک در حدود ۱۰۰ هنرجو دختر و پسر خواهد پذیرفت. هنرجویان باید دارای شرایط زیر باشند: دارا بودن کارنامه قبولی کلاس سوم متوسطه یا کارنامه قبولی دوره راهنمایی تحصیلی، دارا بودن حداکثر ۱۷ سال تمام، سپردن تعهد ۵ سال خدمت در هر منطقه‌ای که وزارت آموزش و پرورش تعیین میکند.

حداقل مدت تحصیل در دانشسرای هنر چهار سال و حداکثر ۵ سال تعیین شده است. به فارغ‌التحصیلان این دانشسرا گواهی‌نامه پایان تحصیلات دانشسرای هنر داده میشود که دارندگان آن میتوانند از نظر استخدام و وظیفه عمومی از مزایای قانونی گواهی‌نامه پایان تحصیلات کامل متوسطه استفاده کنند.

قاب امروز



عاقبت بازی پاشاخ گاو/ منبع: تلگراف

داستان کوتاه

برای نهادن چه سنگ و چه زر

مرد ثروتمندی از تمامی لذت‌های زندگی بهره‌مند بود. او اموال زیادی داشت. چندین ملک در شهرهای مختلف، ماشین‌های رنگ و وارنگ و کلی وسایل گران‌قیمتی و ارزشمند داشت. بعد از اینکه پیر شد، روزی فکر کرد که نگاهداری این همه املاک در جاهای مختلف برای او سخت شده است و بهتر است همه مال و اموال خود را بفروشد و با پولش الماسی بخرد تا همه‌ی پول و ثروتش همیشه در کنارش باشد. او هر چه داشت فروخت و با پولش الماسی بزرگ خرید. او چاله‌ای در کنار درخت پشت حیاط کند و الماسش را آنجا پنهان کرد.

او هر شب برمی‌گشت و چاله‌رامی کند و نگاهی به الماسش می‌کرد و وقتی خیالش جمع می‌شد دوباره آنرا در چاله‌می گذاشت و رویش را با خاک می‌پوشاند.

اینکار هر شب تکرار می‌شد تا اینکه شبی دزدی به

خانه او آمد. دزد دید که مرد پولدار از اتاقش بیرون آمد و آهسته به حیاط رفت و چاله‌ای حفر کرد و از آن سنگی را بیرون آورد آنرا نگاه کرد و گفت: هنوز اینجاست. دوباره آنرا در چاله گذاشت و رویش را با خاک پوشاند. وقتی پیرمرد به اتاقش برگشت، دزد زمین را حفر کرد و تکه الماس را با خود برد.

روز بعد وقتی پیرمرد چاله‌ای را در کنار درخت دید، ترسید به سرعت به آن طرف دوید.

زمین کنده شده بود و از آن سنگ قیمتی هیچ اثری نبود. مرد با صدای بلند می‌گریست و فریاد می‌زد دیگر من الماسی ندارم. خدمتکاران به دوست او تلفن زدند. وقتی دوستش رسید و پیرمرد را در آن شرایط دید به او گفت: گریه نکن، بیا این تکه سنگ بزرگ برای تو آن را بردار و در چاله ببند و رویش را با خاک بپوشان، سپس هر روز می‌توانی بیایی و آنرا از چاله در آوری و نگاه کنی یک تکه سنگ با یک تکه الماس وقتی درون خاک پنهان باشد برای صاحبش نباید فرقی داشته باشد. ضرب المثل «برای نهادن چه سنگ و چه زر» از این داستان شکایت دارد.

امروز در تاریخ

پارسی، دومین زبان کلاسیک و باستانی

زبان‌شناسان و ادیبان اروپایی در پایان نشست سه روزه خود در شهر برلین که در نیمه سپتامبر ۱۸۷۲ برگزار شده بود، زبان پارسی را در ردیف زبان‌های یونانی، لاتین و سانسکریت، یکی از چهار زبان کلاسیک اعلام کردند. در این اجلاس، زبان‌های هند - اروپایی مورد بررسی قرار گرفته بود. این نشست، زبان پارسی را از لحاظ کلاسیک بودن، زبان شماره ۲ (پس از زبان یونانی) قرار داد. زبان پارسی از این لحاظ یک قرن از لاتین و ۱۲ قرن از زبان انگلیسی جلوتر است.

رضا شاه زندانی انگلیسی‌ها شد

هفدهم سپتامبر ۱۹۴۱ (۲۶ شهریور ۱۳۲۰) محمدرضا پهلوی در جلسه فوق‌العاده مجلس به رعایت کامل قانون اساسی سوگند خورد و شاه شد و قول داد که اگر در گذشته اشتباهی صورت گرفته جبران کند.

۲۴ ساعت پس از خروج رضاشاه از تهران، در گوشه و کنار شنیده می‌شد که وی آزاد نیست. گرچه آزادانه حرکت می‌کند، ولی عملاً زندانی دولت انگلستان است و هر کجا که این دولت بخواهد او را خواهد برد و تحت مراقبت قرار خواهد داد و به احتمال زیاد از ایران تبعید و به یک مستعمره دورافتاده انگلستان فرستاده خواهد شد. در همین روز سرلشکر احمد نخجوان که پس از مرخص کردن سربازان پادگانها و بی‌دفاع کردن کشور، از دست رضا شاه کنک خورده بود، خلع درجه و زندانی شده بود آزاد شد و ضمن تجلیل از او! پنج روز بعد دوباره وزیر جنگ شد. سر تپ علی ریاضی هم که به همان دلیل زندانی شده بود آزاد گردید. رضاشاه [بدون اطلاع از واقعیت‌های پشت پرده و جریان‌ات روز] گفته بود که این دو و خائنان دیگر باید در محکمه نظامی زمان جنگ [محکمه حرب] محاکمه و اعدام شوند و خودش بر جریان این محاکمه نظارت خواهد کرد.

پشت جلد کتاب سر نوشت فرانسی

دیوبند اندرسون روزنامه‌نگاری که با نوشتن و شکافتن انگیزه جنایات و دنبال کردن احکام قضایی، در جامعه آمریکا شهرت وسیع به دست آورده بود و با نوشتن هایش کمک بسیار به اصلاح وضع قضایی و رسیدگی‌های پلیس کرده بود ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۵ در ۶۲ سالگی از بیماری سرطان مجاری صفرا درگذشت. وی از اعضای میز مقالات نیویورک تایمز بود. اندرسون که از مخالفان سرسخت مجازات اعدام بود چندین کتاب در زمینه تجربه و تفکر خود نوشته است که معروفترین آنها «جنایتکار و دستگاه قضایی» عنوان دارد.

سودوکو

۱۱۶۰

					۷	۵		۸
				۱	۲			
							۱	۲
			۷					۹
				۵				
					۴			۳
								۵
				۸	۲			
				۹				۸

۷	۸	۲	۵	۴	۶	۱	۳	۹
۱	۳	۹	۷	۸	۲	۵	۴	۶
۵	۴	۶	۱	۳	۹	۷	۸	۲
۲	۷	۸	۶	۹	۵	۴	۱	۳
۴	۵	۱	۲	۷	۳	۶	۹	۸
۶	۹	۳	۸	۱	۴	۲	۷	۵
۳	۲	۷	۴	۶	۸	۹	۵	۱
۸	۱	۵	۹	۲	۷	۳	۶	۴
۹	۶	۴	۳	۵	۱	۸	۲	۷

حل

۳۶۷۲

حل ۱۱۵۹

جدول شرح در متن

۳۶۷۲

آسوده خاطر	مجموعه شعر	جانور درنده	یار «ماروت»	در فاصله	نارس
ف	شعبی کدکنی	خوی مرغ همسایه!	بسیار نزدیک	بچه ترسان!	
ا			گرافه گویی		
ب	فنا		کلبین آهنگری		
دراز و طولانی	ورزش تمرکز		خوش قد و قامت		
محل و برزن	سریع السیر				
ب	سریع السیر				
بعد از اول	فورت دادن غذا				
اثر صادق چوبک	آموزش				
ت			زندی آدم		
برتر			بپانه گیر		
فلز سرخ			خوشحال		
سلیقه					
سنگمار					
رديف					
بهار زندگانی					
بخت برگشتی					
لطافت					